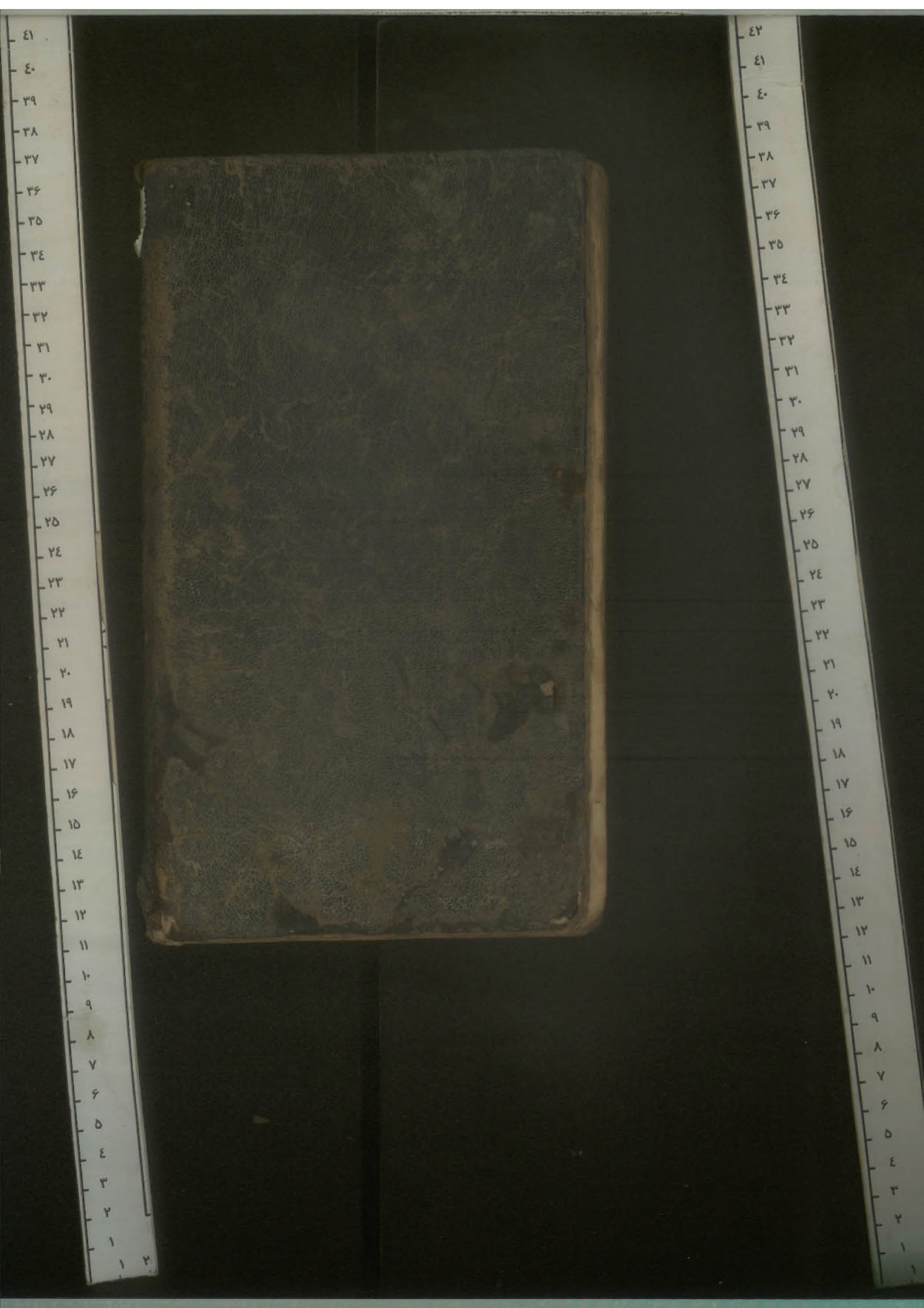

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب ادعیه
مؤلف
موضوع
شمارهٔ اختصاصی (۳۲۸) از کتب اهدائی: صدری
شمارهٔ ثبت کتاب ۲۱۲۰۵

الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم انه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول
سفیهنا علی الله شططا له معقبات من بین یدیه ومن خلفه یحفظونه من امر الله
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ختم الله علی
قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم الله الشافی الکافی المعافی
بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واما ایات الاستکفاء
الایة الاولی الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون اولئک
علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون الایة الثانیة
الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا
الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا
رضوان الله والله ذو فضل عظیم الایة الثالثة وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا الله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ویوب
ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین

۳۲۸ صدری
۲۱۲۰۵

فکشفنا ما به من ضر واتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة منا وذکری للعابدین
الایة الخامسة وانوفق الا برحمک الله ان الله
ثابت ما ما که ... ع تن مرا دهن در هر جا که خواهد شو من زهر کرا اگر جامه شود بکا
یاسه دوم ماه روز یک ساعت نوکردن و بازرگانی و بنا نهادن و کردن دین و فرمودن
متولد شود بزید و مبتلا شود و عاقبت بمیرد کوشه و کمین پیوسته و دوغ عاشق باشد
چهارم ماه روز گرانی نخست نوش نگاه دارد و بپرهیزد بدگرد از
سلطان اگر زنده دین را و فرزند بسیار دارد و اگر جامه شود زود بشود
پنجم ماه روز یک ساعت صاحب ستان امیران و وزیران و خریدن و فروختن یک بود

الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض
وهو العزيز الحكيم انه تعالى جده ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول
سفيهنا على الله شططا له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله
وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون وختم الله على
قلوبهم وعلى سمعهم وعلى أبصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم الله الشافي الكافي المعافي
بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم واما ايات الاستكفاء
الاية الاولى الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون جوابها
أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة وأولئك هم المهتدون الاية الثانية
الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا
الله ونعم الوكيل جوابها فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا
رضوان الله والله ذو فضل عظيم الاية الثالثة وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان
لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
جوابها فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين الاية الرابعة
وايوب اذ نادى ربه اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين جوابها
فكشفنا ما به من ضر وآتيناه أهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا وذكرى للعابدين
الاية الخامسة وأفوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا
الاية السادسة وما لي لا أعبد الذي فطرني واليه ترجعون جوابها
فلولا انه كان من المسبحين للبث في بطنه الى يوم يبعثون
الاية السابعة ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب الا
الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون جوابها
وجنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين

جهت

يا الله في هذا الدعاء بسم الله يا الله ثلثا يا نور ثلثا يا ذا الجلال والاكرام ثلثا في كتاب الاعلى
ابي سلمى ان الاسم الاعظم يا الله يا رحمن يا ذا الجلال والاكرام الله لا اله الا هو الحي القيوم وفي كتاب الشجاعي
لابن ابي قرة عن الكاظم عليه السلام في هذا الدعاء تقول ثلثا يا قدوس ثلثا يا حي يا قيوم ثلثا
يا حيا لا يموت وثلثا يا حيا حين لا حي وثلثا يا حي لا اله الا انت وثلثا اسئلك بلا اله
الا انت وثلثا اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم نعم بالله المستعان

جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۱۲۵۱
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب ادعیه
مؤلف
موضوع
شمارهٔ اختصاصی (۳۲۸) از کتب اهدائی: صدری

۳۲۸ صدری
۲۱۲۵۱

هو المعز

بسم الله الرحمن الرحیم

در اخبار روز نامه امام ناطق امام جعفر صادق علیه السلام و علی آبا به نشر موده

اول ماه روز نیک و مبارکست همکار با تخصیص حاجت خواستن از سلطان و قرض کردن و سفر کردن و اگر چیزی غایب شود از امروز خواهش روزد دیگر باز آید و اگر بیمار شود بهم در آن روز به شود و اگر دین روز فرزندی آید اگر بر شهریار صاحب سلطان روز شد باشد و اگر دختر بود بخیل

دوم ماه روز نیک و مبارکست حاجت بمراد و بیع و شری و زن خواستن و بنا نهادن و از خانه بجای دیگر رفتن و زراعت کردن و جوی کندن مبارکست هر که در آن روز متولد شود

سیم ماه روز نیکست طلب حاجت از امیران و بزرگان و فرزند یک امید آمدن از سفر خواستن و اگر دین روز فرزند متولد شود و بیمار شود زود به شود

چهارم ماه روز نیکست حاجت خواستن از امیران و بزرگان و فرزند یک امید آمدن از سفر خواستن و اگر دین روز فرزند متولد شود و بیمار شود زود به شود

پنجم ماه روز نیکست حاجت خواستن از امیران و بزرگان و فرزند یک امید آمدن از سفر خواستن و اگر دین روز فرزند متولد شود و بیمار شود زود به شود

ششم ماه روز نیکست سفر کردن و خرید و فروخت و طلب حاجت و کشت و زراعت بیجا نه نویسند

شماره ثبت کتاب ۲۱۲۵۱
مؤلف
موضوع
شمارهٔ اختصاصی

۳۲۸ مدی
۲۱۲۵۱

و بر دین روز حاجتی بجای نرفتن نیکست و لیکن در کشتی نباید نشست و اگر دین روز فرزندی متولد شود و مبارک شده و بسیار خیر بود اگر کسی غلام و کنیز بخرد خیر بود و اگر کسی بیمار شود زود به شود

هفتم ماه روز نیکست سفر کردن و خرید و فروخت و طلب حاجت و کوک و تعلیم فرستادن و کشت و زراعت و بنا نهادن و از جایی بجایی رفتن نیکست هر که در آن روز متولد شود و بر دین مبارک شد

هشتم ماه روز کراهت خواستن زن نیکست نباید دوخت سفر نباید کرد و جنگ و خصومت نباید و لیکن کشتی نشستن و در خانه نشستن روز نیکست و اگر دین روز فرزندی متولد شود دیر زندگانی باشد

نهم ماه روز نیکست طلب حاجت از امیران و بزرگان و فرزند یک امید آمدن از سفر خواستن و اگر دین روز فرزند متولد شود بسیار خیر بود و لیکن خرید و فروخت نباید کرد که خوب نبود

دهم ماه روز نیکست خرید و فروخت و جستن گم شده باز آید و اگر بیمار شود زود به شود

یازدهم ماه روز نیکست در کشتی نشستن و سفر کردن و کرفرز متولد شود زیرک و اگر بیمار شود به کردد

دوازدهم ماه روز نیک و مبارکست سفر کردن و بازرگانی و بنا نهادن و اگر دین روز فرزندی متولد شود بزید و بر نا شود و عشق پیشه کرد بچشم و عیب زیرک بود و آخر عمرش بسیار بود

سیزدهم ماه روز کراهت خواستن خویش نگاه باید داشت و بر سفر نباید کرد از سلطان اگر فرزندی دین روز بهم رسد درویش بود و اگر بیمار شود زود به نشود

چهاردهم ماه روز نیکست حاجت خواستن از امیران و بزرگان و خرید و فروخت نیک بود

دانکه فرزندی درین روز متولد شود طالب علم بود و مالش بسیار بود

پانزدهم ماه روز گران نحس است خویش را نگاه باید داشت و اگر فرزندی متولد شود تنگ بود

شانزدهم ماه روز گران و بد است سفر نباید کرد و در کشتی نباید نشست که بیم هلاک بود و اگر خبر گم شود زیاید و لیکن زاید و فرزند خوب باشد و اگر فرزندی در وجود آید خاندان بود

هفدهم ماه روز گران و نحس است ملک الموت را خدای تعالی درین روز خلق کرد اگر فرزندی درین روز متولد شود بمیرد و اگر بنده بگریزد باز نیاید و اورا هم بیم هلاکت بود

هجدهم ماه روز نیک و مبارک است خدای تعالی آفتاب را درین روز مصور کرد هر که درین روز سفر کند و فرزند و فرزند و فرخ بخت و در دنیا نیکبخت و شغل دنیا کردن نیکست اگر فرزندی درین روز متولد شود مبارک باشد

نوزدهم ماه روز نیک بود تجارت و امانت و علم و کتابت و تصوف نشستن بزرگان

بیست و یکم ماه روز نحس است هر که درین روز تجارت کند زیان یابد پرهیز کردن امر و فرزند درین روز متولد شود کوتاه عمر بود

بیست و دوم ماه سفر و نکاح نشاید کرد اگر کند بگریزد و فتنه و خصومت و خون کردن و حاجت دین روز روا نشود

بیست و سیم ماه نیکو بود خانه نکاح و عمارت و حاجت و بیمار زود به شود

بیست و چهارم ماه روز گرانست هر که درین روز کاری کند نیک نیاید بدو اندران خیری نباشد

بیست و پنجم ماه روز گران و نحس است اندرین روز فرعون لعین از مادر متولد شد هیچ کاری نباید کرد

بیست و ششم ماه روز نیک و مبارکست درین روز قوم فرعون در دریا هلاک

شدند و موسی علیه السلام نجات یافت و اگر کسی درین روز بیمار شود زود به شود

بیست و هفتم ماه روز برکت زیاده است بازرگانی را و هر فرزندی که درین روز متولد شود طالب علم بود و بچشم مردم عزیز

بیست و هشتم ماه روز نیک و مبارکست اما هر فرزندی که درین روز متولد شود مفسد بود و مردمان را از وی رنج رسد و زراعت جوزه بود اگر بنده بگریزد باز نیاید و اگر بیمار شود زود به شود

بیست و نهم ماه روز نیکست موسی علیه السلام درین روز بطور سینا رفت و مناجات کرد با حضرت حق تعالی و تو به کنان را نیکست و اگر بنده بگریزد زود باز آید و اگر بیمار شود زود به شود

سی ام ماه روز نیک و گزیده است هر کار را از بیع و شری و سفر و تجارت و هر

فرزندی که درین روز متولد شود نیک بخت و دولتمند بود تمت تمام

و دیگر حضرت رسالت پناه صلعم امیر المؤمنین علیه السلام را وصیت کرده اند که یا علی هیچ

خواهی رفت این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک خیر ما و خیر ما فیها و اعوذ بک

من شر ما و شر ما فیها دیگر هر کسی که از خانه بدر میرود و این دعا بخواند صحت و سلامت

بمنزل خود برسد و از هیچ گزنده آزار بوی نرسد دعای معظم نیست

اعتصمت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله

روایت کرده یونس بن عبد الرحمن از او و من زدی که لغت بیمار شدم
در مدینه مرض سخت در رسید آن را بابی عبد الله علیه السلام گفتم یونس بن
که من رسید علت تو بس بخواص عوام از کندم پس راست بخواب و بر راست
بر سینه خود بهر کیفیت که راحت خود بگو اللهم انی اسألک
باسمک الذی اذا سألک به المضطر کشفت ما به
من ضر و مکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک
ان تصلی علی محمد و اهل بیته و ان تعافیني
من علتي بعد ازان راست بنشین و جمع کن کندم را از کف
خود و بگو مثل این را و نفث کن کندم را بجهار طرف و هر قبضه را ازان
یک مد بده و بگو مثل آنچه گفتی و او گفت که من چنین کردم پس ازان
و نخلاص شدم و خوش گشتم و دیگر کردن این را عیز از هر و او نیز فائده
یافت ۴

تاریخ مولود و عاقبت محمود و از عمر بهبود در سنه محمد امین خلف صدق صاحبقران ثانی مولد
ولد صاحبقران اثنی عشر علی بهرام کارد کار از شهر روز پنجشنبه وقت نیم روز بیست و ششم شوال سنه
قدیم جلالی بیست و ششم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۹۴ او قمر در برج عوس بوده و برج عقرب
انقلاب ۴ فرزند کرکن بین طالع زاید نیکو رو و نیکو خلق و کم کون بود و این طالع یوسف علیه السلام
خانه مرتبی و دانش است بود و از عمر بیش با اقبال و دولتمند بود و چهار پایان نرینه بنام او کنند بود
و حاصل کار او و اشود و ماه محرم نیک باشد و اگر روز شنبه نصیبان کند رسوا شود و زن که خواهد بر
حل شده بخواهد تا بوی لب راز و از است دان دولت یابد و از کوشعد روزی مند بود و از بزرگان
دولت چند و فراخ روزی بود و از طعامهای مختلف عذر کند و در شقیقه بود و خون بینی زیاد و ام
نامزد شده و از چشم زخم بیم بود و از خواب ترسد و از خانمان بغربت افتد و کارش آنجا نیک شود
و از فرزندان کم روزی بود و میراث حلال یابد بتوز از جانب مشرق جنوب بود و دشمنی رخ نماید و کریه شم
باشد خطر به سالکی و مهلت سالکی و چهل و پنجمالگی بود و چون از این گذرد و بشتاد سال بر سر ان اندیشه

و اما زیارت الحسین علیه السلام

فی کل یوم فلما روی ان الصادق قال السدیر بن حکیم یا سدیر انزور الحسین علیه السلام فی کل
یوم قلت لا قال افلا اجعلکم انزوره فی کل شهر قلت لا قال انزوره فی کل سنة قلت قد یکون ذلک
قال افلا اجعلکم بالحسین علیه السلام انا علمنا ان الله تعالی الف الف ملک شعث غبر یبکونه و یزورونه و لا
یفترون و ما علیک یا سدیر ان تزور الحسین علیه السلام کل یوم مرة قال فقلت جعلت فداک بیننا
و بینه و الخ کثیرة فقال اصعد فوق سطحک ثم التفت یمنة و یسرة ثم ارفع رأسک الی السماء
ثم تخو نحو القبر و تقول السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

قل ما كان دعاء علية السلام

هذا الاستغفار يوجب الغنى في العلم والمال تقوله في سحر كل ليلة بعقب صلوة الفجر

اللهم اني استغفرك مما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك
لما اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك واستغفرك للنعم
التي منحت بها علي فقويت بها على معاصيك استغفر الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لكل
ذنب اذنبته ولكل معصية ارتكبتها اللهم ارزقني عقلا كاملا و
عزما ثاقبا وبكارا صحاحا وقلبا ذكيا وعلما كثيرا واداء بارعا واجعل ذلك
كله لي ولا تجعله علي برحمتك يا ارحم الراحمين ابراهيم دعا

هذا الدعا لما القي في النار فجعلها الله تعالى عليه بردا وسلاما

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله انت المرهوب رهبت منك جميع خلقك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله
انت الرفيع في عرشك فوق سبع سمواتك وانت المطل على كل شيء ولا يطل
شيء عليك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله انت اعظم من كل شيء فلا يصف
احد عظمتك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا نور النور قد استضاء بنورك
اهل سمواتك وارضيك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لا اله الا انت
تعاليت ان يكون لك شريك وتكبرت ان يكون لك ضد يا نور النور يا نور
كل نور الحامد لنورك يا مهلل كل مهلل يعني غيرك يا نور النور يا من ملا
اركان السموات والارض بعظمتك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا هو
يا هو يا من ليس هو الا هو اغثني اغثني الساعة الساعة يا من امره كلمح
البصر او هو اقرب احيا ثراها اذونا ي اصباوذ ال ندى يا الله

يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا ربا ه يا ربا ه يا غاية منتهاه ورغبتاه
المضمر دعا بدعائه هذا اوسمعه سماعا امن من الوسوسة اربعين سنة وهو
يا شامخا في علوه يا قويا فوق يا مستدنيا في بعده يا رؤفا في رحمته
يا مخرج النبات يا دائم الثبات يا محيي الاموات يا ظهر اللاجين
يا جار المستجيرين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا صريخ
المستصرخين يا عماد من لا عماد له يا مسند من لا مسند له يا ذخر من لا ذخر
له يا حرز من لا حرز له يا حرز الضعفاء يا عظيم الرجاء يا منفذ الغرقا
يا محيي الموتى يا امان الخائفين يا اله العالمين يا صانع كل مصنوع يا
جابر كل كسير يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا قريبا غير بعيد
يا شاهدا غير غايب يا غالبا غير مغلوب يا حيا حين لا حي يا محيي
الموتى يا حيا لا اله الا انت ثلاث مرات وينبغي ان يستغفر الله

هذا الاستغفار آخر نهار الخميس فتقول استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي
القيوم واتوب اليه توبة عبد خاضع مسكين مستكين لا يستطيع لنفسه
ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا وصلى الله
على محمد وعترته الطاهرين الاخيار الابرار وسلم تسليما كثيرا

آيات تكفي لحاملها وقارئها كل آفة وعاهة ولو كانت الدنيا مملوة سوفا ايصير
حاملها وقارئها سوة ومن مروية عن علي عليه السلام الاولى قل لن يصيبنا الا
ما كتب الله لنا هو مولنا وعلى الله فليتوكل المؤمنون
الثانية وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك
بخير فلا راد لفضله يصيب من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم
الثالثة وما من دابة في الارض الا على الله رزقها ويعلم مستقرها
ومستودعها كل في كتاب مبين الرابعة وكاين من دابة لا تحمل رزقها
الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم الخامسة ما يفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز
الحكيم السادسة قل افرايتم ما تدعون من دون الله ان ارادني الله
بضر هل هن كاشفات ضره او ارادني برحمة هل هن ممسكات
رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون السابعة حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وامنع بحول
الله وقوته من حولهم وقوتهم واستشفع برب الفلق من شر ما
خلق واعوذ بنا ناء الله لا قوة الا بالله الثامنة الذين قال لهم الناس
ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله و
نعم الوكيل التاسعة اني توكلت على الله ربي وربكم
ما من دابة الا هو اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

يا فوز الفوز يا مدبر الامور يا باعث من في القبور صل على محمد
وآل محمد واجعل لشيعتي من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا
واوسع لنا المنهج واطلق لنا من عندك ما يفرج وانعل بنا
ما انت اهله يا [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم يا مالك
الرقاب وهازم الاحزاب يا مفتح الابواب يا مسبب الاسباب
سبب لنا سببا لا نستطيع له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
صلوات الله عليه وآله اجمعين الهي بحق من ناجاك
وبحق من دعاك في البر والبحر صل على محمد وآله وتفضل على فقراء
المؤمنين والمؤمنات بالغنى والسعة وعلى مرضى المؤمنين
والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات
بالمغفرة واللطف والكرامة وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات بالرحمة
والرحمة وعلى غرباء المؤمنين والمؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين
غانمين بحق محمد وآله اجمعين

يا علي مدد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي دلنا على جادة النجاة وهدانا الى ما يوجب
علو الدرجات والصلوة على اشرف البريات وافضل اهل الارض
والسموات محمد والطاهرين بموالاتهم تقبل الصلوات وببركاتهم
تستجاب الدعوات وبعد فان اقل العباد عملا واكثرهم زللا محمد
المشتهر بهاء الدين عامله وفقه الله للعمل في يومه لغده
قبل ان يخرج الامر من يده يقول قد التمس مني جماعة
من اخوان الدين وخلان اليقين تاليف مختصر يحتوي
على ما لا بد لاهل الديانة من الاتيان به في كل يوم وليلة
من واجب العبادات ومندوبها ومحمود الاداب مرغوبها مختصرا في الاعمال
المسنونة على ما هو قليل المؤونة كثير المعونة فاجبت مسئولهم و

حققت بتوفيق الله ما مولهم وسميته مفتاح الفلاح سائلا
من الله سبحانه ان ينفع به الطالبين وان يجعله من احسن
الذخائر ليوم الدين ورتبته على ستة ابواب مستوكلا
على ملهم الصواب في باب الباب الاول فيما يعمل ما بين طلوع الفجر
الى طلوع الشمس الباب الثاني فيما يعمل ما بين طلوع الشمس الى الزوال
الباب الثالث فيما يعمل ما بين الزوال الى المغرب الباب الرابع فيما يعمل ما
بين المغرب الى وقت النوم الباب الخامس فيما يعمل ما بين وقت النوم
الى انتصاف الليل الباب السادس فيما يعمل ما بين انتصاف الليل الى طلوع الفجر
الباب الاول فيما يعمل ما بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس وفيه مقدمة
وفصول مقدمة قد ورد عن اصحاب العصمة سلام الله عليهم في
فضيلة هذا الوقت روايات عديدة ويطلق عليه ساعة الغفلة
كما يطلق ذلك على ما بين غروب الشمس وذهاب الشفق ايضا وينبغي ان
يكون الانسان فيه مستيقظا فان النوم في ذلك الوقت شؤم روى
رئيس المحدثين والفقيه عن الباقر عليه السلام انه قال نوم الغداة

شومة تطرد الرزق وتصفر اللون وتغيره وهو نوم كل مشوم
ان الله تبارك وتعالى يقسم الارزاق ما بين طلوع الفجر
الى طلوع الشمس فايا كم وتلك النومة وروى ايضا في الكافي
بالمذكور عن ابي الحسن الرضا عليه السلام في تفسير قوله تعالى
فالمقسمات امرا قال الملائكة تقسم ارزاق بني آدم ما بين طلوع
الفجر الى طلوع الشمس فمن نام فيما بينهما نام عن رزقه وقد روى
ان الصلوة في الصبح تكتب في اعمال الليل واعمال النهار معا وروى ثقة
الاسلام في الكافي عن الصادق عليه السلام في قوله تعالى ان
قرآن الفجر كان مشهودا قال يعني صلوة الفجر تشهدها ملائكة
الليل وملائكة النهار فاذا صلى العبد الصبح في طلوع الفجر ثبت
له مرتين انتهما ملائكة الليل وملائكة النهار وههنا اشكال
وهو انه قد روى جماعة من علمائنا عن الصادق عليه السلام
ان رجلا من النصارى سئل اباه الباقر عليه السلام عن الساعة
التي ليست من ساعات الليل ولا من ساعات النهار فقال عليه

السلام هي الساعة التي بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس
ولا يخفى ان هذا ينافي ما نقل اصحابنا عليه الاجماع من
ان صلوة الصبح من صلوة النهار وانه لم يخالف في ذلك الا
سليمان بن مهران الاعمش حيث عدها من صلوة الليل مستدلا
بقول النبي صلى الله عليه وآله صلوة النهار عجما اي اخفاتية
وقد يستدل له ايضا بما رواه رئيس المحدثين في الفقيه عن ابي
جعفر عليه السلام انه قال رسول الله صلى الله عليه وآله
لا يصلى بالنهار شئ حتى تزول الشمس ويمكن التقصي عن هذه
الاشكال بان الرواية قد وردت بان ذلك السائل كان قسيسا
من علماء النصارى وانه سأل الباقر عليه السلام عن مسائل عديدة لم تكن معروفة
الا بين اكابر علمائهم وهذه المسئلة من جملتها فلعل الامام عليه السلام
اجاب السائل على ما يوافق عرفه واعتقاده وذلك لا ينافي
كون النهار حقيقة شرعية فيما بين طلوع الفجر وغروب الشمس وبما
ما استدل به الاعمش من قول النبي صلى الله عليه وآله صلوة النهار

عما نقل الجواب عنه على انا قدس الله ارواحهم بانه
من قبيل تغليب الاكثر على الاقل لانه مستحب صلوة الصبح
من صلوة الليل بالغة في التغليس بها فقد روى انه صلى الله
عليه وآله كان يغلس بها حتى انه كان اذا انفتل منها
لم تعرف النساء وهن لا يعرفن من الغلس وروى زيد الحريش
في الفقيه ان يحيى بن اكثم سأل ابا الحسن الاول عليه السلام عن
صلوة الفجر لم يجهر فيها بالقراءة وهي من صلوة النهار فقال لان النبي
صلى الله عليه وآله كان يغلس بها فيقرأ فيها من الليل وبهذا يظهر الجواب
عما استدل به الاخر مع ان الظاهر ان مراد الامام عليه السلام في
صلوة النافلة ردا على المخالفين القائلين باستحباب صلوة
الضحى فلا باس في تخصيص فجر الاول والثاني بارادة كلام في
هذا المقام ذكر العلامة جمال الملة والحق والدين قدس الله روحه
في منتهى المطلب قال الطالب ثراه اعلم ان ضوء النهار من ضياء الشمس
انما يتضح بها ما كان بكل فضاء كثيفا في جوهره كالارض والقمر و

اجزاء

اجزاء الارض المتصلة والمنفصلة وكلما يتخلى من جهة الشمس
فانه يقع له ظل من وراءه وقد قدر الله تعالى بلطيف حكمته
دوران الشمس حول الارض فاذا كانت تحتها وقع ظلها فوق
الارض على شكل مخروط ويكون الهواء المتخلي بضياء الشمس
محيطا باجزاء ذلك المخروط تسمى نهايات الظل وذلك
الهواء المتخلي لكون ضوء الهواء ضعيفا اذ هو مستعار فلا يفيد كثيرا
في اجزاء المخروط بل كلما ازداد بعدا ازداد ضعفا فاذن متى يكون
في وسط المخروط تكون في اشد الظلمة فاذا قربت الشمس من
الافق الشرقي سال مخروط الظل عن سمت الرأس وقربت الاجزاء
المستضيئة من حواشي الظل بضياء الهواء من البصر وفيه ادنى
قوة فمن ثم ادركه البصر عند قرب الصباح وعلى هذا كلما ازداد الشمس
قربا من الافق ازداد ضوء نهايات الظل قربا من البصر الحاكم بتظلم
الشمس اولا فما يظهر للعين عند قرب الصباح يظهر مستديرا مستطيلا
كالعمود ويسمى صبح الكاذب ويشبه بذنب السرحان لدقته

استطالته ويسمى الاول لبقعه والثاني والكاذب لكونه لا نور
فيه اى لو كان يصدق انه نور الشمس لكان المنير مما يلي الشمس
دون ما يبعد منه ويكون ضعيفا رقيقا ويبقى ضوءه الارض على
ظلمة بطل الارض ثم يزداد هذا الضوء الى ان ياخذ الافق
وعرضا فيبسط في قوس من الافق كنصف دائرة وهو الفجر الثاني
الصادق لانه صدقك عن البحر وبينه الذانب وكاذب لكذبه على الله
مقامه واعلم انه لا يتعلق بطلوع الفجر الاول من الحمامات
الا مورد يسيرة كدخول وقت فضيلة الوتر فان افضل اوقاتها
ما بين الفجرين كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح
عن اسمعيل بن سعد الاشعري قال سالت ابا الحسن الرضا عليه السلام
عن ساعات الوتر فقال الى الفجر الاول وروى ان رجلا
سال امير المؤمنين عليه السلام عن الوتر اول الليل او آخره
فقال كان ابي صلى الله عليه وآله يوتر اول الليل ثم يرجع
فنادى اين السائل عن الوتر ثلث مرات نعم ساعة الوتر هذه

قام

قام عليه السلام فاوتر وراء الفجر الثاني فالعبادات المتعلقة
به كثيرة فاذا تحققت طلوعه فقل يا فالق الصبح من حيث لا
ارى وخرجه من حيث ارى صل على محمد وآله واجعل اول
يومنا هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا وقل ايضا
ما رواه رئيس المحدثين في الفقيه بسند صحيح عن الصادق عليه السلام
قال كان نوح عليه السلام اذا اصبح وامسى اللهم اني اشهدك
انه ما اصبح بي من نعمة وعافية في دين او دنيا فمنك
وحدك لا شريك لك لك الحمد ولك الشكر بها على حتى
ترضى وبعد الرضا يقول لها اذا اصبح عشرا واذا امسى عشرا
فمقتى ذلك عبدا شكورا وقل ايضا ما رواه ثقة الاسلام
في الكافي بسند حسن عن ابي عبد الله عليه السلام ان
امير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه كان يقول اذا
اصبح حين يتكلم الفجر اللهم اني اعوذ بك من
زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن فجاءة نقمتك

وامسى ا

ومن درك الشقاء ومن شر ما سبق في الليل والنهار
اللهم إني أسألك بعزة ملكك وشدة قوتك وبعظم
سلطانك وبقدرتك على خلقك أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تفعل بي كذا وكذا وما يقال عند طلوع الفجر وإذا
قد سبق الله روحه وفي الكافي بإسناد صحيح عن الباقر عليه السلام قال رسول الله
صلى الله عليه وآله لرجل يعزه من عزه في حائط له أو في
وقال ألا أدلك على عزاء يثبت صاحبه ويسرع إياعا وأطيب نفسا
وإني قال بلى وذاك يا رسول الله فقال إذا أصبحت وأمسيت
فقل ألف مرة الحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر فإن لك
في قوله بكل تسبيحة عشر نخلات في الجنة من أنواع الفاكهة
وهن من الباقيات الصالحات قال فقال الرجل فإني أشهدك
يا رسول الله أن حائطي هذا صدقة مقبوضة على فقراء المسلمين
من أهل الصدقة فأنزل الله عز وجل آيات من القرآن عامتها
من أعطى واتقى وصدق بالحسنى ميسره لليسرى وروى

السيد

السيد الجليل نجم العابدين رضي الدين علي بن طاوس قدس الله
روحه عن الباقر عليه السلام أنه قال من أصبح وعليه خاتم
فضة عقيق تختما به في يده اليمنى فأصبح من قبل أن
يحدث انقلب فضه إلى باطن كفه وقرأ إنا أنزلناه في ليلة
القدر إلى آخرها ثم قال آمنت بالله وحده لا شريك له
وكفرت بالجبت والطاغوت وآمنت بسر آل محمد
علانيتهم وظاهرهم وباطنهم وأولهم وآخرهم
وقاه الله تعالى في ذلك اليوم شر ما ينزل من السماء وما
يعرج فيها وما يلج في الأرض وما يخرج منها وكان في
حرز الله وكنفه وفي حرز رسوله صلى الله عليه وآله وممن يتعلق
عند الصباح ما روي عن الصادق عليه السلام استودع الله
الحي الأعلى الجليل العظيم نفسي وديني وأهلي وما
رزقني ربي وأخي والمؤمنين وجميع ما دبر في ربي
جميع من يخاف أمره استودع الله الخوف الذي هو

المتضرع لعظمته كل شئ ذليل خاضع ونفسي ومالي وولدي
واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني ربي وجميع من
يعنيني امره يقوله ذلك ثلث مرات فصل فان لم تكن عند
طلوع الفجر على وضوء فبادر الى الوضوء لتكون حالي اذان
الفجر متطهرا ولنذكر ههنا صفة الوضوء الكامل فنقول اذا
اردت الوضوء فابدء اقبله بالسواك وليكن على عرض الاسنان
لا على طولها وهو يجزي الاصبع عن السواك وروى شيخ الطائفة
في التهذيب بسند صحيح عن الصادق عليه السلام ان رسول الله صلى الله
عليه وآله قال السواك بالابهام والسبحة عند الوضوء سواك
وينبغي استقبال القبلة حال الوضوء واكثر علمائنا قد سر الله
ارواحهم لم يذكروه وقد ذكره بعضهم مستندا بما روي عن
ائمتنا عليهم السلام خير المجالس ما استقبل به القبلة ثم ان
كان وضوءك من اناء يمكن الاغتراف منه فضعه على يسارك
ولو توضأت من نهر او حوض مثله فينبغي ان تجلس بحيث

يكون

يكون مواجه يمينك ولو توضأت من بئر جعلته على الله اليمين واستقبال
القبلة اظهر ترجيح الاستقبال وقل عند النظر الى الماء
الحمد لله الذي جعل الماء طهورا ولم يجعله نجسا ثم غمس
يديك الى الزندين قبل ادخالهم الاناء مرة واحدة ان
كان وضوءك من حدث البول او النوم لا من حدث الريح
مثلا ومرتين ان كان من حدث الغائط ولا يستحب
غسلهما من غير هذه الاحداث المتقدمة ولو كان وضوءك
من حدث واجرى مثلا فالاكثر على سقوط غسل اليدين وقال
قائل بعضهم لا بقائه ولا بأس به ثم ضع يدك اليمنى في الماء
اناء بالتسمية كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح
عن الباقر عليه السلام قال اذا وضعت يدك في الماء فقل بسم الله وبالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين
ثم تمضمض ثلثا بثلثة اكف ثم استنشق كذلك وقل عقيب كل منهما
ما يأتي ذكره في الفصل الآتي ثم اغترف بيمناك غرفة واولا يتان

بالوضوء الواجب امتثالا لامر الله تعالى واما افعال النجاة
فتندرج في ذلك اذا نويت الاتيان بافضل الواجبين
ولو نويت كلا منهما عند الاتيان به لكان اولى وقارن
بالنية غسل اعلى وجهك مبتدئا لها حكما الى فراغك
قل بسم الله كما رواه ثقة الاسلام في الكافي عن الصادق
باسناد حسن والظاهر عدم اعتداد التسمية الاولى عن هذه
لانها للشروع في الواجب وتلك للشروع في المستحب وقد
جوز مقارنة النية لغسل اليدين اذا اجتمعت شرائطه
والمضمضة والاستنشاق ايضا معالين ان هذه الافعال الثلثة
من افعال الوضوء الكامل وتوقف ابن طاوس طاب ثراه
في جواز مقارنتها لغير غسل الوجه والاحتياط منه رحمه الله
فاذا صببت الماء على وجهك فينبغي امرار يدك الحليه تاسيا بما
نقل عن اصحاب العصمة سلام الله عليهم عند حكايتهم
الوضوء البياني وخروجا من خلاف بعض علمائنا حيث اوجب

ذلك

ذلك فلا يجب عليك تقديم غسل كل جزء من اجزاء الوجه
على ما سفل عن ذلك الجزء بل اذا تمت بغسل اعلاه كفى
وهذا الوجه هو الا رعى ما دارت عليه الابهام والوسطى
كما نطقت به صحيحة زرارة عن الباقر عليه السلام وقد بسطنا
الكلام في ذلك في شرح الحديث الرابع من كتاب الاربعين
يجب تخليل الشعر الذي ترى بشرة الوجه من تحته
في مجلس التخاطب بحيث يصل الماء اليها على سبيل الغسل اما
الذي لا ترى البشرة من تحته فلا يجب عليك غسل ما
تواجه به منه واقع عينيك حال الوضوء فقد روى يونس
الصيقل في الفقيه عن الصادق صلى الله عليه وآله انه قال انظروا
عيونكم عند الوضوء لعلها لا ترى ما يجب عليهم والا رى علما
وجههم الله لم يذكروا ذلك في مستحبات الوضوء وقد يظن ان
سببه ما نقل الشيخ الاجماع على عدم استحباب ايصال الماء
الوضوء الى داخل العينين وقال بعضهم في الذكرى انه لا منا

اما

من قطاطي من
المحاورات نسخ

بين الامرين لعدم التلازم بين فتح العينين وايصال الماء
الى داخلهما وهو جيد لا يبعد ترتب الثواب على ادنى
ما يأتي به المتوضي من افعال الوضوء نعم اذا انغمست
غسل وجهك فخذ غرفة من الماء بيدك اليسرى كما فعله
الباقر عليه السلام عند بيان وضوء النبي صلى الله عليه وآله واغسل بها
اليمنى مبتدئا بالمرفق مارا بها على اطراف الاصابع كما
مر في الوجه ليكون يجب هنا تخليل الشعور وان سترت لحيته
وابدأ بفضل ظاهر الذراع والمرفق بباطنه ثم خذ غرفة
اخرى بيدك اليمنى فاغسل اليسرى كاختها وليكن غسل
كل من الوجه واليدين مرة واحدة لا ازيد كما هو مختار
فقهاء الاسلام في الكافي وريس المحدثين في الفقيه وقد
بسطنا الكلام في ذلك في كتاب مشرق الشمسين وفي جعل
المتين ثم امسح ببشرة مقدم راسك او شعر الذي لا
يخرج به عن حد الوجه بمقدار ثلث اصابع منضومة ببلل

يمينك وبجزية ذلك البلل ظهر قدمك اليمنى من رؤس
الاصابع الى الكعب عني مفصل الساق والقدم ولا
يجزي المسح الى ما دونه وقد بيناه ثالث في الكتابين
بالامر بزيد عليه ثم امسح ظهر قدمك اليسرى بباقي البلل
وليكن مسح الراس والقدمين بباطن الكف لا بظاهرها
الا لضرورة ولا بد من امراره على الممسوح فلا يكفي وضع
الكف عليه من دون امرار وينبغي مسح القدمين بكل
الكف كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن
احمد بن محمد ابي نصر البزنطي قال سألت ابا الحسن
الرضا عليه السلام عن المسح على القدمين كيف هو فوضع كفه
على الاصابع ثم مسحها الى الكعبين فقلت لو ان رجلا
قال باصبعين من اصابعه هكذا الى الكعبين فقال لا
الا بكفه كلها ولكن افعال وضوئك على التوالي من دون
تراخ بينها مراعيا فيها الترتيب المذكور حتى تمسح القدمين

كما هو مختار جماعة من قدماء علمائنا ورواه ثقة الاسلام
في الكافي بسند حسن عن ابي عبد الله ع انه قال امسح
على الفقهين وابدأ بالشق الايمن وينبغي الاتيان به عند
كل فعل من الغسلات والمسحات بدعائه الموظف له
كما ياتي ذكره في الفصل الاتي فاذا فرغت من الوضوء فقل
الحمد لله رب العالمين رواه شيخ الطائفة في التهذيب
بسند صحيح ثم قل اللهم اجعلني من التوابين واجعلني
من المتطهرين اللهم اني اسئلك تمام الوضوء وتمام
الصلوة وتمام رضوانك والجنة واعلم ان كون الافعال
وجميع الاذكار المذكورة مستحبة والافعال الواجبة عشرة
النية مستدامة الحكم والغسلات الثلاث مسمى المسحات
الثلث بقدر ما تصاله في الاخيرتين من طرف القدم الى الكعبين
والترتيب والموالاة الا لضرورة ومباشرة الوضوء بنفسه
وينبغي ترك التمندل من الوضوء فقد روى ثقة الاسلام

الاقرب ٢/٢

في الكافي عن الصادق ع انه قال من توضأ فتمندل كانت
له حسنة وان توضأ ولم يتمندل حتى يجف وضوءه كانت
كانت له ثلثون حسنة والظاهر ان تعمد التجفيف
بالنشر على النار مثله كالتمندل ولا بأس بالوضوء في المسجد
ومن غير حدث في المبول والغائط اما منهما فمكروه كما
رواه ثقة الاسلام في الكافي بسند صحيح عن محمد بن مسلم
الاسلام في الكافي ورئيس المحدثين في الفقيه وشيخ
الطائفة في التهذيب عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن
ابي عبد الله ع قال بينا امير المؤمنين ع في ات يوم جالس
مع ابن حنيفة رضوان الله عليه اذ قال له يا عم ائتني
بانا من ماء اتوضأ للصلوة فاتاه عمه بالماء فاكفأ من الاناء
الايمن على يده اليسرى ثم قال بسم الله الحمد لله الذي جعل
الماء طهورا ولم يجعله نجسا قال ثم استنجى فقال اللهم
حصن فرجي واعفه واستر عورتي وحرمني على النار

في الكافي

قال ثم تمضمض فقال اللهم لقني حجتي يوم القاك واطلق
لساني بذكرك ثم استنشق فقال اللهم لا تحرمني طيب
الجنة واجعلني ممن يشم ريحها وروحها وطيبها قال
ثم غسل وجهه فقال اللهم بيض وجهي يوم تسود فيه
الوجوه ولا تسود وجهي يوم تبيض فيه الوجوه
ثم غسل يده اليمنى فقال اللهم اعطني كتابي بيميني و
الخلد في الجنان بيساري وحاسبني حسابا يسيرا
ثم غسل يده اليسرى فقال اللهم لا تعطني كتابي بشمالي
ولا من وراء ظهري ولا تجعلها مغلولة الى عنقي و
اعوذ بك من مقطعات النيران ثم مسح رأسه فقال
اللهم غشني رحمتك وبركاتك ثم مسح رجليه فقال
اللهم ثبتني على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل
سعيي فيما يرضيك عني يا ذا الجلال والاكرام ثم رفع
رأسه فنظر الى محمد فقال يا محمد من توضأ وضوئي وقال مثل

وقال

وقال خلق الله تعالى له من كل قطرة ملكا يقدسه ويمجده و
يكتب له ثواب ذلك الى يوم القيمة وضح طاهر
بيان ما لعله يحتاج الى البيان في هذا الحديث فما نقوله
من امر امير المؤمنين علي ولده رضي الله عنه باحضار الماء
يستفاد منه ان الامر باحضار ماء الوضوء ليس من شؤونه
المكروهة بل هو من الفعل المعصوم عن الكراهة واحتمال كون
صدور ذلك عنه عليه السلام لبيان جواز لا يخلو من بعد والكفا
الاناء بمعنى صبه والجيم في نجسا يجوز كسرها وفتحها وعطف
عفاف الفرج على تحصينه وعطف ستر العورة عليه من
قبيل عطف العام على الخاص اذ العورة في اللغة كل ما يستحي
الانسان من اطلاع غيره عليه ولقن بحجتي بالقاف والنون
المشددتين من التلقين وهو التفهيم وليشم فتح الشين واصله
يشتم كيعلم وماضيه شتم بالكسر والريح الرائحة والروح
بفتح الراء النسيم الطيب ثم الراحة والخلد اي اعطني صحيفة

الاعمال يمينه وبراءة خلاوي في الجنان بيساره وله
تفسيرات اخرى اوردتها في شرح حديث الخامس من
كتاب الاربعين والمقطعات بالقاف والطاء المهملة المفتوحة
الثياب التي تقطع كالقميص والجبة لا ما لا يقطع كالازار
والرداء وبعضهم ضبط المقطعات بالنون والطاء المهملة
من قولهم امر قطيع اي شديد شنيع والمنقول هو الاول
ويؤيده قوله تعالى فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار
وغشيت رحمتك بالمعجمات وتشديد الشين اي غلب بها
واجعلها شاملة لي ونصب رحمتك بنزع الخافض
اعلم ان بين نسخ الكافي والفقيه والتهذيب اختلافا يسيرا
في بعض الطائفة في التهذيب ونسخة التي عندي نسخة مصححة
بخط والدي عطاب ثراه وقد قرأتها على شيخنا الشهيد الثاني
قدس الله روحه وفي آخرها الاجازة بخط نور الله قبره

فصل فاذا فرغت من الوضوء فتوجه الى المسجد روى زيد

المحدثين

الفاظ هذا الدعاء
الذي اورده هنا على
ما اورده شيخ

المحدثين في الفقيه عن الصادق عليه السلام انه قال من
مشى الى المسجد لم يضع رجله على رطب ولا يابس الا تخشعت
له الارض الى الارض السابعة وينبغي ان تقول عند خروجك
من بيتك بسم الله الذي خلقني فهو يهدين والذي
هو يطعمني ويسقين واذا مرضت فهو يشفين والذي
يميتني ثم يحيين والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم
الدين رب هب لي حكما والحقني بالصالحين واجعل
لي لسان صدق في الاخرين واجعلني من ورثة جنة
النعيم واغفر لابي فانه كان من الضالين في كتاب
عدة الداعي عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال من توضأ
ثم خرج الى المسجد فقال الحمد لله هداني الله الى الصواب و
للايمان واذا قال والذي هو يطعمني ويسقين اطعمه الله
من طعام الجنة وسقاه من شرابها واذا قال واذا مرضت
فهو يشفين جعل الله ذلك كفارة لذنوبه واذا قال والذي

يميتني ثم يحييني اماته الله ميتة الشهداء واحياه حيوة
السعداء واذا قال والذي احلم ان يغفر لي خطيئتي يوم
الدين غفر الله له خطاياه كلها وان كانت اكثر من زبد
البحر واذا قال رب هب لي حكما والحقني بالصالحين وهب الله
له حكما وعلما والحقه بصالح من مضى وصالح من بقي واذا قال
واجعل لي لسان صدق في الاخرين كتب الله له في ورقة
بيضاء ان فلان بن فلان من الصادقين واذا قال واجعلني
من ورثة جنة النعيم اعطاه الله ما سأل في جنة النعيم
واذا قال واغفر لابي غفر الله لابويه واذا اردت الدخول
الى المسجد فتعاهد نعليك اولا وقدم رجلك اليمنى وقل
بسم الله وبالله ومن الله والى الله وخير الاسماء كلها
لله توكلت على الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل على
محمد وآل محمد وافتح لي ابواب رحمتك وتوبتك وغفرانك عني
ابواب معصيتك واجعلني من زوارك وعمار مساجدك و

نعلاك

من

من ملائكتك في الليل والنهار ومن الذين هم من خشيتك
خاشعون واذا خرج عنك الشيطان الرجيم وجنوده ابليس
اجمعين فاذا خلعت نعليك فاخلع اليسرى قبل اليمنى
بعكس لبسهما فان كانا عربيين ولم يمكن ان لا تنزعهما فلا
تنزعهما فان الصلوة فيهما مستحبة لكن بشرطهما وقد روى
شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن معوية بن عمار
قال رايت ابا عبد الله عليه السلام يصلي في نعليه غير مرة
ولم اره ينزعهما قط وروى عن عبد الرحمن بن ابي عبد الله
عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال اذا صليت فصل
في نعليك اذا كانت طاهرة فانه ايقال ذلك من السنة
وقوله عليه السلام فانه يقال الخ الظاهر انه اراد به
انك اذا صليت في نعليك عرفت السنة ان الصلوة فيهما
من السنة وقالوا بذلك لان هذا الراوي من اعيان اصحاب
الصادق عليه السلام الموثوق بما قوله فعلهم واقعالهم

وقوله

اذن فان اذان الصبح من المختصات حتى ان السيد المرتضى
رضي الله عنه قال بوجوبه على الرجال وافقه ابن
ابي عقيل وزاد عليه بطلان الصلوة بتركه عمدا وصورته الا
فان الله اكبر اربعا وكل من الشهادتين وحي على الصلوة
وحي على الفلاح وحي على خير العمل والله اكبر ولا اله
الا الله مرتين ولكن يحال الاذان فانما استقبلها رافعا
صوتك ستانيا واضعا اصبعيك في اذنيك واقفا على الفصول
الثمانية عشر غير ملتفت يمينا وشمالا ولا متكلما فانه
وصل على النبي صلى الله عليه وآله عند ذكره فقد روى رئيس
المحدثين في الفقيه بسند صحيح عن ابي جعفر عليه السلام
انه قال صل على النبي صلى الله عليه وآله كلما ذكرته او
ذكره ذاكر عندك في اذان وغيره ولا يخفى ان ظاهر هذا
الحديث يدل على وجوب الصلوات عليه صلى الله عليه
وآله على كل ذاكر وسامع كلما ذكره او سمع ذكره وذهب

بعض

بعض العامة الى وجوبها في العمر مرة وبعضهم الى وجوبها
في كل مجلس مرة وبعضهم الى وجوبها كلما ذكر وهو
مذهب رئيس المحدثين قدس الله روحه واما ما ذهب
اليه من عدم وجوب الصلوت على النبي صلى الله
وسلم عليه وآله في التشهد الاول في الصلوة فلا يريد
به عدم وجوبها من هذه الجهة بل من حيث كونها جزء
من الصلوة فلا تنافي بين كلاميه اعلى الله درجته وقد
وافقه صاحب كنز العرفان على الوجوب كلما ذكر وهو
الاصح ويدل على ذلك بقوله تعالى الا تجعلوا دعاء
الرسول بينكم كدعاء بعضكم لبعضا وبما روى عنه صلى الله
عليه وآله انه قال من ذكرت عنده فلم يصل علي فدخل النار
فابعده الله وبما روى انه صلى الله عليه وآله سئل عن قول الله
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا
صلوا عليه وسلموا تسليما فقال هذا من العلم المكنون

[illegible]

ولولا انكم سألتموني عنه ما اخبرتكم به ان الله وكل بي
ملكين فلا اذكر عند مسلم فيصلي علي الا قال له ذانك الملكان
غفر الله لك وقال الله وملائكته امين ولا اذكر عند مسلم
فلا يصلي علي الا قال له ذانك الملكان لا غفر الله لك وقال الله
وملائكته امين ولا يخفى ان ظاهر قوله الباقر عليه السلام
في الحديث الاول كلما ذكرته او ذكره ذاكر يقتضي وجوب
الصلوة عليه عند كل ذكر صلى الله عليه وآله باسمه او بلقبه او
بكنيته ويمكن ان يكون ذكره صلى الله عليه وآله بالضمير
الراجع اليه صلوات الله عليه وآله كذلك والاظهر
في امر علمائنا قدس الله ارواحهم في ذلك التبعي والاحتياط
يقتضي ما قلناه من العموم واعلم ان الاظهر تادية الفقرات في
قولنا اللهم صل على محمد وآل محمد واما ما روي انه لما نزلت
تلك الآية قيل يا رسول الله هذا السلام عليك قد عرفناه فكيف
الصلوة عليك فقال قولوا اللهم صل على محمد وآل محمد كما صليت

على ابراهيم

على ابراهيم وآل ابراهيم وبارك على محمد وآل محمد كما باركت على
ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد والظاهر ان المراد
به بيان افضل كيفيات الصلوة عليه صلى الله عليه وآله
وينبغي اذا تلت ذلك ان تلاحظ انه صلى الله عليه وآله
من جملة آل ابراهيم فالصلوة عليه خاصة اولا في ضمن
الصلوة على آل ابراهيم ويكون الغرض من التشبيه ان يخص ابراهيم وح
نبينا وآله صلوات الله عليهم بصلوة اخرى على حدة مماثلة
للصلوة التي خصتهم مع غيرهم لئلا يلزم خلو الفقرة
المقررة بين البلغاء من انه لا بد من كون المشبه به اقوى
من المشبه فان نبينا صلى الله عليه وآله افضل من ابراهيم
وبذلك لاحظ بعضهم الكلام على تلك القاعدة اذ لا يجب
ان الصلوة العامة للكل من حيث العموم اقوى من الخاصة
بالبعض وقد يوجه هذا التشبيه تارة بان الصلوة على
ابراهيم من حيث قدمه اقوى وهو كاف في التشبيه

واخرى بان الشبه انما هو الصلوة على الآل وبعدهم
ويضعف الاول بقوله صلى الله عليه وآله كنت نبيا وآدم
بين الماء والطين والثاني بانه خلاف المتبادر الى الافهام
كيف وسؤالهم انما هو عن كيفية الصلوة عليه صلى الله
عليه وآله وقد يوجه هذا التشبيه بتوجيهات اخر
ذكرنا بعضها في بحث التشهد من كتاب حبل المتين
ويح لا بأس ببيان ما لعله يحتاج الى البيان في هذا الفصل
فنقول لقد فسر الحكم في قوله تعالى في سورة الشعراء حكاية
عن دعاء ابراهيم على نبينا وعليه السلام رب هب لي
حكما بين الناس بالحق فانه من افضل الاعمال وفسر ايضا
بالكمال في العلم والعمل وعلى هذا يكون عطف العلم في الحديث
على الحكم من قبيل التجريد وارادة العمل الاخر فسر ايضا
الصدق في الاخرين بتغيرين الاول الصيت الحسن والذكر
الجميل بين من يتأخر عنه من الامم وقد استجيب دعائه

فان

فان كل من تأخر عنه من الامم يحبونه ويثنون عليه
والثاني ان مراده عليه السلام لجعل من ذريتي صادقا
يجدد معالم ديني ويدعو الناس الى مثل ما كنت ادعوهم
اليه وهو نبينا صلى الله عليه وآله وانت اذا قلت
ذلك حال دخولك الى المسجد فاقصد بها ذكر الجميل
بعد موتك او ان يرزقك الله ولدا صالحا يدعو الناس
الى اعمال الخير واما قوله على نبينا وعليه السلام واغفر لابي
انه كان من الضالين فقد قال اصحابنا ان المراد عمه وهو
آذر والا فيستحي ابا او الآباء الانبياء عندنا منزهون عن
وصمة الكفر ابائهم وامهاتهم ولعله عليه السلام لم يكن في ذلك
الوقت ممنوعا من الاستغفار للكفار وما تضمنه دعاء
الدخول الى المسجد قوله واجعلني من دعواتك اي
من القاصدين بذلك المتجين اليك بقوله وعما قريب
اشارة الى قوله تعالى في سورة برائة انا يعمر مساجد الله

من امن بالله واليوم الاخر واقام الصلوة واتى الزكوة
ولم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين
وقد فسرت عبارات الساجدة الاية بتفسيرين الاول انها
وكنسها وفرشها والاسراج فيها الثاني اكثار التردد اليها
شغلها بالعبادة واخلاؤها من الاعمال الدنيوية والقضاء
والاخر بالمهمات على وزن اعلم صيغة امر بمعنى البعد
والرجيم بمعنى المطرود وهو فعيل بمعنى مفعول واصله
من الرجم بالحجارة قد روى في تفسير الله اكبر ان المراد
انه اكبر من كل شئ او اكبر من ان يوصف وحي على
الصلوة بفتح الياء اسم فعل بمعنى اقبل والفلاح بمعنى الفوز
بالامنية والظفر بالمطلوب فمعنى حي على الفلاح اقبل على
ما يوجب الفوز والظفر بالسعادة العظمى في الاخرة
ومعنى حي على خير العمل اقبل على عمل هو افضل الاعمال وهي
الصلوة وقد روى ثقة الاسلام في الكافي بسند صحيح عن

معوية

معوية بن وهب قال سالت ابا عبد الله عليه السلام
عن افضل ما يتقرب به العباد الى ربهم واحب ذلك
الى الله عز وجل ما هو فقال ما اعلم شيئا بعد المعرفة
افضل من هذه الصلوة المحديث والمراد بالمعرفة
الاعتقادات التي يتحقق بها الايمان فالصلوة بعد
الايمان افضل من جميع الاعمال النفسية والبدنية وقد
انعقد الاجماع على ذلك وربما يشكل الجمع بين افضلية
الصلوة على بعض الاعمال كالحج والجهاد مثلا وبين قوله
النبي صلى الله عليه وآله افضل الاعمال احمزها اي اكثرها
مشقة فان هذه العبادات اشق من الصلوة وقد يقال
في دفع الاشكال ان معنى الحديث ان كل عمل يمكن وقوعه
على الخاصية فافضلها احمزها كالصوم فان وقوعه
في الصيف احمز منه في الشتاء او كالوضوء فانه بالعكس
كاخراج الزكوة والصدقة في ايام الغلاء وايام الرخص

كرة

والعالم صحيح

الى غير ذلك وبهذا يحصل الجمع ايضا بين هذا الحديث
وبين حديث نية المؤمن خير من عمله وقد قيل في الجمع
بينهما وجوه اخرى ذكرناها في شرح الحديث السابع
والثلاثين من كتاب الاربعين **فصل** فاذا فرغت من الاذان
فافصل بينه وبين الاقامة بسجدة او جلسة وقل اذا
ساجدا او جالسا اللهم اجعل قلبي نورا وفي بصري نورا
وفي سمعي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي نورا
وفوقي نورا وتحتي نورا وامامي نورا واجعل لي نورا
وعظم لي نورا ثم ادع بما شئت وسل
حاجتك فقد روي عن النبي صلى الله عليه وآله ان
الدعاء بين الاذان والاقامة لا يرد ثم تقوم الى الاقامة
وتقولها كلها مثنى الا قوله قد قامت الصلوة فانه مرة
وتزيد بعد التعديل قد قامت الصلوة مرتين وتاتي بالآداب
المذكورة في الاذان الا الثاني ووضع الاصبعين في الاذنين
ورفع الصوت فلا يكن فيها الخفض والطهارة والقيام فيها

اكد

الى حتى اوجبها المرتضى رضي الله عنه وتقول اذا
وقفت من الاقامة وانت مستقبل اللهم اليك
توجهت ومرضاتك طلبت وثوابك ابتغيت وبك
انت وعليك توكلت اللهم صل على محمد وآل محمد
وارفع قلبي لذكرك وتبتل على دينك ولا تنزغ قلبي
بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك
انت الوهاب وليكن قيامك في الصلوة بالوقار
والخشوع واضعا يديك على فخذيك بارزا ركبتيك مرجحا
بين قدميك بقدر شبر اصابع منفرجات الى شبر ناظرا
الى موضع سجودك غير رافع بصرك الى السماء فخطر
ببالك انها صلوة مودع ثم اقصد اداء صلوة الصبح الواجبة
لله لا لاجل الله تعالى او طاعة له وقربة اليه سبحانه وتاد
النية باحد التكبيرات السبع الافتتاحية مرفعا بكلا منهما
يديك مستقبلا بكفيك القبلة صائما اصابعك سوى

عت

لا عمل

للابهام من غير تجاوز بكفيك اذنيك مبتدئا بالتكبير
حال ابتداء الرفع منتهيا بانتهائه واعلم ان بعض
علمائنا المتأخرين الحقيق في امر النية وطولوا الدنيا
الكلام فيها وليس في احاديث ائمتنا سلام الله عليهم
شئ من ذلك بل المستفاد من تتبع ما ورد عنهم عليهم
السلام في بيان الوضوء والصلوة وسائر العبادات
التي علموها شيعتهم سهولة امر النية وانها غنية عن
البيان مركوزة في اذهان جميع العقلاء عند صدور
افعالهم الاختيارية عنهم ولذلك لم يتعرض قدماء
فقهائنا رضي الله عنهم البحث عنها واما خاض فيها
جماعة من المتأخرين وساقوا الكلام فيها على وجه
تركبها من اجزاء متكثرة واوجب ذلك شبهة على
اكثر الناس فاداهم ذلك الى الوقوع في الوسوسة والحيرة
النية في الحقيقة الا القصد البسيط الى ايقاع الفعل المعين

لعله

لعلة غايته واما التركيب في المنوي وهذا القصد
لا يكاد ينفك عنه عاقل عند كل فعل حتى قال
بعض علمائنا لو كلف الله تعالى بايقاع الفعل المعين من
دون النية لكان تكليفا بالا يطاق ولحضار المنوي
في الذهن بوجه مميز له من غيره وقصد الاتيان
به انشا لا امر الله سبحانه وتعالى في غاية السهولة
فان الظهر التي نحن مكلفون بادائها في هذا الوقت
مثلا متصورة بهذا الوصف العنواني الذي تمتاز به
عن جميع ما عداها من العبادات وغيرها وقصد
ايقاعها امتثالا لامر الله المعلوم الصعوبة فيه اصلا كما يشهد
به الوجدان الصحيح ومن وجده صعبا فسئل الله
ان يصلح وجدانه انه على كل شئ قدير وتاتي بين
التكبيرات السبع بالادعية الثلثة التي رواها ثقة
الاسلام في الكافي بطريق حسن عن الصادق عليه السلام

نوادر

بعد التكبيرة الثالثة اللهم أنت الملك الحق المبين
لا إله إلا أنت سبحانك إني ظلمت نفسي فاغفر لي
ذنبي إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت واهدني لمحاسن
الأخلاق لبيك وسعديك والخير في يديك والشر ليس إليك
والمهدي من هديت لا ملجأ منك إلا إليك سبحانك
وحنانيك وتباركت وتعاليت سبحانك رب
البيت وبعد السابعة سواء كانت تكبيرة الإحرام
أو لا وجهت وجهي الذي فطر السموات والأرض
عالم الغيب والشهادة حنيفا مسلما وما أنا من
المشركين إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله
رب العالمين لا شريك له وبذلك أمرت وأنا
من المسلمين وفي رواية أخرى هكذا وجهت وجهي
للذي فطر السموات والأرض على ملة إبراهيم ودين محمد
وسبيل علي حنيفا مسلما ومن دون إضافة عالم الغيب

والشهادة

والشهادة وقد اتفق علماؤنا على جواز مقارنة نية
الصلاة لكل واحدة من هذه التكبيرات فأنت مخير في
ذلك ولكل تكبيرة قارنت النية بها اجعلها تكبيرة
الإحرام وقد رجح شيخ الطائفة نور الله مرقده في
المصباح جعلها الأخيرة والذي يظهر من صحيحة
زرارة في افتتاح النبي صلى الله عليه وآله الصلاة
بالتكبير وتابعه الحسين عليه السلام له جعلها الأولى
كما ذكرته في المقالة الأنثى عشرية وبسطت الكلام
فيه في الحبل المتين وثم بالاستعاذة بعد فراغك من
الدعاء الثالث فقولا أعوذ بالله السميع العليم من
الشيطان الرجيم والاستعاذة عندنا مختصة بالركعة
الأولى لا غير وتحافت بها ثم اقرأ الحمد مرتلة واجهر بها
مراعيا للوقوف في مواضعه محضرا قبلك مستديرا بها
وتشك بعدها بقدر نصف ثم اقرأ سورة كذلك وكن

تأتي

سورة النبا او الغاشية او القيامة او الدهر او سبح اسم ربك الاعلى
في الاولى عليه السلام وتمسك كما رواه شيخ الطائفة في
التهذيب بسند صحيح عن ابي عبد الله عليه السلام وتمسك
بعدها كما سكت قبلها ثم ترفع يديك كرفعك في
الركوع وتقول الله اكبر ثم اركع واضعا يديك على ركبتيك
اليمنى قبل يسراك على اليسرى مالئا كفيك بركبتيك ملقما
لهما باطن اصابعك راداً اياها الى خلف مستوياً ظهرك
مادا عنقك مفوضا عينيك او ناظرا الى ما بين قدميك
تقول ما رواه ثقة الاسلام في الكافي بسند صحيح عن
الصادق عليه السلام اللهم لك ركعت ولك اسلمت
وبك امنت وعليك توكلت وانت ربي خشع لك
سمعي وبصري ومخي وعظمي وعصبي وما اقلته قدماي غير مستنكف ولا مستكبر ولا
متحسر ثم قل سبحان ربي العظيم وبحمده وليكن سبعا

او ثنا

او ثنا ثم استو وتقول سمع الله لمن حمده ثم كبر
واهو الى السجود بخضوع وخشوع مسلما للارض
بكفيك قبل ركبتيك وتجنح في سجودك بيديك
باسطا كفيك مضمومة الاصابع حيال منكبيك
وجهك غير واضع شيأ من جسدك على شيء منه
مكانا جبهتك من الارض وافضلها التربة الحسينية
على صاحبها افضل تحيات الصلوة والسلام جاعلا
انفك تاما من ساجد الك السبعة مرغما به ناظرا الى
طرفه ثم تقول ما رواه في الكافي ايضا بسند حسن عنه
عليه السلام اللهم لك سجدت وبك امنت و
لك اسلمت وعليك توكلت وانت ربي سجد
وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره تبارك الله
رب العالمين تبارك الله احسن الخالقين ثم قل
سبحان ربي الاعلى وبحمده وليكن سجاي الركوع ثم ارفع

راسك وتكبر وتجلس متوركا وتقول استغفر الله
ربي واتوب اليه ثم تقول ما رواه ثقة الاسلام
ايضا بذلك السند عنه عليه السلام اللهم اغفر لي
وارحمني واجبرني وارفع عني وعافني اني لما
انزلت الي من خير فقير بارك الله رب العالمين
ثم تكبر وتسجد السجدة الثانية كالاولى ثم ارفع
راسك وتجلس متوركا هنيئة وهو جلسة الاستراحة
والافضل فيها فقد اوجبها المرتضى رضي الله عنه مدعيا
قبل ثم قم على ذلك الاجماع رافعا ركبتيك معتمدا
عليهما قائلا بحول الله وقوته اقوم واقعد واركع
واسجد فاذا استويت قائما قرأ الحمد والسورة كما مر في
الاولى ولتكن سورة التوحيد ثم تمكث بقدر نفسك
تكبر القنوط وتقنت بكلمات الفرج رافعا كفيك تلقاء
وجهك مستقبلا ببطنهما السماء ضارعا اصابعهما ساعد

الابهامين

الابهامين وتقول لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله
الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع
ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب
العرش العظيم والحمد لله رب العالمين وهذه هي
كلمات الفرج على ما رواه ثقة الاسلام في الكافي عن
حسن عن الصادق عليه السلام وفي بعض كتب الدعاء
زيادة وما تحتهن بعد وما بينهن وفي بعضها رب ما
وما فوقهن بعد وما تحتهن وفي بعضها ورب
العرش العظيم ولم اظفر بهذه الزيادات فيما اطلعت
عليه من الروايات المعتبرة وتقول بعد كلمات
الفرج اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف
عنا في الدنيا والاخرة انك على كل شيء قدير
ثم تقول اللهم اليك شخصت الابصار ونقلت
الاقدام ومدت الايدي ورغبت الاعناق

دعيت بالأذن إليك سرهم ونجواهم في الأعمال بيننا
افتح بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفاتحين
اللهم إنا نشكو إليك غيبة إمامنا وقلة عددنا
وكثرة عدونا وتظاهر الأعداء علينا وفقد نبينا
الفتن بنا فرج ذلك اللهم بعدله نظهره وإمامنا
حتى نعرفه إله الحق آمين رب العالمين ثم تقول
اللهم من كان أصبح وله بقيم ورجاؤه غيرك وأنت
تقضي ورجائي يا أجود من سئل ويا أرحم من
استرحم ارحم مسكنتي وقلة حيلتي وآمن روعتي
بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني في نفسي و
في جميع أموري برحمتك يا أرحم الراحمين ومن أراد
التطويل في القنوت فليضف إلى ذلك ما شاء من
القنوتات التي تذكر في الباب السادس إن شاء الله
تعالى ثم ترفع يديك بالتكبير وتركع وتسجد السجدتين

كما

كما مر في الجلوس للتشهد مستوفزا كناظر إلى الحجر و
تقول بسم الله وبالله وخير الأسماء لله أشهد
أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن
محمدا عبده ورسوله أرسله بالحق بشيرا ونذيرا بين
يدي الساعة وأشهد أن ربي نعم الرب وأن محمدا
نعم الرسول اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل شفاعته
في أمته وارفع درجته ثم تحمد الله مرارا وتثني
والواجب منه الشهادتان والصلوة على النبي
وآله صلوات الله عليهم ثم تسلم وبه نقول في
السلام الصلوة فتقول السلام عليكم ورحمة الله وهو
بركاته قاصدا به الأنبياء والأئمة وليحفظ قلبه عما
يشغله عن ربه إلى يمينك واعلم أن جميع ما ذكرنا في هذا
الفصل من الأفعال والأقوال فهو مستحب الإمام هو
منه وبعض الأمر هو واجب ومنه ما هو

يحتاج الى البيان في هذا الفصل فنقول الاعلام بين
الاذان والاقامة وعيشنى قارًا له تفسيرات ثلاثة
الاول ان المراد بالعيش القرار ان يكون مستقرًا دائمًا
غير منقطع الثاني ان يكون واصلًا الى حال قرار في
البدن فلا احتاج في تحصيله الى السفر والانتقال من بلد
الى بلد الثالث ان المراد بالعيش القرار العيش في السرور
والابتهاج اى قرار العين ما خوذ من قرة العين والمراد
بالرزق الحلال الذي يجده شيئًا فشيئًا من غير تعب
اللين اذا زاد وكثر جريانه من الفرع والمستقر على
صيغة اسم المفعول المكان والمنزل والقرار المكث فيه
ونقل عن الشيخنا الشهيد رحمه الله ان المستقر في الدنيا
كما قال الله سبحانه وتعالى ولكم في الارض مستقر ومتاع الى
حين والقرار في الاخرة كما قال جل وعلى وان الاخرة هي
دار القرار واورد عليه انه لا يلائم قوله عند قبر ولدك

واجيب

واجيب بان المراد بالاخرة ليس ما بعد القيمة بل ما
قبله اعني ايام الموت والمراد ان يكون مسكنه في
الجنة ومدفنه بعد الممات في المدينة المقدسة على
ساكنها واله افضل الصلوة والسلام وليبيت ويدك
اى اقامة على ما عملت بعد اقامة وساعدة على التمثل
امرك بعد ساعدة والشريف الباك اى ليس منسوبًا
اليك ولا صادرا عنك والحنان بتخفيف النون الرحمة
وبتشديدها ذو الرحمة ومعنى بحنانيك انتهت
عما لا يليق بك تنزيهًا والحاصل انى اسئلك رحمة بعد
رحمة وتخفيف السائل عن الباطل الى الحق وهو وما
بعده حالان من الضمير في وجهت والنسك قد يفسر بمطلق
العبادة ويكون من قبيل عطف العام على الخاص وقد
يفسر باعمال الحج ومحياى ومماتى قد يفسر المحيا بالخيرات
التي تقع في حال الحياة بخلاف الممات بالخيرات التي تفعل

الى الغير بعد الموت كالوصية بشيء للفقراء وكالتدبير
وسائر ما ينتفع به الناس بعدك وفي دعاء الركوع
وسالته قدماي بتشديد اللام اي ساحلته قدماي
فهو من قبيل عطف العام على الخاص والاستكانة معنا
بالفارسية شكستكي والاستكبار طلب الكبر من غير
استحقاق والاستعداد بالجاء والسين المهملتين التعب
والمراد انى لا اجد من الركوع تعبا ولا كلالا لا المشقة
بل اجد لذة وراحة ومعنى سبحان ربي العظيم وبحمده
انزه ربي العظيم عما لا يليق بعز شانه تنزيها واما تلبس
بحمده على ما وفقني له من تنزيهه وعبادته كان للصلوة
لما استدل التنزيه الا نفسه خاف ان يكون في هذه
الاستدلال نوع بخل بانه مصدر لهذا الفعل العظيم فقال
ذلك بقوله وانما تلبس بحمده على ان سيرفي اهله لتنبيه
وقبله لعبادته فسبحان مصدر كغفران فمعناه التنزيه

ونصبه على انه مفعول مطلق وعامله محذوف وجوبا
والواو في وبحمده واو الحال وبعض النحاة يجعلها
عاطفة وهو من قبيل عطف الجملة الاسمية على
الفعلية وسمع في سمع الله لمن حمده انما عدي باللام
مع انه متعد بنفسه لتضمنه معنى الاجابة اي
الشكر او الاصغاء ولو مجازا وينبغي ان يقصد
به الدعاء لا مجرد الثناء وكما اشرنا اليه في الحيل الماتين
وتخمص بالفتح فهو شاخص اذا فتح عينيه وصار لا يطرف
بجفنه وشخوص الابصار اي استمرار انفتاحها من
غير انطباق كما يفعله السائل المسكين المترجي الاحسان
من كريم عند عرض حاجته عليه واظهار فاقته اليه

فصل فاذا فرغت من الصلوة فاشرح في التعقيب فقد
ورد في تفسير قوله تعالى فاذا فرغت فانصب والى ربك
فارغب اي اذا فرغت من الصلوة المكتوبة فانصب

الى

في ل

الى ربك في الدعاء وارغب اليه في المسئلة يعطك
وروى شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن الصادق
عليه السلام انه قال التعقيب ابلغ في طلب الرزق
من الضرب في البلاد يعني بالتعقيب الدعاء بعد الصلوة
وروى ايضا فيه بسند صحيح عن احدهما عليهما السلام انه
قال الدعاء دبر المكتوبة افضل من الدعاء دبر التطوع
كفضل المكتوبة على التطوع وروى ثقة الاسلام في
الكافي بسند صحيح حسن عن الباقر عليه السلام انه قال
الدعاء بعد الفريضة افضل من الصلوة تنفلا والروايات
في هذا الباب عنهم عليهم السلام كثيرة جدا وافضل التعقيبات
تسبيح الزهراء عليها السلام روى شيخ الطائفة في التهذيب
بسند صحيح عن الصادق عليه السلام انه قال من سبح تسبيح فاطمة
الزهراء عليها السلام قبل ان يثني رجليه من صلوة الفريضة
غفر له ويبدأ بالتكبير وقد روى ايضا عنه عليه السلام انه

قال

قال اذا مر صبيانا بتسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام كما امرهم
بالصلوة اذا لزمته فانه لم يلزمه عبد فشقي وعنه عليه
السلام انه قال تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام في كل يوم دبر
كل صلوة احب الي من صلوة الف ركعة في كل يوم وعن
الباقر عليه السلام انه قال ما من عبد عبد الله بشيء
من التحميد افضل من تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام ولو
كان شيء افضل منه لنحله رسول الله صلى الله عليه
وآله فاطمة عليها السلام والروايات في فضيلة تسبيح فاطمة
الزهراء عليها السلام غير محصورة وليكن جلوسك في
التعقيب متصلا بجلوسك في التسبيح وعلى تلك الهيئة
من الاقبال والتوجه والتذلل في اثنائه الكلام
ونحوها فقد روي ان ما يضر بالصلوة يضر بالتعقيب فاذا
صليت فكبر التكبيرات الثلث رافعا بها كفيك حيال
وجهك مستقبلا ببطنهما وجهك وبطنهما القبلة ويكون

من التحميد

التكبيرات الى التعقيب ثم تقول لا اله الا الله الها واحدا
ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا اياه
مخلصين له الدين ولو كره المشركون لا اله الا الله
ربنا وربّ آبائنا الاولين لا اله الا الله وحده
وحده وانجز وعده ونصر عبده واعز جنده و
هزم الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد يحيي و
يميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل
شيء قدير استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
واتوب اليه اللهم اهدني من عندك وافض علي
من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من
بركاتك سبحانك لا اله الا انت اغفر لي ذنوبي
كلها جميعا فانه لا يغفر الذنوب كلها جميعا
الا انت اللهم اني اسئلك من كل خير احاط به
علمك واعوذ بك من كل شر احاط به علمك

اللهم

اللهم اني اسئلك عافيتك في اموري كلها واعوذ
بك من خزي الدنيا وعذاب الاخرة واعوذ بك
بوجهك الكريم وعزتك التي لا ترام وقدرتك التي
لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والاخرة
ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم توكلت على الحي الذي
لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم
يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من
الذل وكبره تكبيرا ثم تسبح فاطمة الزهراء
عليها السلام ثم تقول عشر مرات وهي مما يختص به
الصبح لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك
وله الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير وعشر مرات وهي مما يختص
به ايضا سبحان الله العلي العظيم وبحمده ولا حول

وما شاء الله
كان ولا حول
ولا قوة الا
بالله العلي العظيم

ولا قوة الا بالله العلي العظيم ومائة مرة استغفر الله
ربي واتوب اليه ومائة مرة استجير بالله من
النار واسأله الجنة ومائة مرة ما شاء الله
كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ومائة
مرة اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم
وعشر مرات اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له الها واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ
صاحبة ولا ولدا ومائتين مرة سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اكبر وينبغي ان
تعد الاذكار والتسبيحات بسبحة من التربة
الحسينية
على صاحبها السلام وقد روى شيخ الطائفة في
التهذيب بسند صحيح عن صاحب الامر عليه السلام
انها افضل تسبيح يسبح به وان التسبيح بنيف
ويذكر الحاجة
يكتب له ذلك التسبيح ثم تقول وهو مما يخص بالعقيب

الصبح

الصبح يا مقلب القلوب والابصار صل على محمد
واله وثبت قلبي على دينك وحد بين يديك صلى الله
عليه واله ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني
هب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب اللهم
اني اعوذ بك من زوال نعمتك وتحول عافيتك
ومن فجاءة نقمتك ومن درك الشقاء ومن
شر ما سبق في الكتاب اللهم اني اسألك بعزة
ملكك وعظم سلطانك وبنفاذ قوتك على
جميع خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل
بي كذا وكذا ثم تقول اسعد نفسي اهلي ومالي و
ولدي واخواني وما رزقني ربي وجميع من
يعنيني امره بالله الواحد الاحد الصمد الذي
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و
يترك العمل من شرها حتى الى آخر السورة ويترك
و

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم ربهم انى لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم واوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنات تجري من تحتها الانهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب لا يغرنك تقلب الذين كفروا في البلاد متاع قليل ثم مأواهم جهنم وبئس المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير للابرار وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم وما انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون

الشاهد ملك الناس الى آخر السورة ثم امر انبيه ان يقول قل اللهم مالك الملك الى آخر الآيات وآية الكرسي الى آخرها خالدون وآية شهد الله الى آية الملك وآية الصمد وهي ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين ولو ان البحر مداد الكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه

احدا ومن والصافات بسم الله الرحمن الرحيم والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملإ الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب وتلك آيات من آخرها سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين تلك آيات من سورة الرحمن يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبأي آلاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ

من نار ونحاس فلا تنتصران واقرأ آيات من آخر
سورة الحشر لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي
لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات
والأرض وهو العزيز الحكيم ثم تقرأ سورة
الإخلاص اثنى عشر مرة ثم تقول وأنت بأطهر يا
اللهم إني أسألك باسمك العظيم وسلطانك القديم
يا واهب العطايا يا مطلق الأسارى يا فكاك الرقاب
من النار أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعتق

رقبتي

وتدخلني الجنة برحمتك يا أرحم الراحمين وأن تجعل دعائي
أوله فلاحا وأوسطه نجاحا وآخره
صلاحا إنك أنت علام الغيوب ثم تقول
وهو ما يختص بعقب الصبح اللهم إني أصبحت
أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد ملائكتك
وحملة عرشك وسكان سمواتك وأرضك
وأنبياءك ورسلك والصالحين من عبادك
وجميع خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا
إني أشهد أنك أنت الله وحدك لا شريك
لك وأن محمدا صلى الله عليه وآله عبدك
ورسولك وأن كل معبود من دونك باطل
إلى قوله أرضك السابعة السفلى الباطل فيخرج
ما عدا وجهك الكريم فإنه أعز وأكرم وأطل

وأعظم من أن يصفه الواصفون لكنه جل جلاله
أو تدركه القلوب لكنه عظيم يا من قلت
مدح المادحين فحر مدحه وعدا وصف
الواصفون ما يزيده وجل عن مقالة الناطقين
تعظيم شأنه صل على محمد وآل محمد وافعل
بنا ما أنت أهله يا أهل التقوى وأهل المغفرة
ثم قول سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما
يحب الله أن يسبح وكما هو أهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله
شيء وكما يحب الله أن يحمد وكما هو أهله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا إله إلا الله والله
كلما هلل الله شيء وكما يحب الله أن يهلل وكما
هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله
الله أكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله أن

يكبر

يكبر وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه و
عز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله
والله أكبر على كل نعمة أنعم الله بها علي وعلى كل
أحد من خلقه من كان أو يكون إلى يوم القيامة
اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك
خير ما أرجوك وخير ما الأرجو وأعوذ بك من
شر ما أحذر ومن شر ما لا أحذر ثم تقول وهو
مما يدعى به في السراء بسم الله خير الأسماء بسم الله
رب الأرض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
سقم ولا داء بسم الله استحت وعلى الله توكلت
بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي
بسم الله على أهلي ومالي بسم الله على ما أعطاني ربي
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا
في السماء وهو السميع العليم الله الله ربي لا

لا اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اكبر الله
اعز واجل مما اخاف واحذر عز جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك
اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل
سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد و
من شر كل جبار عنيد ومن شر كل ضعيف و
قوي ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها
انك على صراط مستقيم وانت على كل شيء حفيظ
ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و
هو رب العرش العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و
صلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين ثم
تقول وهو مما يختص بتعقيب الصبح بسم الله وصلى الله

على

على محمد وآله وافوض امري الى الله ان الله بصير
بالعباد توفه الله سيئات ما مكروا لا اله الا انت
الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله
وفضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب من
المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي الرازق
من المرزوقين حسبي الذي لم يزل حسبي حسبي من
كان منذ كنت حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم ثم تقول اللهم
اصبح ظلي سجيرا بفنائك واصبحت ذنوبي سجيرة
بمغفرتك واصبح خوفي سجيرا بامانك واصبح

حسبي الله ونعم الوكيل حسبي من
العالمين حسبي
هو حسبي

فقري مستجيرا بغناك وأصبح ذلي مستجيرا بعزك وأ
أصبح خوفي مستجيرا بقوتك وحزني ألفاني مستجيرا
برحمتك الباقي يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا
بعد كل شيء يا مكون كل شيء صل على محمد

واصبح

وأصل إلى من أمرني
فرجاؤه محمد وآل محمد وارزقني
من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب
سبع مرات وانت قابض
لحيتك بيدك اليمنى باسط
يدك اليسرى الى السماء يا رب
محمد وآل محمد صل على
محمد وآل محمد وعجل
فرج محمد وآل محمد
يا رب
محمد وآل محمد صل
على محمد وآل محمد

عبدك المستجير بعفوك من عقوبتك وبرحمتك من نقمتك
وبك منك فرجا قريبا ومخرجا واروني من حيث احتسب
ومن حيث لا احتسب ثم تقول سبع مرات وانت قابض
لحيتك بيدك اليمنى باسط يدك اليسرى الى
السماء يا رب محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد
عجل فرجهم وعجل فرجي وسبع مرات يا رب محمد وآل

محمد

محمد صل على محمد وآل محمد اللهم اغنني بحلالك
عن حرامك وبفضلك عمن سواك ثم تقول ومن ما
يدعى به والماء ايضا اصبحت اللهم معتصما بذمامك
المنيع الذي لا يحاول ولا يطاول ومن شر كل عاص
وطارق من سائر ما خلقت من خلقك الصامت
والناطق في جنح ليل او بياض نهار
والاه اهل بيت نبيك محمد صلواتك عليه وعليهم
محتجبا من كل قاصد لي باذيته مجدا بحسن
الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم
موقنا بان الحق معهم وفيهم واليهم من والوا
والحاب من جانبوا فصل على محمد وآل محمد واعدني
اللهم بهم من شر ما اتيب يا عظيم محوت الاعادي
عني ببديع السموات والارض وجعلت من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاعشيتهم

لا يبصرون ثم تقول وهو اسم من اسماء الله الحمد
لله الذي اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته
خلقا جديدا ونحن في عافية من بدنه ووجوده و
كرمه مرحبا بالحافظين والملك الى يميني ناول
وحياكما الله من كاتبين والملك الى شمالي ناول
اشهد رحمكما الله بسم الله الرحمن الرحيم اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا
عبده ورسوله واشهد ان الساعة آتية لا ريب
فيها وان الله يبعث من في القبور على ذلك احيا
وعليه اموت وعليه ابعث انشاء الله تعالى اقرأ
محمد صلى الله عليه وآله مني السلام ثم تقول اللهم
صل على محمد وآل محمد في النهار اذا تجلى وصل على محمد
وآل محمد في الليل اذا يغشى وصل على محمد وآل محمد في
الآخرة والاولى وصل على محمد وآل محمد ما ذكرك الذاكرون

وصل

وصل على محمد وآل محمد ما اختلف الليل والنهار وصل على محمد
وآل محمد ما حدى الحادي بان وصل على محمد وآل محمد ما
عسعس ليل وما اذكرهم حلام وما تنفس صبح وما
اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خير حبيب وفد الموفدين
اليك والمكرمين على الرحمن اذا وقف بين يديك
والناطقين اذا خرست الالسن بالثناء عليك اللهم
اعل منزلته وارفع درجته واظهر حجته وتقبل
شفاعته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته
واغفر له ما احدث الحدثون من امته والحقه
بعده اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم
مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم
واسئلك الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعل لي وصلة عندك
بركة تطهر بها قلبي وتزين بها روحي وتكشف

يها كربي وتفرج بها ذنبي وتقضي بها امري وتعفي بها
تفرجي وتذهب بها ضرري وتفرج بها غمي وتسلي بها
عجزي وتشفي بها سقمي وتقوي بها ضعفي وتعصمني بها
حرزي وتقضي بها ديني وتجمع بها شملي وتبلغني بها
وجهي واجعل ما عندك خيرا لي ثم تقول اللهم اني
اسألك بحق هذه الدعوات لا يعرجه غيرك وبرحمة لا تسأل الا بها
بحاجة لا يقضيها الا انت يا كريم اللهم كما كان من
شانك ما ارد نجيه من ذكرك والمعنيه من شكرك
ودعائك فليكن من شانك الاجابة لي فيما دعوتك
والنجاة فيما فرحت اليك منه وان لم اكن اهلا ان
ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني وتسعني
لانها وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك يا
مولاي ثم تقول وانت تبكي او تباكى اللهم اني اسألك بحق
كونها قد غربت وحبي عندك وحجبني عن اسبابها

رحمتك يا عدتي عن اختيار مغفرتك لكل لا تعلقني
بالايك وتسكني بالرجاء لها وعدت امثالي من المذنبين
واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين
اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم ورحمتك
الغايثين من رحمتك نفلت ومن يقنط من رحمته
الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك الى دعائك فقلت
ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي
سيدخلون جهنم داخرين اللهي لقد كان ذل الايأس
على مستعملي القنوط من رحمتك بي ملخصا الهي قد
وعدت المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه
عقابا اللهم وقد اسلفت ذنبي حسن الظن بك
عين رجائي من المثابة وتعمدني بالاقالة عثرتي
وقلت وقولك الحق الذي لا خلف فيه ولا تبديل

ندعو كل أناس بإمامهم اللهم إني أقر وأشهد
وأعترف ولا أجحد وأسر وأظهر وأعلن وأبطن
بأنك أنت الذي لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك
وأن محمدا عبدك ورسولك وأن عليا أمير المؤمنين
وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقائد الغر المحجلين
وإمام المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين و
المارقين إمامي وحجتي ووصي أبي ودليلي ومحقق ومن
لا أثق بالأعمال وإن زكت إلا أداها منجيه وإن مصلحة
الأيمان به والاهتمام به والإقرار بفضائله والقبول
من حملتها والتسليم لرواتها اللهم وأقر بأوفر
ما يقر به من أبنائه أئمة وحجاجا ودلة وسراجا
أعلاما ومنارا وسادة أبرارا وأدين بسرهم
وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم
وشاهدهم وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب

ولا أعول عنه ولا انقلاب اللهم فاد عني يوم حشري
وحين نشري بإمامهم واحشرني في زمرتهم وأكنفني
في أفيائهم وألقدني بهم يا مولاي من حر النيران إليك
فإنك إن أعفيتني منها كنت من الفائزين اللهم
وما أشبهت في يومي هذا الأئمة لي ولا مفزع ولا
ملجأ غيرهم ممن توسلت بهم إليك من آل رسولك
صلواتك عليه وآله علي وفاطمة والحسن والحسين
وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي
والحسن ومحمد صلواتك عليهم أجمعين اللهم
فاجعلهم حصني من الأكارة ومعقلي من المحاذير
ونجني بهم من كل عدو طاغ وفاسق باغ ومن
شر ما أعرف وما أنكر وما استتر علي وما
أبصر ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها إن
ربي على صراط مستقيم اللهم إليك توجهت بهم

وتقرّ في بحبوحتهم افتح على ابواب رحمتك ومغفرتك
وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير
اللهم ولكل متوسل نوال ولكل ذي شفاعة حق
فاسئلك بمن جعلتهم اليك سببي وقد سئم امالي
طلبتي ان تغرقني بركة يومي هذا اللهم فهم
معوّلي في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي
ورجائي يغطي وطمعي وافاقي وعسري ويسري
وصباحي ومساي ومنقلبي ومثواي اللهم ولا
تخيبهم من نعمتك ولا تحتبني بهم من نائلك
ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تفتني بإغلاق
ابواب الامر ارتاد وانسداد مسالكها وادبر لي
مدابرها وافتح لي يا الهي من لدنك تقاديرها
واجعل لي من كل ضيق مخرجا ولكل سعة
منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل

الليل والنهار مختلفين على برحمتك ومعافاتك
وسترك وتفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك
برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير
وبكل شيء محيط اللهم اني اسئلك يا مقدر
الهادئ ويا ملجأ العائذين ويا مريح المستريحين
ويا غياث المستغيثين ويا منتهى غاية الآملين
ويا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا الله
يا رباه يا عزيز يا حكيم يا غفور يا رحيم يا قاهر
يا عليم يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قهار
يا جبار يا رحمن يا منان يا سبوح يا قدوس يا
مبدئ يا معيد يا باعث يا وارث يا فاتح يا
يا كاشف الغم يا منزل الحق يا قابل التوبة يا
ذا الجلال والاكرام يا معروفا بالاجابة
يا موصوفا بالاحسان يا قصرت عن وصفه الألسن

الواصفين وانقطعت عنه افكار المتفكرين يا شاهد
النجوى يا كاشف الغم والبلوى يا رازق المولود يا نعم الفتى
والمولى يا منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا
تنعته صغير عن كبير ولا يحقر عن حقير
يا من بدأ بالنعمة قبل استحقاقها وبالفضل قبل
استيجابها يا احق من عبد وحمد ورجي و
اعتمد اسئلك بكل اسم مقدس مطهر مكنون
اختزنته لنفسك وكل ثناء عال رفيع كريم
رضيت به مدحة لك وبحق كل ملك قربته من ساحتك
ملك قربت منزلته عندك وبحق كل نبي ارسلته
الى عبادك وبحق كل شيء جعلته مصدقا
لرسالك وكل كتب فصلته واحكمته وشرعته
وكل دعاء سمحته فاجبته وعجل رغبته و
اسئلك بكل من علمت حقه واعليت قدره

ممن اسمعتنا ذكره وعرفتنا امره ومن لم تعرفنا
مقامه ولم تطلعنا على شأنه ممن خلقته من
اول ما ابتدأت به من خلقك ومن تخلقه الى
انقضاء الدهر واسئلك بنور وجهك الذي فطرت
عليه العقول واخذت به المواثيق وارتسلت
به الرسل وجعلته اول فرض وانها بك
واتوجه اليك بجودك ومجدك وكرمك و
عزك وجلالك وعفوك وامنياتك وتطولك
واسئلك يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا
رباه وارغب اليك دعاءك عاما وأولا واخرا
بحبيبك ورسولك محمد سيد المرسلين وشرف
الاولين والاخرين وبالرسالة التي اديتها و
بالعبادة التي اجتهد فيها والمحنة التي صبر عليها
والمغفرة التي دعا اليها والديانة التي حض عليها

منذ وقفت رسالتك إياه إلى أن توفيته وما بين
ذلك من أفعاله الحكيمة وأفعاله الكريمة وفقاته
المنهودة وساعاته المعدودة أن تصلي عليه و
على محمد وآل محمد كما وعدته من نفسك وتعطيه
أفضل ما أمرت من نوالك وتزلفه لديك منزلته
وتعلي عندك درجته ومنعته المقام المحمود
وتورده حوض الكرم والجود وعلى آله الطيبين
الأطهار المنتجبين الأبرار وعلى عمه جبرئيل
وميكائيل والملائكة المقربين وعلى جميع الأنبياء
والمرسلين والشهداء والصالحين اللهم إني أصبحت
لا أملك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة
ولا نشورا
قد انقطعت وسائلي وذهبت مسائلي وذل لي
وأسلمتني أهلي وولدي اللهم وقد كدى الطلب
أعيب الحيل إلا عندك وانقطعت الطرق وضاقت

المذهب

الذاهب إليك ودرست الآمال وانقطع
الرجاء إلا منك وكذب الظن وأخلفت العداة
إلا عدتك اللهم إن مثلي لا يضل عن بابك
وأبواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة
لمن استعانك بك مباحة والاستغاثة لمن استغاث
بك موجودة وأنت لدعائك بموضع إجابة وإن
للضارع إليك وفي الاغاثة والمقاصد إليك أن
المسافة وأنت لا تحتجب عن خليقتك إلا أن تحجبهم
الأعمال السيئة وقد علمت أن أفضل زاد المراحل
إليك عزم إرادة وإخلاص نية وقد عزمت
بعزم إرادتي وإخلاص طوية بحق رضاك وشوقا إلى
دار سكنك بإذنك أسيرك فقيرك سائلك بحبوحة
فنائك قارع باب رجائك وأنت أولى من قصد ورجي
بك وأجود من رغب إليه المنقطع إليك سربي أنك مكنوف

وأنا إليك ملهوف إذا أوحشني الغربة إليك
ذكرك وإذا أنست على الأمور استعرت بك
إذا الله حكمت على الشدائد أملك وأين يذهب
بي إذا دارت عنك وأزمة الأمور كلها بيدك
صادر عن قضائك مذعنة بالخضوع لقدرتك
فقيرة إلى عفوك ذات فاقة إلى رحمتك رقد
سنح الفقر وما لي الضر وتملكني إعظام المصاعة
وعرتني الخاجة وتوسمت بالذلة وعلتني
المسكنة وحفت على الكلمة وأحاطت بي
الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت أولياءك
فيه الإجابة فأنخ ما بي بفنائك الشافية
وانظر إلي بعينك الراحمة وأدخلني في رحمتك
الواسعة وأقبل عباءة جهلك ذي الجلال والإكرام
فإنك إذا أقبلت على شيء رحمته وعلى ضالة

هدايته

هدايته وعلى جاني أويته وعلى ضعيف
قويته وعلى خائف أمنته اللهم إنك أقمت
علي فلم أشكرك وابتليتني فلم أصبر فلم يوجب
عجزي عن شكرك منع المواصلة من فضلك
وأوجب عجزي عن الصبر على بلائك كشف
ضرك وإنزالك رحمتك فيما من قل عند بلائه
صبري فعافاني وعند نعمائه شكري فأعطاني
أسألك المزيد من فضلك والإنزاع لشكرك
والاعتداد بنعمائك في أعم العافية وأسبغ
النعمة أنك على كل شيء قدير اللهم لا تخلني
من يدك ولا تنزعني لقلة اعتدادي ولا لعدوى
ولا توحشني من لطائف منك أنحسه وكرائم
تجيلة هذا مقام العائذ بك الملاذ بعفوك
الفقير بعز جلالك قل لي أعلم قدرك

آثاره

مواها

فارزقني رحمتك اللهم توليني ولاية تغنيني بها
عن سواك واعطني عطية لا احتاج الى غيرك
سعها فانها ليست ببديع من ولايتك ولا منكر
من عطيتك ادفع الضرعة وانفي السقطة
وتجاوز عن الخاطئة واقبل التوبة وارحم الهفوة
وارخ من العزيمة واقل العثرة يا منتهى الرغبة
ومنيات الكثيبة ويا ولي النعمة وصاحبي في الكربة
ورحم الدنيا والاخرة خذ بيدي من مضلات الفتن
فقد كبوت وثنني على الصراط المستقيم ولا عوجت
يا هادي الطريق يا فارج الضيق يا الهي يا محقق
يا حامي اللصوق يا ولي الوعي احلل عقي المضيق
اكفني شرها اطيق شرها لا اطيق يا اهل التقوى
واهل المغفرة والعزة والقدرة والالاء والعظمة
يا ارحم الراحمين واكرم الناظرين ورب العالمين

لا تقطع

لا تقطع منك رجائي ولا تخيب دعائي ولا
تجهد بلائي ولا تشمت قضائي ولا تجعل النار
مثواي واجعل الجنة منواي واعطني من
الدنيا مناي وبلغني من الاخرة املي رجائي
واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة ورضا
عذاب النار انك على كل شيء قدير وبكل شيء
محيط ثم تدعو بهذا الدعاء الصباح لسيد العابدين عليه
السلام وهو من ادعية الصحيفة بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته
وميز بينهما بقدرته وجعل لكل واحد منهما
حدا محدودا وامدا ممدودا يولج كل واحد منهما
في صاحبه ويولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به و
ينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من

حركات التعب ونضحات النصب وجعله لهم
لباسا ليلبسوا من راحته وسناه فيكون ذلك
لهم جماما وقوة ولينالوا به لذة وشهوة وحمل
لهم النهار مبصرا ليبتغوا فيه من فضله و
ليتسببوا الى رزقه وينشرحوا في ابتغائه لهما
لما فيه نيل العاجل من دنياهم ودرك الآجل
في اخراهم بكل ذلك يصلح شأنهم ويبلو اخبارهم
وينظر كيفهم في اوقات طاعته ومنازل فروضه
ومواقع احكامه ليجزي الذين اساؤوا بما
عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى اللهم لك
الحمد على ما فلقت لنا من الاصباح ومنحتنا به من
ضوء النهار وبصرتنا به من مطالب الاقوات و
وفيتنا فيه من طوارق الآفات اصبحنا واصبح
اسبابنا واصبحت الاشياء كلها بجملتها لك

سماواتها

سماواتها وارضها وما بثثت في كل واحد منهما
ساكنه ومتحركه ومقيمه وشاخصه وما علا
في الهواء وما كن تحت الثرى اصبحنا في قبضتك
يجرينا ملكك وسلطانك وتضمنا مشيتك
وتتصرف عن امرك وتتقلب في تدبيرك ليس
لنا من الامر الا ما قضيت ولا من الخير الا ما اعطيت
اللهم وهذا يوم حادث جديد وهو علينا
شاهد عتيد ان احسنا ودعنا بحمد وان
اسأنا فارقنا بذم اللهم صل على محمد وآله و
ازرقنا حسن مصاحبه واعصمنا من سوء مفارقته
من تكلم جزرة او افتراء صغيرة او كبيرة و
لتجزل لنا فيه من الحسنات واحطنا فيه من السيئات
واتحفنا بين طرفيه حمدا وشكرا واجرا وذكرا
وفضلا ونوالا اللهم يسره على اكرم الكاتبين

مؤنتنا وامله لنا من حسناتنا صحايفنا ولا تخزنا
عندهم بسوء اعمالنا اللهم اجعل لنا في كل ساعة
من ساعاته حظا من عبادتك ونصيبا من شكرك
وشاهد صدق من ملائكتك اللهم صل على
محمد وآله واحفظنا فيه من بين ايدينا ومن خلفنا
وعن ايماننا وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا
حفظا عاصما من معصيتك هاديا الى طاعتك
ومستعملا لمحبتك اللهم صل على محمد وآله
ووفقنا في يومنا هذا وليلتنا هذه وفي جميع
ايامنا لاستعمال الخير وهجران الشر وشكر
النعم واتباع السنن ومجانبة البدع والامر
بالعرف والنهي عن المنكر ومجاهدة المبطلين
بالحق ومقارعة الضلال ونصرة الحق واعزاز
اوضاح الهدى ومعاونة الضعيف وادراك اللهيف

اللهم

اللهم صل على محمد وآله واجعل له اليوم عند هذا
واكرم صاحب وحبه وخير وقت نزلنا
به اجعلنا من ارضى من مر عليه الليل والنهار
من جملة خلقك اسكرهم لما اوليت من نعمك
واقومهم بما شرعت من شرايعك واوقفهم
عما حذرت من نهيك اللهم اني اشهدك وكفى
بك شهيدا واشهد سماءك وارضك ومن اسكنتهما
من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا ورساعتي
هذه وليلتي هذه ومستقري هذا اني اشهد انك
انت الله الذي لا اله الا انت قائم بالقسط عدل في
الحكم رؤوف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق
وان محمدا عبدك ورسولك وخيرتك من خلقك
حملته رسالتك فادى امانتك بالنصح لامتك
فنحطها اللهم صل على محمد وآله افضل ما صليت

أنالته نبيه — عنا — أنالت لنبيه

على احد من خلقك وآته افضل ما اتيت احدا من عبادك واجزه عنا افضل
واكرم ما جزيت احدا من انبيائك عن امته
انك انت المنان بالجسيم العاقر العظيم و
انت ارحم من كل رحيم فصل الله على سيدنا
ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين الاخيار الانجبين
واعلم ان الادعية والاذكار الواردة عن اصحاب العصمة
سلام الله عليهم في التعقيبات وسيما تعقيب صلوة الصبح
كثيرة جدا وانما اقتصرنا على هذا القدر رعاية لاختصار
والله ولي الاعانة والتوفيق ثم اعلم ان ما ذكرناه من
التعقيب مأخوذ من روايات عديدة وليس مجتمعا في
رواية واحدة فلك ان تقتصر على البعض اذا لم يتسع وقتك
للكل واذا وجدت من نفسك كلالا فاقطعه والكلها
اكماله من دون ميلها اليه وانبالها عليه فان التوجه

والاقبال روح العبادة والدعاء ويستحب جلوسك في
مصلاك بعد فراغك من صلوة الصبح الى ان تطلع
الشمس وان لم تكن مشتغلا بالتعقيب فقد روي عن
امير المؤمنين عليه السلام انه قال من صلى في جماعة في
مصلاه الى طلوع الشمس كان له ستر من النار ويستحب
قراءة سورة يس بعد التعقيب فان قارئها في الصبح
لا يزال محفوظا مرزوقا حتى يمسي وتستحب الدائعة
لانها تدفع عن قارئها كل ثبور والقاضية لانها تقضي
له كل حاجة صح ولنبين ما اهمله يحتاج الى البيان
في هذا الفصل كما هو عادتنا في هذا الكتاب ونحن
له مسلمون اي مذعنون لحكمه منقادون لامره
مخلصون في عبادته كما قاله المفسرون في قوله تعالى
لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون وليس
المراد بالاسلام هنا معناه المتعارف لانعقاد الا

اياه مخلصين له الدين اى عبادتنا منحصرة فيه سبحانه
حال كوننا غير خائفين مع عبادته عبادة غيره و
المراد انا لا نعبد غيره لا على الانفراد ولا على الاشتراك
القيوم الذى به قيام كل موجود او القيم على كل شئ
بمراعات حاله وتبليغه درجة كماله اهدنا من
عندك يمكن ان يراد بالهداية ههنا الدلالة الموصولة الى
المطلوب وان يراد بها الدلالة على ما يوصل الى المطلوب
وهو الفوز بالجنة او محو آثار العلائق الجسمانية و
رفع استار انوار العوائق الحيوانية وقصر العقل والحس
على مطالعة اسرار الجلال وملاحظة انوار الجمال و
قدرتك التى لا يمتنع منها شئ فيه اشارة الى عدم الفرق
الثابتة على الممتنعات ولا تزغ قلبى من الزيغ وهو الميل عن
طريق الحق والمراد لا تملنى الى التوغل فى البقاء على الاعتداء
ومن نجاة نجاتك النجاة بالضم والمد وقوع الشئ بغتة

والمراد

والمراد بالنقمة العقاب وهى بفتح النون وكسرها لغتان
على وزن كلمة وبالكسر على وزن نعمة ومن درك
الشقاء الدرك بالتحريك يطلق على المكان وطبقاته
دركات يقال النار دركات والجنة درجات و
يطلق ايضا على اقصى قعر الشئ ومن يقضى امره بالعين
المهملة والياء المثناة التحتانية بين النونين تقول عنا
بشئ اذا اهتم بشأنه بالله الاحد الصمد كما يراد من
لفظة الله الجامع بجميع صفات الكمال امن الصفات
الثبوتية كذلك يراد بلفظ الاحد الجامع لجميع صفات
منزع الجلال اعنى الصفات السلبية اذ الواحد الحقيقى ما
يكون منزه الذات عن التركيب الذهنى والخارجى والعقلى
وما يستلزم احدها كالجسمية والتحيز والمشاركة فى
الحقيقة والموازنة بها كوجوب الوجود والقدرة الذاتية
والحكمة التامة والصمد هو المرجع والمقصود فى

الحراج والكفو هو المثل فاول هذه السورة الكريمة
دل على الاحدية واخرها على الواحدية برب
الفلق الفلق ما يفلق عن الشئ اى يشق تعم بعمومه
وهو يعم جميع الممكنات فانه جل شأنه فلق ظلمة
عدمها بنور ايجادها والفلق اذا كان اللام مصدرا
فلقت الشئ فلقا اى شققته والغاسق الليل اذا اشتد
الظلمة ووقب اى دخل ظلامه فى كل شئ وفى
النفاثات فى العقد اى النفوس اى النساء السواحر
اللواتى يعقدن فى الخيوط عقدا وينفثن عليها
واعلم انا معاشر الامامية على ان السحر لم يؤثر فى النبى
صلى الله عليه وآله وامر صلى الله عليه وآله فى هذه
السورة بالاستعاذة من سحرهن لا يدل على تاثير السحر
فيه صلى الله عليه وآله كالدعا فى ربنا لا تؤاخذنا
ان نسينا او اخطأنا واما ما نقله مخالفونا من ان

السحر

السحر اثر فيه صلى الله عليه وآله كما رواه البخارى
ومسلم من انه صلى الله عليه وآله سحر حتى انه كان
يخيل اليه انه فعل الشئ ولم يكن فعله فهو من جملة
الاكاذيب ولو صح لصدق الكفار ان تتبعون الا
رجلا مسحورا واما الاعتذاب بانهم اردوا ان
السحر اثر فيه حتى نافى وحى اعتذارهم اذ الاثر الذى
نقلوه لا يقصر عنه والخناس الذى يخنس اى يتاخر
اذا ذكر الانسان ربه تعالى وسنذكر تفسير الخاتمة
فى خاتمة هذا الكتاب انشاء الله تعالى لا تاخذه سنة
ولا نوم السنة فتور يتقدم النوم وتقديمها لانه
مع ان القياس فى النفى الترقى من الاعلى الى الاسفل
بعكس الاثبات لتعتد مما عليه طبعا المراد نفى هذه
الحالة المركبة التى تعتر الحيوان ولا يوده حفظهما
وهو العلى العظيم اى لا يثقله ولا يتعبه الطاعات

الشيطان او ما يعبد من دون الله او ما يصدّ
يمنع عن عبادته جل شأنه لا انفصام لها اى لا
انقطاع لها ثم استوى على العرش استوى اى استولى
يغشى الليل النهار اى يغطيه به يطلبه حثيثا يعقبه
من الحث اى يتعقبه سريعا كان احدهما يطلب الآخر
لسرعة والشمس والقمر والنجوم مضوية بالعطف
على السموات ومسخرات حال منها فى قراءة النصب
ومرفوعة بالابتداء ومسخرات خبرها فى قراءة الرفع
تضرعا وخفية اى حال كونكم متضرعين ومخفين فان
دعاء السر افضل انه لا يحب المعتدين فسر بالطالبين ما
لا يليق بهم كرتبة الانبياء بالصياح بالدعاء وادعوه خوفا
وطمعا اى حال كونكم خائفين من الرد لقصور اعمالكم
وطامعين فى الاجابة لسعة رحمته ووفور كرمه
مداد الكلمات ربى اى مدادا تكتب به كلمات علمه

وحكمته عز شأنه لنفد البحر اى اتجه ولم يوجد
نفد ولو جئنا بمثله الضمير للبحر مددا اى زيادة
ومعونة له فمن كان يرجو لقاء ربه اى حسن
الرجوع لقاء ربه اى حسن الرجوع اليه يوم القيمة
والصافات صفا قد تفسر الصافات والزاجرات
والتاليات بطوائف الملائكة الصافين فى مقام
العبودية على حسب مراتبهم الزاجرين للجرائم الخلقية
والسفلية الى ما يراد بالامر الالهى التالين آيات الله
تعالى على انبيائه وقد تفسر بنفوس العلماء الصافين فى
العبادات الزاجرين عن الكفر والفسق والبراهين
والنصائح التالين آيات الله وشرايعه وقد تفسر
بنفوس المجاهدين الصافين حال القتال الزاجرين
الخيل او العدو التالين ذكر الله لا يشغلهم عنه
ما هم فيه من المحاربة ورب المشارق والمغارب

او مشارق الكواكب انا زينا السماء الدنيا اى التى
هى اقرب اليكم من سائر ما يرى من زينة الكواكب
الاضافة بيانية وعلى قراءة تنوين الزينة فالكواكب
بدل منها وما اشتهر من ان الثوابت باسرها مركوزة
فى الفلك الثامن وكل واحد من السبعة الباقية
منفرد بواحدة من السيارات السبع لا غير فلم يقم برهان
على ثبوته واحتمال قلة القمر على كواكب واقعة فى
غير ممر السيارات وممر الثوابت الموصودة لم يثبت
دليل على امتناعه واو ثبت لم يقدح فى تزيين فلك
القمر بتلك الاجرام المشرقة لرويتها فيه وان كانت
مركوزة فيما فوقه وحفظا من كل شيطان مارد
نصب حفظا على المصدرية اى وحفظناها حفظا
او لما فيه معنى العصمة او لفعل مضمر اى وحفظناها حفظا
او لم يقع ما يصلح للعطف عليه وقد يجعل عطفا على
علة دل عليها الكلام السابق انا جعلنا الكواكب

زينة

زينة وحفظا والمارد الخارج عن الطاعة لا يتعدى
الى الملأ الاعلى جملة مستأنفة لبيان حالهم بعد
الحفظ لا صفة للشياطين المفهومة من كل شيطان
اذ لا حفظ من لا يسمع والملأ الاعلى الملائكة السكان
فى الاعلى كما ان الملأ الاسفل الانس والجن الساكنون
فى الارض وتعدية السماع او التسمع على قراءة التخفيف
والتشديد بالى لتضمين معنى الاصغاء مبالغة فى نفيه
ويقذفون من كل جانب دحورا اى يرمون من
كل جانب من جوانب السماء يقصدون بها الاشراف
السمع ردحورا اى طردا مفعول لاجله او يقذفون
الطرد او بفعل مطلق لقربه من معنى القذف ولهم
عذاب واصب فى الاخرة والواصب الدائم الشديد الا من
خطف الخطفة استثنا من فاعل يسمعون اى اختلس
خلسة من كلام الملائكة فاتبعه شهاب ثاقب اى

تبعه شهاب مضيء كأنه يثقب الجو بضوئه والشهاب ما يرى كأنه كوكب ينقض وما سخنه الطبيعيون من أنه بخار دخاني ودهنية يصعد للكرة النارية فيشتعل لم يثبت ولو صح لم ينافِ ما دلت عليه الآية الكونية ولا ما دل عليه قوله جل شأنه إنا زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين فإن الشهاب والمصباح يطلقان على المشتعل في الجو زينة للسماء ولا استبعاد في إصعاد الله سبحانه ذلك البخار الدخاني عند إسراء الشيطان للسمع فيشتعل بنار تخرقه وليس خلق الشياطين من محض النار الصرفة كما أن خلق الإنسان ليس من محض التراب فأحرقه بالنار القطعية أقوى من ناريته ممكن ولعل الشياطين لا يسمعون كلام الملائكة إلا إذا انتهوا في الصعود إلى قرب كرة الأثير فإذا استرق الشيطان السمع وبادر إلى النزول ليلحقه الشهاب فأحرقه فلذلك

عبر

عبر سبحانه عن انتهاء الشهاب البشري بإتباعه إليه أن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فانفذوا من أقطار السموات والأرض فانفذوا سبحان الله سبحانه فانفذوا منها لا تنفذون إلا بسلطان جلية براهينها أو لا يقدرون على النفوذ منها إلا بقوة تامة ومن أين لكم ذلك وسلطان مصدر كغفران ومعناه التسلط ومنه قوله تعالى ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا أي تسلطا على القصاص أو أخذ الدية ويرسل عليكما شواظ لهب من نار ونحاس دخان برفعهما عطفا على شواظ من نار ونحاس بالجر عطفا على نار وقلة تنتصران أي لا تمتنعان من ذلك حائشا متصدعا من خشية الله التصدع الشق والغرض توبيخ القارئ على عدم تخشعه عند قراءة القرآن لقساوة قلبه وقلة تدبره معانيه عالم الغيب الشهادة ما غاب عن الحس وما حضر أو السر

أي

العلامية القدوس البالغ في التنزاهة عما يوجب النقص
السلام مصدر وصف به للمبالغة والمراد السالم
من المعايب بأسرها وسميت الجنة دار السلام
لان سكانها سالمون من كل آفة او لانها دار
جل شأنه المؤمن واهب الامن وعن الصادق عليه
السلام سمي بحانه مؤمنا لانه يؤمن عذابه
من اطاعه المهيمن الرقيب الحافظ لكل شئ العزيز
الذي لا يعاد له شئ ولا يمانله والغالب الذي لا
يغلب ومنه قوله تعالى وعز في الخطاب اي غلبني الجبار
الذي يجبر الخلق ويقهرهم على بعض الامور التي ليس
فيها اختيار ولا على تغيرها قدرة او يجبر حال الضعيف
المتكبر الكبرياء عن الحاجة والنقص الخالق البارئ
المصور قد يظن ان الثلثة مترادفة لانها بمعنى الايجاد
والانشاء فذكرها للتأكيد وليس كذلك بل هي

امور

امور مختلفة الا ترى ان البنيان يحتاج الى تقدير في
الطول والعرض والى ايجاد بوضع الاحجار والاخشاب
على نهج خاص والى تزيين ونقش وتصوير فهذه امور
ثلثة مترتبة يقصد عنه جل شأنه في ايجاد الخلق
من كتم العدم فله سبحانه باعتبار كل منها اسم على
ذلك الترتيب لجميع ما في السموات والارض هذا
التسبيح اما بلسان الحال فان كل ذرة من الموجودات
تنادي بلسان حالها على وجود صانع حكيم واجب
الوجود لذاته واما بلسان المقال وهو في فوق العقول
ظاهر واما غيرهم من الحيوانات وذهب قوم
الى ان كل طائفة منها تسبح ربها بلغتها او لغات
بني آدم وحملوا عليه قوله تعالى وما من دابة في الارض ولا
طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم واما غير الحيوانات
من سائر الجمادات فذهب جم غفير الى ان لها تسبيحا

ايضا واعتضد بقوله سبحانه وان من شئ الا يسبح
بحمده وقالوا يريد به التسبيح بلسان الحال لا احتياج محاله
حل شانه ولكن لا يفقهون تسبيحهم الى تاويل وذكروا
ان الاعجاز في تسبيح الحصا في كف النبي صلى الله عليه وآله
ليس من حيث نفس التسبيح بل من حيث اسماعه الصحابة
والاتي في التسبيح دايما ان تجرجني من الدنيا امنا اى
من اهوالها التي بيني وبينك بان توفقني للتوبة منها
قبل الموت ومن النار التي بيني وبين عقابك بان توفقني للتخلص
منها وان تدخلني الجنة سالما اى من العقاب قبل دخولها
بان تعفو عن ذنوبي وتسامحني بها وهذه الجملة كالمؤكدة
لسابقتها ولا حول ولا قوة الا بالله قدرة ما تتم بها الحول
هذا القدرة اى لا قدرة على شئ ولا قوة الا باعانة الله
سبحانه وقد روي ان الحول هنا بمعنى التحول والانتقال
والمعنى لا حول لنا عن المعاصي الا بعون الله ولا قوة لنا على

العلي العظيم

الطاعات الا بتوفيق الله سبحانه وروي ذلك رئيس
المحدثين وقد سر الله روحه في كتاب التوحيد عن
الباقر عليه السلام فينبغي قصد هذا المعنى المروي
لا غير واكشف هلمي وقد يفرق بينهما بان الغم
ما يقدر الانسان على ازالته كالافلاس من المال والهم ما لا
يقدر على ازالته كموت الولد وقد يفرق بينهما بان الغم
قبل نزول المكروه والهم بعده من شر كل ما تهم اى
سبغض وطارق اى وارد في الليل به سمي الصاعد والنازل
كثيرا ما يطلق الصامت على الجماد والناطق على الحيوان
وان كان من الحيوانات البهائم يقال فلان لا يملك الا صامتا
ولا ناطقا اى لا يملك شيئا ومنه قول الفقهاء الزكوة في الناطق
والصامت ويجوز ان يراد هنا بالناطق معناه المعروف
بديع السموات والارض من قبيل حسن الغلام اى ان
السموات والارض بديعة اى عديمة النظير وقد يقال المراد

بالمبدع المبدع اى الموجد من غير مثال سابق فليس من
قبيل اجراء الصفة على غير من هى له ولو قيل بان مجئ
فعيل بمعنى مفعل لم يثبت فى اللغة وان ورد فشاذ لا
يقاس عليه وفيه كلام سنذكره فى باب الثالث ان شاء الله تعالى
الجديدان هما الليل والنهار وما اطرد الخ فقالوا ان
المشرق والمغرب واطرادهما بتعاقبهما وما حد الخ فقالوا
هما الليل والنهار كما يحدى بان بالناس ليسير والى
قبورهم كالذى يحدى بالابل يا عشعشن ليل اتبل
اى اوادبوه وهو من الاضداد وما اذ لقسم بتشديد الميم
ظلم على وزن افعل اى شديد ظلمته وما تنفس صبح
اى ظهر وعبر عنه بالتنفس لهبوب النسيم عنده فكانه
تنفس وبه خطب فى هذا المواضع خطب القوم فى اللغة
كبيرهم الذى يخاطب السلطان ويكلمه فى حوائجهم والوفد
الوافدون ونحو
فتح الواو يريد به ههنا الجماعة المكثر على الاصل والراد

اما ان امته من النار فان الله تعالى قال له ولسوف يعطيك
ربك فترضى وهو صلى الله عليه وآله لا يرضى بدخول
احد من امته فى النار كما ورد فى الحديث وحل الامان
استعارة وذكر الكسوة ترشيح وعزائم مغفرتك اى محتافها
والمراد ما يجعلها احقا فيما وزعت اليك سنه بالفاء
والزاى المعجمة والباء الموحدة المشددة من الغيار و
الكلام استعارة ولولا تعلق جواب لو لما ما يأتى من قوله
لقد كان ذل الايأس على شمله لانقطوا اى لانياسوا
مذ ينا او دعوتنا اخرين ذليلين صاغرين قد ايأس
دمعى من الظفر بعفوك عن المذنبين وصفحك عن العاصين
وان عظمت ذنوبهم وكثرت خطاياهم قد ابكانى فان
قلت حسن الظن موجب للسرة والابتهاج لا للبكاء قلت
المراد البكاء من شدة الفرح وتعدد ذلك اى جعلنى مشمولا
بالعفو والغفران واقالة عثرتى الاقالة السالكة

وقد عثرت وجنى العين
الجمع

والتجاوز والعنزة الخطيئة ما خوذة من عنزة الرجل
ومجاهد التاكثين المراد بهم عسكر الجمل ورؤساه الذين
نكثوا بيعته عليه السلام والقاسطين معوية واعوانه
الذين عدلوا عنه عليه السلام والقسوط هو العدول عن
الحق والمارقين المراد بهم الخوارج الذين مرقوا من الدين
كما يمرق السهم من القوس كما ورد في الحديث اما بحق
خبرانِ والاوصاف الستة التابعة تعود بريحانها
معنى الثبوت لا الحدوث فصح وقوعها نعتا للمعرفة كما
قالوه في قوله تعالى مالك يوم الدين والقول من حملتها
والتسليم لرواتها العطف للبيان والتوضيح والحلة بالهمة
بالفتحات جمع حامل والمراد ناقلها اعلاما ومنارا اى
هداة والاعلام جمع علم وهو الجبل الذى يعلم به الطريق
في القهارى والمنار بفتح الميم الموضع المرتفع الذى يوقد
في اعلاه النار لهداية الضال ونحوه ولا مفزع ولا ملجا

العطف

العطف تفسيري ومعقل من المعاقل بفتح الميم
وكسر القاف قريب من معنى الحصن ويطلق على الملجا
امام طلبتي اى اقدام حاجتي ومطلبي وطلبتي بفتح الطاء
وكسر اللام ومفعول على صيغة اسم المفعول اى ثقتي ومعتمدي
وظعني بالظاء المعجمة والعين المهملة ساكنة ومفتوحة
اى سيري ومسيري ومنقلبي ومثواي اى رجوعي واقامتي
اوحركتي وسكوني وارتتاج مذاهبها الارتتاج مثناتين
مثناتين واخره جيم بمعنى الانغلاق وقالت ارتجت الباب
اى اغلقته من كل ظنين محرجا الظنين بالظاء المعجمة
المفتوحة والنون الساكنة الضيق ومجدك اى كبريائك
وعظمتك والديانة التي حض عليها بالضاد المعجمة
المنذرة اى بالغ في بنائها وحثّ على الاتصاف بها
بتشديد الميم اى يقصد وتوالف على وزن تكرم اى
تقرب وقد اكدى الطلب بالدال المهملة اى قصر وتعذر

وانقطع او غيث الخيل بالعين المهملة والياء المثناة التحتانية
اى الغيث منخ بالنون والخرخاء معجمة اى مقيم بغنائك
الغنا بكسر الغاء وبعدها نون الغضا شجر الدار والكلام
استعارة واذا تلاحك على الشدائد بالحاء المهملة اى
تداخلت والصقت بى دنانير الفرا اى اصابتنى والضرا هنا
بضم الضاد وسوء الحال واما بفتحها فضد النفع وشملتنى
الخصاصة بالخاء المعجمة المفتوحة وصادين المهملتين
بينهما الف بمعنى الاحتياج وعرتنى الحاجة اى شملتنى
وتوسمت بالذلة اى صرت موسوما بها وحض على الكلفة
اى صرت حقيقا بكلفة العلاب فاسمها اى اذهب وارد
ويجوز قراءته بالصاد المهملة ايضا والمعنى واحد والانتزاع
لشكران الانزاع بالياء المثناة التحتانية وبعدها زاى و
اخره عين مهملة الالهام لا تخلنى من بذلك بالخاء المعجمة
وتشديد اللام من التخيلة اى ليست بديع من ولا تبك بديع
التخلية

باسكان

باسكان الدال والمراد ان العطية التى لا يحتاج معها الى
غيرك ليست امرا بديعا غريبا لم يعهد مثله منك والبيك
بفتح الواو اى من امدادك واعانتك وادفع الضرعة
بكسر الصاد المهملة وسكون الراء الوقوع فى بلية والغش
السقط قوله اغث بالنون وعين المهملة واخره ثاء مثلثة
وهو كادفع وزنا ومعنا ويراد بالسقط ما يراد من
السرعة والكلام استعارة ولا ينكر اى منكر ومستبعد
وارجح المفوق بفتح الهاء واسكان الفاء اى الزلة خذه
بيدى من دحض المزلة دحض بالحاء المهملة والضاد
المعجمة اى اقذف فى من زلة الخطيئة فقد كبوت بالباء
الموحدة اى وقعت على وجهى ويرمى كل واحد منهما فى
صاحبه ويولج صاحبه فيه اى يدخل كلا من الليل
والنهار فى الآخر كنقصان نهار الشتاء وزيادة ليله
وزيادة نهار الصيف ونقصان ليله فازالت هذا المعنى

ولا ينكر اى منكر
ومستبعد نسخ

يأتى ينقص من
احدهما شيئا ويزيده
فى الآخر

يستفاد من قوله عليه السلام يربح كل واحد منهما
في صاحبه فائدة في قوله عليه السلام ويربح اصاحبه
فيه قلت مراده عليه السلام على امر مستغرب وهو حصول
الزيادة والنقصان معا فحمل التنبيه من الليل والنهار في
وقت واحد وذلك بحسب اختلاف البقاع كالشمالية
عن خط الاستواء والجنوبية عنه سواء كانت ساكنة
او لا فان صيف الشمالية شتاء الجنوبية وبالعكس فزيادة
النهار ونقصانه واقعان في وقت واحد لكن في بقعتين
وكذلك زيادة الليل ونقصانه ولو لم يصرح عليه السلام
بقوله ويربح اصاحبه فيه لم يحصل التنبيه على ذلك بل كان
الظاهر من كلامه عليه السلام وقوع زيادة النهار
في وقت ونقصانه في آخر وكذا الليل كما هو محسوس
معروف للخاص والعام قالوا وفي قوله عليه السلام
يربح صاحبه فيه واو الحال واضمار مبتدا اي هو يربح

التنبيه بالواو
الحالية عم

فا

بين النهار وفي نقصان الشهب بالنون والضاد المعجمة من
النهوض والمراد التردد ات البدنية المرجحة للشهب
الثقب وروي بعضات بالباء الموحدة والضاد المعجمة
من بعضة اجمل اي افعاله ليكون لهم جاما الفتح الجيم اي
راحة ويبلوا اخبارهم اي يختبرها ومنه قوله تعالى
يوم تبلى السرائر فالمعنى ان الناس الاصلاح قد علم ما بين
وما بنت بنا بين مغلوين من البث بالتشديد وهو الغرين

ثلثين

مقيمه وشاطئه المراد بالشاطئ هنا عند القيم ما
كرجت الترجمة ما كن بالتشديد اي ما اختفى تحت
التراب فليس من الامر الا ما قضيت المراد بالامر النفع
فالمعطوفة عليها كالمفسرة لها شاهد عبد بالتاء
المثناة الفوقانية اي حجر بنا بار ونكاب حجر بة الجزية بالجيم
والراء الجناية ومنه فداء الجزية والمراد بها هنا
الخطيئة وافران صغيرة اي اكتسابها وابرد انا اها

اكثر واختلافه من السيئات اى لجعل الخالين
سهاما بين على الكرام الكاتبين معونتنا هنا كناية
عن طلب العصمة من اكثار الكلام والاشتغال بما
ليس فيه نفع دينوى ولا اخروى اذ يحصل بها
التضييف على الكرام الكاتبين بتقليل ما يكتبونه فى
اقوالنا وافعالنا استعانة لمحبتك من اضافة المصدر الى
الفاعل والمفعول وبحياطته الاحلام بالحاء المهملة
والياء المثناة التحتانية والطاء المهملة اى حفظه و
حراسته واوقفهم عما حذرتنا منه من وقف عن الشئ
اولم يدخل فيه وبخيرتك من خلقك بكسر الخاء المعجمة
والياء المثناة التحتانية والراء المفتوحتين اى
المختار المنتخب وبجاع بتشكين السين ايضا اى وعلى
انه قد ورد ضعه النهار الى اخر عشر ساعة وليست
كلها واحدة الى احد من الائمة الاثنى عشر سلام الله

وما يرجى لكونه بالجر
عطفا على ملا الملائكة
او بالنصب عطفا على
سماء الخ ١٢

عليهم

عليهم ويحضرهما يدعى احدهما رقيبا والاخر عتيدا
مع وعاظها فى محلها انشاء الله تعالى فالساعة الاولى هى
هذه الساعة التى نحن فيها الان فى هذا الباب فيما بين
ما بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس وهى منسوبة الى
امير المؤمنين عليه السلام عليه السلام اللهم رب الظلم
والفلق والفجر والشفق والليل وما وسق والقمر
اذا اتسق خالق الانسان من علق اظهرت
قدرتك بديع صنعك وخلقت عبادك لما كلفتهم
من عبادتك وهديتهم بكرم قضيتك الى سبل
طاعتك وتفردت فى ملكوتك بعظيم السلطان
وتوحدت الى خلقك بعديم الاحسان وتعززت الى
بريتك بجسيم الامتنان يا من لا يسأله من فى السموات
والارض كل يوم هو فى شان اسئلك اللهم بحق خاتم
النبيين الذى نزل الروح الامين على قلبه ليكون

من المثنى بن يساران عربي مبين وبامير المؤمنين
علي ابن ابي طالب ابن عم الرسول وبعلي البتول الذي
رضيت ولايته على الخلق وكان يدور حيث دار
الحق ان تصلي على محمد وآل محمد فقد جعلتهم وسيلتي
وقد قدمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان تغفر لي
ذنبي وتطهر قلبي وتسر بصيرتي وتفرج كربتي وتبلغني
من طاعتك ورضاك امنيتي وتقضي لي جميع حوائجي الدنيا
والاخرة يا ارحم الراحمين وذلك ان تجعل هذا الدعا
من غمرات النعيب ولكن اخرها تاتي به بعد الصلوة
سجدة الشكر وهو مروي في الصحيحين وفي الفقيه عن ابي
عبد الله عليه السلام انه قال سجدة الشكر واجبة
على كل مسلم تتم بها صلواتك ويرضى بها ربك ويعجب
الملائكة منك وان العبد اذا صلى ثم سجد سجدة الشكر
فتح الرب الحجاب بين العبد وبين الملائكة فيقول يا ملائكتي

انظروا

انظروا الى عبدي ادى فرضي واتم عهدي ثم سجد لي
شكرا على ما انعمت به عليه ملائكتي ما ذا له فيقول
الملائكة يا ربنا رحمته ثم يقول الرب تعالى ثم ماذا فيقول
الملائكة يا ربنا حمدك فيقول الرب ثم ماذا فيقول
الملائكة يا ربنا كفاية مهمه فيقول الرب ثم ماذا الذي
شيء من الخير الا قالته الملائكة فيقول الله تعالى يا ملائكتي
ثم ماذا فيقول الملائكة يا ربنا لا علم لنا فيقول الله تعالى
لاستكانته كما شكروا قبل اليه بفضله وبريه ورحمته
ويستحب الاطالة فيها فقد روي في الفقيه ايضا ان
الكاظم عليه السلام كان يسجد بعد ما يصلي الصبح
فلا يرفع رأسه حتى تبدو الشمس وارتفع النهار واذا سجد هما تفرش
ذراعيك وتلصق صدرك وبطنك بالارض وتاتي
بما رواه ثقة الاسلام في الكافي بسند حسن عن ابي
الحسن الماضي عليه السلام قال قلت له الله اني اشهدك

وأشهد بملائكتك وأنبيائك ورسلك وجميع خلقك
أنك أنت الله ربي والإسلام ديني ومحمد صلى الله عليه
وآله وسلم نبيي وعليا والحسن والحسين وعليا
ومحمدا وجعفرا وموسى وعليا ومحمدا وعليا و
الحسن ومحمدا أسلام الله عليهم أعتقد بهم أتولاهم
ومن عاداهم أتبرأ منهم ثم قل اللهم إني أنشدك دم
المظلوم ثم قل ثم عفر اللهم إني أنشدك بالوائك
على أنفسك لأوليائك لتنظرهم بعدك وعلمك فيهم
أن تصلي على محمد وآل محمد وعلى المستحفظين من آل
محمد صلى الله عليه وآله ثم قل اللهم إني أسألك باسمك
بعد العفر ثم تضع خدك الأيمن على الأرض
وتقول يا كهفي حين تعييني المذاهب ويضيق علي
الأرض بما رحبت يا بارئ خلقي رحمة بي وكان
عن خلقك غنيا صل على محمد وآل محمد وعلى المستحفظين

من آل

من آل محمد وصلى الله عليه وآله ثم خد الأيسر
وتقول يا مذل كل جبار ويا معز كل
ذليل قد وعزتك بلغ بي مجهودي ثم قل يا من
يا حنان يا منان يا كاشف الكرب العظام ثم يا من
بالسجدة الثانية ويقول فيها مائة مرة شكرا شكرا ثم
تسأل حاجتك وعنه عليه السلام انه كان يقول
في السجدة الشكر بصوت حزين ودموعه تجري وعيناك
ترى لي ولو شئت وعزتك لأخزيتني وعيناك
تبصري ولو شئت وعزتك لأكمهتني وعيناك
تعفو ولو شئت وعزتك لأعميتني وعيناك
تهدي ولو شئت وعزتك لأضللتني وعيناك
ترحمني ولو شئت وعزتك لعذبتني وعيناك
بجميع جوارحي أبي أنعمت بها علي وليس هذا جزاؤك

بمنى اللهم العفو العفو العفو الساعة يلصق خده الأيمن
بالارض تقول ثلث مرات بصوت حزين بوئت اليك
بذنبي عملت سوءا وظلمت نفسي واعترفت بذنوبي
فانه لا يغفر الذنوب غيرك مولاي ثم يلصق
خده الايسر بالارض تقول ثلث مرات ارحم من الساء وافرق
واستكان واعترف بقول اذا رفعت رأسك من
سجدتي الشكر اللهم لك الحمد حمدا تقضي ولك
ان شيا مدلور اربي اعني على اهوال الدنيا
وبوايق الدهر ونكبات الزمان ومصيبات الليالي
والايام واكفني شرها يعمل الظالمون في الارض
وفي سفري فاصحبني وفي اهلي فاخلفني فيهما رزقتني
فبارك لي وفي نفسي لك ذللتني وفي اعين الناس
فعظمني واليك فحببني وبذنوبي فلا تفضحني وبعمل
فلا تبتلني وبسريرتي فلا تخزني وعن شرب الجبن و

الانس فسلبني وبلحاسن الاخلاق فوفقني وبين
مساوي الاخلاق فجنبني الى من تكلني يارب المستضعفين
وانت ربي الى عدو ملكته امري ام الى بعيد
يتجهمني وان لم تكن غضبت علي يا رب فلا ابالي
غير ان عافيتك اوسع لي واحب الي اعوذ بنور
وجهك الذي اشرقت به السموات والارض وكشفت
به الظلمة وصلح عليه الاولين والاخرين ان يحل
علي غضبك وينزل بي سخطك لك الحمد حتى ترضى
ولك الرضا والاحرى ولا حول ولا قوة الا بك يا رب العالمين
والفلق النور والليل وما وسق اي جمع وسرى القمر
اذا اتسق اي اجتمع وتم وصار بدرا وكان ليلة ثلث عشرة
دار الحي المضارع عامل في الحق وضمير الماضي عائد اليه
عليه السلام لينطبق على قول النبي صلى الله عليه وآله اللهم
ادر الحق معه كيفما دار وافعل ما خير الفاعلين برعاية الفواصل

كما قال فاوجس في نفسه خيفة موسى انشدك دم
المظلوم اشد على وزنك اقعد يقال نشدت فلانا
وانشدته اى قلت له نشدتك الله اى سالتك بالله والمراد
هنا اسئلك بحقك اى تاخذ بدم المظلوم عن الحسين
عليه السلام وتنتقم من قاتله ومن الاولين الذين تبعوا
اساس الظلم والجور عليه وعلى ابيه واخيه سلام الله
عليهم اجمعين بايوائك على نفسك الايواء بالياء المثناة
التحتانية واخره الف ممدودة العهد والمحفظين بغير
بالباء الفاعل والمفعول معا اى استحفظ الامانة اى حفظها
او استحفظهم الله تعالى اياها يا كهفي حين تعييني المذاهب
اى يا ملجائي حين تتعبني مسالك الخلق وتردد الى الهم
تعييني يا بين شئتاين من تحت او بنوين اولهما مشددة
وبينهما ياء مثناة تحتانية وتضيق على الارض بما رحبت
اى بسعتها وما مصدرية والوجب حب السعة

فلو

فلو شئت وعزتك لا كففتني اى لا عففتني والاكفه الذي
ولد اعمى لكففتني بالنون والعين المهملة اى لقطعت اطرافي
لجذمتني بالجيم والذال المعجمة اى لقطعت رجلي فان
قيل كيف يصدر عن المعصوم مثل هذا الدعاء قلنا ان
للانبياء والائمة عليهم السلام لما كانت اوقاتهم مستغرقة
في ذكر الله وقلوبهم مشغولة به جل شانه فكانوا اذا
اشتغلوا بلوازم البشرية من الاكل والشرب والنكاح
وسائر المباحات عدوا ذلك ذنبا وتقصيرا كما ان
الذين يجالسون الملوك لو اشتغلوا وقت مجالستهم بحظوظهم
بالالتفات الى غيره لعدوا ذلك تقصيرا واعتذروا منه
وعلى هذا يحمل ما رواه ثقة الاسلام في الكافي عن الصادق
عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه وآله كان
يتوب الى الله عز وجل في كل يوم سبعين مرة وكذا ما
رواه العامة في صحاحهم انه صلى الله عليه وآله قال انه

جعلتها مستدركة غير مسوغة

ليغان على قلبي وانى لاستغفر الله سبعين مرة بوبت
اليك بذنبي بوبت بالباء الموحدة المضمومة والهمزة و
اخره تاء مثناة اى اقررت وبوابق الدهر اى صاحبه
ويعلى فلا تبتلني بالباء الموحدة والسين المهملة اى لا
ترد فى الهلاك ومنه قوله تعالى بتبئس نفسي بما كسبت ان
الى العبد فيحتمل ان يعنى اى تعبس وجهه اذا واجهني الباب
الثانى فيما يعمل ما بين طلوع الشمس الى الزوال والمقدمة
فى واجب الباب الاول انه قد ورد قسمة النهار الى
اثنى عشر ساعة لكل واحد من الائمة الاثنى عشر عليهم
السلام ساعة ولكل ساعة دعاء يختص بها فالساعة
الاولى وهى ما بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس لامير
المؤمنين عليه السلام وقد ذكرنا دعائها فى اعمال ذلك
الوقت فلنذكر هنا ما يختص بهذا الوقت فنقول الساعة
الثانية من طلوع الشمس الى ذهاب حمرتها وهى للحسن

عليه السلام وتدعو فيها بهذا الدعاء اللهم يا خالق
السموات والارض ومالك البسط والقبض ومدبر
الامور والفلك ومن لا يعجب المضطر اذا دعاه وكيف
الشر يا مالك يا جبار يا واحد يا قهار يا عزيز يا
غفار يا من تدركه الابصار وهو يدرك الابصار
يا من لا يسأل خشية الانفاق ولا يعتريه خوف الاملاق
يا كريم يا رازق يا مسبب يا منعم قبل الاستحقاق يا
ميزل الروح من امره على من شاء من عباده ليندر
يوم التلاق يوم هم على الكافرين عسير صعب في جنبها شر
ودام غناك عني وعظم اليك فقري اسئلك يا عالم
سري وجهري يا من لا يهمه سؤال على كثرة ضجيج
ان تصلي على محمد رسولك المختار وحبيبك الابرار
النجباء وعلى اهل بيته الطاهرين الاخيار وان توصل
اليك بالانزع البطين علي والامام الزكي الحسن

المفوز سعاقهذا استشفعت بهم اليك وقدمتهم امامي
وبين يدي حوائجي ان تزيدني من لدنك علما ترهب
الى خلقك وتحبب كسري وتشرح بالنور صدري و
تر حمني اذا انقطع من الدنيا اثري وتذكرني اذا
نسيت ذكري برحمتك يا ارحم الراحمين الثانية
بين ذهاب حمرة المشرق الى ارتفاع النهار للحسين
عليه السلام وتدعو فيها يعدة اللهم رب الارباب
ومسبب الاسباب ومالك الرقاب ومسخر السحاب
ومسهل الصعاب يا حليم يا توّاب يا كريم يا وهاب
يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعي اجاب يا من
ليس له حاجب ولا بواب يا من ليس الخبر اليه
فضل ولا اياب يا من لا يرخى عليه ستر ولا يغلق
دونه حجاب يا من يرزق من يشاء بغير حساب
يا غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب

اللهم

اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك وخاب الامل
الا من كرمك فاسئلك بمحمد رسولك ويعلي بن
ابي طالب صفيك وبالحسين الامام التقي الذي
اشريت نفسه ابتغاء مرضاتك وجاهد الناكثين
عن صراط طاعتك فقتلوه ساغبا ظمانا واستلوا
حرمته بغيا وعدوانا وحملوا راسه في الافاق
واحلوه محل اهل العناد والشقاق اللهم فصل
على محمد واله وحنن على الباغي عليه محنيات
لعنتك وانتقامك ومزريات سخطك ونكالك
اللهم اني اسئلك بمحمد واله واستشفع بهم اليك في
اقالة عثراتي وبينهم امامي وبين يدي حوائجي ان لا تقطع
رجائي من امتنانك ولا اخيب تأميلي في احسانك
ونوالك ولا هتك الستر المسدول على من بجميل
ولا عهد تغيّر عني عوايد طولك وتعمل وفضلك

يمر بي اليك وامر في عما يبا عدني عنك واعطني
من الخير افضل ما ارجوا واكفني من كل شر ما اخاف
واخذ بر حمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد
النهار الى الزوال وهي لسيد العابدين علي السلام
وتدعو فيها بهذا الدعاء اللهم انت الملك اليك المآل
وكل بحر في بحرك الكريم هالك سحرت بقدرتك
البصر السوالك وامكرت بقدرتك العيون الشوك
وعلمت ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة
في الظلمات الحوالك يا سميع يا بصير يا بر يا رؤف
يا غفور يا رحيم يا من يعلم خائنة الاعين وما
تخفي الصدور يا من له الحمد في الاولى والاخرة
وهو الحكيم الخبير اسئلك سؤال البائس الفقير
واضرع اليك ضرع الضائع الكسير وأتوكل عليك
وتوكل الخاشع المستجير واقف بباب وقوف

المؤمل

الفقير وأتوسل اليك بالبشير النذير
السراج المنير محمد خاتم النبيين وابن عمه امير
المؤمنين وبالامام علي بن الحسين زين العابدين و
امام المتقين الحجة الصدقات والخاشع في الصلوة
الذاب المجتهد في الجاهدات الساجد ذي
الثفنات ان تصلي على محمد وآل محمد وقد توسلت
بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان تعصمني من سوابق معاصيك وتوبقني
لا سوا مطلوبا برضيك وتجعلني ممن يؤمن من بأسك
وبعقابك ويخافك ويرجو عفوك ويراقبك و
يحبك ويتقرب اليك بما الات من تولاك
ويحبب اليك بمعاداة من عاداك ويتقرب
لديك بعظيم رغبك واياديك برحمتك يا ارحم الراحمين
واعلم ان لهذه الدعية الساعات كثيرة الاختلاف

بالزيادة والنقصان والذي اوردته في هذا الكتاب
هو الذي اتقوى به واعتمد عليه والله ولي التوفيق
توضيح مالك الملك والقبض له بيده توسعة الرزق
وتضييقه او سرور القلب وانقباضه وسدد الابرام
والنقض الابرام في الاصل فتل الحبل والنقض الفك
المجهة نقيضه والكلام استعارة والمراد تدبير امور العالم
على ما تقتضيه حكمته البالغة من الايقاء والافناء
والاعزاز والاذلال والتقوية والاضعاف وغير ذلك
بامر لا يعتريه خوف الاسلاق يقترب بالقاف والثاء المثلثة
الشناة المشددة من الثغر وهو الفم والمعنى لا يضيق الرزق
لخوف الفقر بل الصلحة هو اعلم كما ورد في الحديث
الهدى ان من عبادي من لا يصلحه الا الفقر ولو اغنيته
لافسده ذلك يزل الروح اي الوحي وهو الملاق
من اسمائه يوم القيمة لان فيه بيانا في اهل السماوات

اهل

اهل الارض والاولون والاخرون او الظالم و
المظلوم او الخالق والمخلوق او المراد عمله والارواح
والاجساد او كل واحد من هذه الستة مع قرينة
منها ومخزيات لعنتك بالخاء المعجمة والزاء اي ما يوجب
الخزي من لعنتك ومرديات سخطك ونكالك اي ما
يوجب الردى اي الهلاك من سخطك والنكال بفتح النون
العقاب والغيوم السوافك من سفك الدم بمعنى
اهراقه فكانه استعارة والظلمات الحوالك الحالة
المهلة جمع حالكة اي الشديدة السواد يا من يعلم
خائنة الاعين اي النظرة الخائنة الصادرة من
الاعين او خائنة مصدر كالعافية اي خيانة
الاعين الصنائع الكثيرة الضاد المعجمة اي السائل الحاف
المخفي للصدقات ذكر المورخون ان زين العابدين
عليه السلام كان يعول اربعمائة بيت في المدينة

وكان يوصل فوتهم اليهم بالليل وهم لا يعرفون من
اين يأتيهم فلما مات عليه السلام انقطع ذلك عنهم
فعلموا ان ذلك كان منه سلام الله عليه الدأب
المجتهد في المجاهدات الدائب بالاعمال المهملة والليه
المثناة التحتانية والباء الموحدة اسم فاعل من دأب
اوجد وتعب والمراد بالمجاهدات العبادات
الشاقة فقد روى عنه عليه السلام انه كان يصلي كل ليلة
الف ركعة الساجد ذو المثنات بالتاء المثلثة و
الفاء والنون المشوشات جمع نفنف مأكلة البعير
صدره من كثرة مماسته الارض وقد كان حصل
في جبهته عليه السلام مثل ذلك من طول السجود
كثفنه ونجعلني ممن اتى من بك مراد بالايمان هنا
المعرفة والتصديق الكامل وان مراتب ذلك متفاوتة
فلا يبلغ المحققون نصيرا الملة والدين الطوسي قدس الله روحه

وهو غم

في بعض رسائله ان مراتب ذلك متخالفة كمراتب معرفة
النار مثلا فاقل اداتها معرفة من سمع ان في الوجود
شيأ يظهر انه كل شيء يجاريه وان اخذ منه شيء
لم ينقص ويسمى ذلك الموجود نارا ونظير هذه المرتبة
في معرفة الله تعالى معرفة المقلدين الذين صدقوا بالدين
من غير وقوف على الحجة واعلى منها مرتبة من وصل
اليه دخان النار وعلم ان لا بد له من مؤثر فحكم بان
لها اثرا هو الدخان ونظير هذه المرتبة في المعرفة
الله تعالى معرفة اهل النظر والاستدلال الذين حكموا
بالبراهين القاطعة على وجود الصانع تعالى وعلى
منها مرتبة من احس بحرارة النار بسبب مجاورتها
وشاهد الموجودات بنورها واستفاد بذلك الامر
ونظير هذه المرتبة في معرفة الله سبحانه معرفة المؤمن
المخلص الذي اطمأنت قلوبهم بالله وبتيقنوا ان الله نور

في بعض

السموات والارض كما وصف به نفسه واعلى منها
مرتبة من احترق بالنار بكليته وتلاشى فيها بجملة
ونظير هذه المرتبة فى معرفة الله تعالى معرفة اهل الشهود
والفناء فى الله وهى درجة العليا والمرتبة القصوى
رزقنا الله الوصول اليها والوقوف عليها بمنه
كرمه انتهى كلامه اعلى الله مقامه اقول وما ينبغى
ان يعمل فى صدر النهار المتصدق بما يتيسر وان كان
حقيرا روى ثقة الاسلام فى الكافى عن الصادق عليه
السلام انه قال قال رسول الله صلى الله عليه واله
بكروا بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها وروى ايضا
فيه فما من مؤمن يتصدق بصدقة يريد بها ما عند الله
ليدفع الله عنه بها شر ما ينزل من السماء الى الارض
فى ذلك اليوم الا وقيه الله شر ما ينزل فى ذلك اليوم
وما يعمل فى صدر النهار التمسح بماء الورد ففى الحديث

من

عن اصحاب العصمة سلام الله عليهم من مسح وجهه
بماء الورد لم يصبه فى ذلك اليوم بؤس ولا فقر
يمس الوجه واليدين ويصلى على النبى صلى الله عليه
واله وما يعمل فى صدر النهار غالبا النعم وليس الثوب
والخف والنعل فقد ذكر جعفر ابنها واد عيتها اقول
اما النعم فقد روى انه ينبغى ان يقال عنده اللهم
سوئ بى بماء الايمان وزينى بلباس الكرامة
قلدنى فى سبيل الاسلام ولا تخلع ربقة الايمان من
عنقى ولا يتم ذلك وانت جالس واذا لبست فتحنك بها
مثل فان التحنك سنة مؤكدة روى شيخ الطائفة
فى التهذيب باسناده عن الصادق عليه السلام
انه قال من اعتم ولم يدر العمامة تحت حنكه فاصابه
داء لا دواء له فلا يلومن الا نفسه وروى ابن الحذين
فى الفقيه عن الصادق عليه السلام انه قال انى لاعجب

من ياخذ في حاجته وهو على وضوء كيف لا تقضى حاجته
راى لا عجب ممن ياخذ في حاجته وهو منعم تحت حنكه
كيف لا تقضى حاجته والاحاديث في الترغيب في
التحنك كثيرة وقد انعقد الاجماع منا عليه والعجب
من بعضنا انه كيف ينكره مع انهم رووا في كتبهم عن
النبي صلى الله عليه وآله انه نهى عن الاقتعاط وامر بالتحنك
قال الصحاح الاقتعاط شد العمامة على الرأس من غير ادارة
تحت الحنك في الحديث انه صلى الله عليه وآله نهى
عن الاقتعاط وامر بالتحنك انتهى كلامه والتحنك ادارة
العمامة تحت الحنين واعلم ان استحباب التحنك عام في
جميع الاوقات والحالات وليس مختصا بحال الصلوة و
ان كانت الصلوة فيه افضل بل هو مستحب براسه سواء
صلى فيه اولم يصل وليس استحبابه للصلوة كما يظهر من كلام
بعض علمائنا ولم اظفر في شئ من الروايات التي تفحصتها الى الان
بما يدل

بما يدل على استحبابه للصلوة بل هي عامة وقد صرح بهذا
العلامة مد ظله الرفيع في منتهى المطلب حيث اورد
الاحاديث الدالة على ان التحنك سنة وفيها ثم قال
ظهر بهذه الاحاديث استحباب التحنك مطلقا سواء كان
في الصلوة او في غيرها التي ينبغي اذا تحنك عند ارادة
الصلوة ان تقصد استحبابه لنفسه كالتزر المستحب لانه
مستحب لغيره اعني الصلوة كالرداء مثلا وكونه شرطا في
زيادة ثوابها لا يقتضي استحبابه لها وهذا ظاهر واما
الآداب في لبس الثياب فينبغي تقصير الثوب فقد نقل في
تفسير قوله تعالى وثيابك فطهر اي فقصر وينبغي ان لا يجاوز
بالكم اطراف الاصابع ولا يتبدل ثوب الصون ولا لبس
ثوب شهرة ولبس في الصلوة الابيض وقد روي عن
الصادق عليه السلام يكره السواد الا في ثلاثة الخف والعمامة
والكساء واما الدعاء عند لبس الثوب فقد روي عن

الصادق عليه السلام انه يقال عند لبس الثوب اللهم
اجعله ثوب يمن وبركة اللهم اسرر فيه
شكر نعمتك بحسن عبادتك والعمل بطاعتك الحمد
لله الذي رزقني ما اتستر به عورتي واتجمل به في
الناس وعن الباقر عليه السلام انه يقال عند لبس
الثوب الجديد اللهم اجعله ثوب يمن واقوى في
بركة اللهم اسرر فيه حسن عبادتك وعملا
بطاعتك واداء شكر نعمتك الحمد لله الذي كساني
ما اواري به عورتي واتجمل به في الناس وروي
انه يقال عند لبس السراويل اللهم استر عورتي وامن
روعتي واعف مرجتي ولا تجعل للشيطان في ذلك
نصيبا ولا له الى ذلك وصول فيضع لي المكايد تحجبني
لان ثياب محارمك وينبغي ان لا يلبس السراويل وهو
مستقبل القبلة واما لبس الخف والنعل فليكن وهو جالس

ويلبس

ويلبس نعل اليمنى قبل اليسرى وعند الخلع بالعكس وهو
قائم ويقول عند لبس كل من الخف والنعل بسم الله
وبالله اللهم صل على محمد وآل محمد وطهرني مدى
في الدنيا والاخرة وثبتهما على الصراط يوم تزل
فيه الاقدام ويقول عند خلعهما بسم الله الحمد لله الذي
رزقني ما اواري به عورتي اللهم ثبتهما
على صراطك ولا تزلهما عن صراط السوي ومدى
عن الصادق عليه السلام كراهة لبس الخف الاحمر
في الحضر دون السفر وعنه عليه السلام انه قال من
السنة الخف الاسود والنعل الاصفر وكره نعلا عليه
السلام لبس النعل الاسود وعنه عليه السلام من لبس نعلا
صفرا لم يبلها حتى يتصدق بمثلها او عنه عليه السلام
من لبس نعلا صفرا كان في سرور حتى يبليها والمشهور
بعض ما تضمنه هذا الفصل سوى فيما الايمان اي على

بعلامته او اظهر علامة الايمان في اقواله وافعاله وسائر
احواله وقد بين امير المؤمنين عليه السلام علائم المؤمنين
في خطبة الشهوة التي وصفهم بها عند سؤال همام
رضي الله عنه ذلك منه عليه السلام والزبرقة بالكسر
حمرة وعرى والفقر الثالث استعارات وامن روعتي
اي ابدلني خوفي بالامن والروعة بضم الراء الخوف وقوله
وما اجرت العادة بفعله في اثنا هذا الوقت اعني
ما بين طلوع الشمس والزوال الاكل والشرب لذة
من اداتهما واد عيتهما المروية عن اصحاب العصمة صلوات
الله عليهم فيقول اذا اردت الاكل فاجلس على يسارك
ولا تجلس متربعا وانصب جلسة تبعضها الله وعبت
صاحبها كما روي عن امير المؤمنين عليه السلام
واذا مددت يدك الى الاكل فقل بسم الله والحمد لله
رب العالمين فقد روي عن الصادق عليه السلام

ان

ان الرجل اذا اراد ان يطعم اهله وهو بيده وقال
بسم الله والحمد لله رب العالمين غفر الله له قبل
ان تصير اللقمة الى فيه وروي استحباب التسمية على كل
لون وروي ايضا استحبابها على كل اناء على المائدة
وان اختلفت الوان الطعام ومن نسي التسمية على
لون فليقل بسم الله على اوله واخره رواه رئيس
المحدثين في الخصال ومما ينبغي ان يقال عند الشروع في
الاكل الحمد لله الذي يطعم ولا يطعم يجير ولا يجار
عليه ويغني ويفقر اللهم لك الحمد على ما
رزقتنا من طعام وادام في بيوتنا عافية من غير
كد منا ولا تشقية بسم الله خير الاسماء بسم الله
رب السماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله
الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في
السماء وهو السميع العليم اللهم اسعدني في

مطعمي

ملعمي هذا يغنيني واعذبني من سقمي وانعشني
بنفعه ويسلمني من ضره وينبغي ان يكون اول ما
تاكله كل يوم احدى وعشرين زبيبة حمرا
عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال من اكل
كل يوم على الريق احدى وعشرين زبيبة حمرا لم ينزل
الاعلة الموت واغسل يدك سبعا قبل الطعام وبعده
وان كان اكلك بيد واحدة وروي ليس للحديث
في البقيه عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال من
غسل يده قبل الطعام وبعده عاش في سعة و
عوفي من بلوى في جسده وقد روي عن امير
المؤمنين عليه السلام انه ينبذ في العمر ويجلو البصر
بدا ان كنت صاحب الطعام بالغسل الاول ثم
يغسل من على يمينك وفي الغسل الثاني تغسل
لغيرا ومن على يسارك اولا وروي الابتداء في الغسل الثاني

يمن على يمين الباب حرا كان او عبدا ولا تمسح
يدك بالمنديل بعد الغسل الاول واستحبها به بعد
الغسل الثاني بعد ان تمسح بيلها يغنيك ولا
تجففها بالمنديل وفيها انزل الطعام حتى يتضعفان
كرر الحمد لله سبحانه في اثناء الاكل وابدا بالاكل
قبل الحاضرين ان كنت صاحب الطعام وارفع يدك
منه بعدهم ولا ينبغي الاكل باليسار ولا الشرب بها
ولا الاكل بالاصبعين واذا حضر الخبز فلا ينتظر
حضور غيره من الاطعمه ولا تضعه تحت القصعة
ولا تقطعه بالسكين وابدا بالملح واختم به وروي
الختم بالخل ايضا ويستحب اجتناب البقل الاخضر على
المائدة ولا تاكل اللحم في يوم مرتين وكذا كل
ثلثة ايام ويكره تركه اربعين يوما ولا تنهك العظم
بل ابق فيه بقية فقد روي ان للجن فيه نصيبا وان

من تعمل ذلك ذهب من سبيه ما هو خير من ذلك
وينبغي اطالة الجلوس على المائدة ان كنت صاحب
الطعام فقد روى ثقة الاسلام في الكافي باسناده عن
من زرارة قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول
ثلث اذا تعلم من الرجل كانت زيادة في عمره وبقاء
للنعمة عليه فقلت وما هن قال تطويله في ركوعه
وسجوده وصلواته واصطناعه المعروف الى اهله
وقل بعد الفراغ من الاكل ما روى عن الصادق
عليه السلام الحمد لله الذي اطعمنا في جايعين وسقانا
في ظامئين وكسانا في عارين وهدانا في ضالين وحملنا
في راجلين وآوانا في ضاحين واخدمنا في عايلين وفضلنا
على كثير من العالمين واما ما استحب في هذا الزمان من
قراءة الفاتحة بعد الطعام اطلع عليه في كتب الحديث
وينبغي ان يغسل الحاضرون ايديهم في طشت واحد

ولا

ولا يرفع الطشت ويراق حتى يصلى ويستحب التخلل
ويكره اتخاذ الخلال من الخوص والقصب والريحان
والآس والرمان وينبغي قذف ما خرج ما بين الاسنان
بالخلال وابتلاع ما خرج باللسان وينبغي ان يكون ما
تاكله موافقا لما ينبغي عما لك لا ما ينهيه
ودينهم فقد روى ثقة الاسلام في الكافي عن الصادق
عليه السلام انه قال قال رسول الله صلى الله عليه
واله المؤمن يأكل لينتهوا اهله والمنافق يأكل
اهله لينهبوه واما اداب شرب الماء فان يقول
عند شربه الحمد لله منزل الماء من السماء ومفرق
الامر كيف يشاء ويسمي الله سبحانه باسمائه ويقول بعد
شربه الحمد لله الذي سقانا ماء عذبا ولم يجعله
ملحا اجاجا بذنوبنا نوفي الحمد لله الذي سقاني فاروى
واعطاني فارضاني وعافاني وكفاني اللهم اجعلني

من شيعته في المعاد من حوض محمد صلى الله عليه
وآله وشفعه برأفته برحمتك يا أرحم الراحمين و
يحب شربه مصا لا عبا فقد روى عن النبي صلى الله
عليه وآله ان شرب الماء عبا يورث الكباد وينبغي ان
يكون شربك بثلاثة انفاس واحمد الله سبحانه
بعد كل نفس وسئل الصادق عليه السلام عن الشرب
بنفس واحد فقال ان كان الذي بنا وان الماء حلو
فاشرب بثلثة انفاس وان كان حرا فاشربه بنفسين
فقد روى ان من شرب الماء فتحاء وهو يشتهيه وجد
لله بفعل ذلك ثلثا وجب له الجنة وينبغي اجتناب الشرب
من جانب العروة ومن موضع الكسر لانه يورث الماء
فقد روى عن الصادق عليه السلام اياك والاكثار
من شرب الماء فانه مادة كل داء وروى ان من شرب
فذكر الحسين عليه السلام ولعن قاتله كتب له مائة الف

حسنة

حسنة ويحط عنه مائة الف سيئة ويرفع له مائة
الف درجة وكان كمن اعتق مائة الف نسمة و
لتوضيح بعد الفاظ هذا الفصل يا من يجير ولا يجار
عليه اي يغيث من هرب اليه ولا يغيث احد من هرب
منه وكلاهما من الاجارة والياء الثانية من الجوار
وانتعذ على وزن اكرمني اي اجعلني ممتنعا به واوانا
وضاحين بالضاد المعجمة والحاء المهملة اي اسكنني في
الساكنين بموضع ضاحين اي ليس بينهم وبين
ضوء الشمس ستر يحفظهم من حرها واخذ منا في عاينين
اي جعل لنا من يخدمنا ونحن بين جماعة عاينين من
العناء وهو التعب والمشقة الليل السائل فيما يقبل ما بين
زوال الشمس الى الغروب وفيه مقدمة وفصول
روى شيخ المحدثين في الفقيه عن النبي صلى الله عليه
وآله انه قال اذا زالت الشمس فتحت ابواب السماء و

ابواب الجنان واستجيب الدعاء لمن رفع له عمل
صالح وروى طاب ثراه ايضا عن النبي صلى الله عليه
واله انه قال ان الشمس عند الزوال لها حلقة تدخل
فيها فاذا دخلت فيها زالت الشمس فيسبح كل شئ دون
العرش بحمد ربي عز وجل وهي الساعة التي يصلي عليها
ربي جل جلاله وفرض علي وعلى امتي فيها الساعة
التي يؤتى الصلوة وقال اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق
الليل وهي الساعة التي يؤتى فيها بجهنم يوم القيمة فما
من مؤمن يوافق تلك الساعة ان يكون ساجدا او راكعا
او قائما الا حرم الله جسده على النار ولا باس بتوضيح بعض
ما تضمنه هذا الحديث الحلقة تكون اللام والياء في
كلام العرب حلقة بفتح اللام الاحلاقة الشعر فقد
جمع حالق كخرج جمع خارج ولعله صلى الله عليه واله
اراد بالحلقة دائرة نصف النهار وعبر عنها بذلك تقريبا

الى الافهام

الى الافهام ولفظة دون في قوله صلى الله عليه واله
دون العرش بمعنى تحت ولفظة هي في قوله صلى الله
عليه واله وهي الساعة التي يصلي فيها ربي جل على
جلاله تعود الى ما دل عليه سوق الكلام اعني
الوقت الذي اوله الزوال ودلوك الشمس زوالها
وكانهم سموه بذلك لانهم كانوا اذا نظروا اليها اتمام
ليعرفوا انتصاف النهار حذفت اضافة
ياء في صلاته وغسق الليل منتصفه لاظلمة اوله
كما قاله بعض اللغويين وروى في تفسير الامام العسكري
بسند صحيح عن الباقر عليه السلام انه قال فيما بين
دلوك الشمس الى غسق الليل اربع صلوات الى ان
قال عليه السلام وغسق الليل انتصافه والمصداق
المسوق من لفظة ان ومعمولها قوله صلى الله عليه
واله ان يكون ساجدا او قائما او راكعا فافهم

اعني بوافق واسم الاشارة مفعوله وجملة الفعل و
فاعله ومفعوله نعت للمؤمن ينبغي القيام الى
الصلوة في اول وقتها فريضة كانت او نافلة الا ما
استثني فان فضل اول الوقت على آخره كفضل الآخرة
على الدنيا كما روي عن الصادق عليه السلام اول الوقت
رضوان الله وآخره عفو الله والظاهر ان هذه فضيلة
تدرك بالاشتغال في اول الوقت بمقدمات الصلوة
كالطهارة مثلا من غير توان كما قاله شيخنا الشهيد
ولا يتوقف ادراكها على الدخول في الصلوة في اول
الوقت واما ما تضمنه بعض الروايات مما ظاهره
خلاف ذلك كما روي عنهم عليه السلام ما وقر الصلوة
من اخر الطهارة حتى تدخل وقتها فلم اظفر لها باسناد
يعول عليه وعلى تقدير اندراجه العمل بها في العمل با
رواه ثقة الاسلام والكافي في الصحيح عن الصادق

من جمع

من جمع شيئا في الثواب على شيء فصنعه كان له اجره
وان لم يكن كما بلغه وذلك لانه انما نال
على ما نفعله توسط الاشتغال بالطهارة بين اول
الوقت والصلوة من توقيرها الا على ما نقوله من
ادراك فضيلة الوقت فانه استأخر فقد حرم ما
ينبغي انتظار الصلوة والتطلع الى وقتها كما روي
انه النبي صلى الله عليه وآله كان ينتظر دخول وقت
الصلوة ويقول ارحنا يا بلال اي ادخل علينا الراحة
بالاعلام بدخول الوقت كما قال صلى الله عليه وآله
قرة عيني في الصلوة واول الزوال شروع الظل في الانتهاء
بعد الانتقاص او الحدوث بعد العدم فان الشمس
كلما زاد ارتفاعها نزاد انتقاصه حتى اذا بلغت غاية
ارتفاعها في ذلك اليوم بلغ غاية انتقاصه او بعده
وذلك عند وصولها الدائرة نصف النهار اعني الى المنتصف

مابين المشرق والمغرب ومعلوم انها في هذا الوقت
بالنسبة الى سكان الاقاليم مختلفة الاوضاع فقد تكون
ح جنوبية عن سمت راس سكان بعض الاقاليم وقد
يكون شمالية وقد تكون مسامتة لرؤسهم في الاولين
لا بعدم الظل في منتصف النهار بل يكون ذلك الوقت
وقتا قصر حتى الى الشمال اولى الجنوب وهذا
انما اذا يكون شروعها في الزيادة اول وقت الزوال
وفي الثالث بعدم بالكلية ويكون اول ظهوره
اول وقت الزوال وظل الشاخص قبل الزوال يسمى
ظلا وبعده يسمى فيئا من فاء اذا رجع لرجوعه الى ما
كان عليه من قبل شيئا فشيئا وعند وقت فضيلة
الظهر من الزوال الى ان يصير الفيء مثلي
بعد الزوال وبالشاخص وقت فضيلة العصر
الى ان يصير مثليه ويستحب التاخير كل من الفريضتين

عن اول

عن اول وقتها بمقدار ما يصلي فيه نافلتها ومن لا
يصلي النافلة فلا ينبغي له التاخير عن اول وقت
الفضيلة والمشهور ان وقت نافلة الظهر وتسمى
صلوة الاوابين من الزوال الى ان يصير الفيء من اي
بمقدار سبع الشاخص اذ الغالب ان قامة كل
شخص سبعة اقدام باقدامه ووقت النافلة
العصر ويسمى السبحة من الفراغ من الظهر الى ان يصير
الى اربعة اقدام وبعض على اشكال على امتداده
بامتداد وقت فضيلة الفريضتين ونافلة الظهر الى
ان يصير الفيء مثل الشاخص ونافلة العصر الى ان
يصير مثليه وهو غير بعيد وفي الاخبار المعتبرة دلالة
عليه بل في بعضها ما يدل بظاهره على ما فوق هذه
التوسعة كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب باسناد
صحيح عن الصادق عليه السلام انه قال صلوة النوافل

بمنزلة الهدية مني ما اوتي بها قبلت فقدم منها
ما شئت واخر ما شئت لكن لا اعلم ان احدا من
علمائنا قدس الله ارواحهم عمل بما تضمنه الخلاف
هذه الرواية من التوسعة في التقديم والتاخير
ولعل المراد بالتقديم الاداء وبالتاخير القضاء
والله اعلم والمشهور بين علمائنا قدس الله ارواحهم
انه لا يجوز التعويل على الظن بدخول الوقت
الا مع عدم القدرة على تحصيل العلم فلا يجوز
التعويل على اخبار المؤذن العدل الواحد بل ولا على
اذان البلد وان كان المؤذن عدلا الا مع العجز عن
العلم وظاهر كلام المحقق في المعتبر جواز التعويل على
اذان العدل الواحد اما لاخبار العدلين او اذانهما
فالظاهر جواز التعويل عليه وان قدر على العلم لان
العلم الشرعي يحاصل به ويبنغي لمن لم اعتنا ما مر

النوافل واهتم بادراك فضيلة اول الوقت ان
يكون قاعدا في داره او على سطحه صوب استقبا
منصوبا في مكان مستوى ولكن منتصبا غير مائل
الى جهة مشرفا باسباع فاذا انتهى ظله الغاية
النقصان وابتدا الزيادة أو زيادة او في الحدود
فليشرع في نافلة الزوال ان كان ممن وفقه الله تعالى
لسعادة القيام بالنوافل او في اداء الظهر في اول
وقتها ان كان محروما من تلك السعادة وينتقد
الفي فاذا صار بعد ربع الشاخص ومثله على
الخلاف تحقق المستفل خروج وقت نافلة الظهر
وان لم يكن حينئذ قد اكمل منها ركعة تركها ان
واشتغل بالفرض وان كان قد اكملها وذلك
بان يكون قد فرغ من ذكر سجودها والثاني
وان لم يرفع راسه منه راجعا بالسبع الباقية الفرض

والاظهر ان الست اداء وان الثمان فى حكم صلاة
واحدة ثم يصلى الظهر ويقعد التى بعدها فان
لم يبلغ اربعة اسباع الشاخص او مثليه على ما مر
فليشرع فى نافلة العصر وان بلغه علم خروج وقتها
ويكون حاله فى تركها ومراعاة الفرض كحاله فيما
سبق هذا فى غير الجمعة وفيها يزيد على الثمانيتين
اربعا ويأتى من العصرين بثمانية عشر قبل الزوال
ثلاثا فى الانبساط للارتفاع والقيام والاخيرين
بعد فصل اول ما تفعله عند تحقق الزوال ان
تقول ما رواه رئيس المحدثين فى الفقيه ان الباقر
عليه السلام قال لمحمد بن مسلم وقال له حافظ عليه كما تحافظ
على عينيك وهو سبحان الله ولا اله الا الله والحمد
لله الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك
ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا

ثم بادر

ثم بادر الى الوضوء ثم يشرع فى نافلة الزوال وهى
الركعتين الاوليين وتأتى بالتكبيرات السبع
ادعيتها على النحو الذى تقدم ذكره فى الباب
الاول ثم تعوذ من الشيطان الرجيم وتقرأ بعد
الفاتحة فى الركعة الاولى التوحيد وفى الثانية
الجحد كما رواه ثقة الاسلام فى الكافى بسند حسن
ثم تسلم وتأتى بالتكبيرات الثالث وتسبح الزهراء
عليها السلام ثم تقول اللهم انى اصفيك فقوتى فى
رضاك ضعفى وخذ الى الخير بناصيتى واجعل
الايمان منتهى رضاى وبارك لى فيما قسمت لى
وبلغنى بن تحمد ذكل الذى ارجو منك واجعل
لى ودا وسرورا المؤمنين وعمدا منك تقضى
ركعتين كذلك سوى التكبيرات الافتتاحية
واد عيتها ثم اخرين مثلهما وتأتى بعد كل ركعتين

والدعا المذكورين وبعدا كمال الست ركعات تسع
توابعها تقوم وتؤذن للظهر وتفصل بين الاذان
والاقامة بركعتين على ذلك المنوال وهما ان الركعتان
هما السابعة والثامنة من نافلة الظهر ثم يقوم ويقول
بعد الاقامة اللهم رب هذه الدعوة التامة
والصلوة القائمة بلغ محمدا صلى الله عليه وآله
الدرجة والوسيلة والفضل والفضيلة يا الله
اشفع لي بالله اشفع لي بمحمد صلى الله عليه
الى انوجه اللهم صل على محمد وآل محمد و
اجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن
المقربين ثم اشتغل بصلوة الظهر مراعيا ما
راعيته في صلوة الصبح من الاعمال وخافت في
القراءة بما عدا البسملة وقراءة في الركعة الاولى
سورة الاعلى والشمس وما شابهما في الطول كما

رواه

رواه شيخ الطائفة في التهذيب عن الصادق عليه
السلام بسند صحيح وانه قرء من التشهد الاول اتيا
بما مر عند ذكره وذهبك الى ثانية الصبح وقراءة الحمد او
سبح التسبيحات الاربع ثلثا مضيفا اليها الاستغفار
ثم تكبر للركوع رافعا كفيك كما مر وتركع وتسجد
على قياس ما مر ثم انهض واتت بركعة اخرى كذلك
ثم تشهد وسلم ثم تكبر التكبيرات الثلث ثم تقول
لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون الى
آخره ثم تسبح تسبيح الزهراء عليها السلام وتاتي بما
شئت مما قدمنا وفي تعقيب صلوة الصبح سوى الاذكار
المختصة بتعقيب الصبح والادعية المتضمنة لذكر
الدخول في الصباح كالادعية الثلثة الاخيرة
وتقول يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ
بالجريرة ولم يهتك الستر يا كريم العفو يا عظيم المن

يا حسن الصفاء وذيا واسع المغفرة يا باسط اليدين
سابع بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل
شكوى يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربناه
يا ربناه يا ربناه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاه
يا غايتاه رغبتاه يا ذا الجلال والإكرام أسئلك
وآل محمد بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد و
علي والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام
الله عليهم اجمعين ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تكشف كربي وتغفر ذنبي ونفسي همتي و
تفرج غمي وتصلح شأني وفي ديني ودنياي وان
تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا
تفعل بي ما أنا أهله بل عاملني بما أنت أهله يا أرحم الراحمين
يا مقيل يا سامع كل صوت يا جامع كل

يا بارئ

يا بارئ النفوس بعد الموت يا باعث يا وارث
يا إله الآلهة يا جبار الجبابرة يا مالك ملك
الدنيا والآخرة يا رب الأرباب يا ملك الملوك
يا طائر ذا العرش الشديد يا سديد يا مجيد
يا فعالا لما يريد يا محصي عدد الأنفاس ويا مقيل
الأقدام يا سريعا حسابه عجل فرجه أسئلك بحق
حجتك من خلقك وبحقهم الذي أوجبت
لهم على نفسك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تمن الساعة علي بيمكان نقتبس من النار
وان تجعلني لوليك وابن وليك الداعي اليك بإذنك
واميينك في أرضك وحجتك في عبادك وتحجرني
على خلقك عليه صلواتك وبركاتك اللهم
أيده بنصرك وقوه بحاضريه وصيرهم واجعل
لهم منه لدنك سلطانا نصيرا وعجل فرجه

وبكتنه من اعدائك واعدائ رسولك بارحم الراحمين
وتقول اللهم رب السموات السبع ورب الارضين
السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب
العرش العظيم ورب جبرئيل وميكائيل و
اسرافيل ورب النبيين المنذرين والقرآن العظيم
ورب محمد خاتم النبيين صل على محمد وآل محمد
باسمك العظيم الذي به تقوم السموات و
الارض وبه تحيي الموتى وتبعث الاحياء و
تفرق بين الجمع وتجمع بين المتفرق به احص
عدد الرمال ووزن الجبال وكيل البحار
اسئلك بامرك هو كذلك ان تفعل على محمد
وآل محمد ان تفعل به كذا وكذا وتسئل
حاجتك ثم تسجد سجدتي الشكر وتقول
فيها وبعدها ما مر في الباب الاول ثم تصلي بعده

مر اعلاه

من اعلاه ما يتعلق بصلوة الظهر تقوم الى نافلة العصر
ويحرم بالواحدة الاولى من دون الاتيان بما
في التكبيرات الست الافتتاحية وانه لا يؤتى
بباقي شيء من النوافل المرتبة الا في اربع اولى نافلة
الزوال واولى نافلة المغرب والوتيرة واولى صلوة
الليل وهي فريضة الوتر وكذا توابعه بعض الاصحاب
والاظهر استحباب الاتيان بها في جميع الصلوة وفرضها
ونفلها كما قال شيخنا في الذكرى لاطلاق الروايات
ويقرأ في نافلة العصر ما شاء من السور والاولى
ان تقرأ فيها وفي غيرها السور المرغب فيها من ائمة
الهدى عليهم السلام ويختار منها ما لا يخرج
الوقت بقراءتها وقد روي عن الباقر عليه السلام
من قرأ سورة الصف في فرائضه ونوافله بعثه الله
مع عيسى بن مريم عليه السلام وعنه عليه السلام

نخباب

وآل محمد

اعلم

من اول من قراءة سورة ق وفي فرايضه ونافله ومن الله
عليه رزقه واعطاه كتابه بيمينه وحاسبه
حسابا يسيرا وعنه عليه السلام انه قرأ
سورة الحاقة في الفرايض والنوافل لان ذلك
من الايمان بالله ورسوله ولن يسلب قارئها
دينه حتى يموت ويجد فراغك من الركعتين
الاوليتين تقول اللهم انك لا اله الا انت الحي
القيوم العلي العظيم الحليم الكريم الخالق
الرازق الفراق المحيي المميت البديء البديع
لك الحمد ولك المن ولك الكرم ولك
الجود ولك الامر والحمد ولا يبرأ لك
يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة
ولا ولدا صل على محمد وآله وافعل بي كذا وكذا

ثم تصلي

ثم تصلي ركعتين تقول بعدهما اللهم رب السموات
السبع الى آخره ثم تصلي ركعتين تقول بعدهما اللهم
اني ادعوك بما دعاك به عبدك يونس اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في
الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فاستجبت له ونجيته من الغم وكذلك تنجي المؤمنين
فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا
عبدك وسألك وهو عبدك وانا اسألك وانا
ادعوك اسألك وانا عبدك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك
بما دعاك به عبدك ايوب اذ مسه الضر فدعاك
اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت
له وكشفت ما به من ضر وآتيته اهله ومثلهم
معهم فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك

وأنا عبدك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تفرج
عني كما فرجت عنه وأن تجيب لي كما استجبت
له وأدعوك بما دعاك به يوسف إذ فرقت بينه
وبين أهله وإذ هو في الجب فإنه دعاك وهو
عبدك وأنا أدعوك وأنا عبدك وأسألك وهو
عبدك وأنا أسألك وأنا عبدك أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تفرج عني كما فرجت عنه وأن
تجيب لي كما استجبت له فصل على محمد وآل محمد
وافعل بي كذا وكذا وتذكر حاجتك ثم تصلي
الركعتين الأخيرتين وتقول بعدهما يا من أظهر الجميل
وستر القبيح الخ وبعد فراغك من ذلك تؤذن
للعصر وتفصل بين الأذان والإقامة بجهدك و
تدعو بما مر في الصبح والظهر ثم اشتغل بصلوة العصر
مراعيا لجميع الآداب السابقة وتقرأ في الركعة

الأول

الأولى إذا جاء نصر الله والفتح والهيكم التكاثر و
نحوها في القصر كما رواه الشيخ الطائفة في التهذيب
عن الصادق عليه السلام بسند صحيح وبعد فراغك من
الصلوة تعقب بما عقبت به في الظهر سوى ما يختص بها
ويزيد بعد ذلك ما يخص بالعصر أستغفر الله الذي
لا إله إلا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذا الجلال
والإكرام أسأله أن يتوب علي توبة عبد
ذليل خاضع فقير بائس مستكين مستجير لا يملك
لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا
نشورا اللهم إني أعوذ بك من فقر لا ينجع ومن
دعاء لا يسمع ومن علم لا ينفع ومن
صلوة لا ترفع ومن دعاء لا يسمع اللهم إني
أسألك اليسر بعد العسر والفرج بعد الكرب و
الرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنك

وبحمدك لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك
ويستحب الاستغفار بعد صلوة العصر سبعين
مرة وفي اربعين سورة القدر عشر مرات تقدر وعن الصادق
عليه السلام انه قال من استغفر بعد صلوة العصر
سبعين مرة غفر الله له سبعمائة ذنب وعن ابي الحسن
الثاني ع انه قال من قرء انا انزلناه في ليلة القدر
عشر مرات بعد العصر مرت له على مثل اعمال الخلائق
في ذلك اليوم ثم اسجد سجدة الشكر وادع فيهما
وبعدهما بما شئت ولكن اخر ما تدعو به ان تقول اللهم
اني رجعت وجهي اليك واقبلت بدعائي عليك
راجيا الجابتك طامعا في مغفرتك طالبا ما
اوبت به على نفسك مستبحرا وعدك اذ تقول ادعوني
استجب لكم فصل على محمد وال محمد واقبل اني وجهك
وارحمني واستجب دعائي يا اله العالمين ترجع لا يا س

بيان

بيان ما لعله يحتاج الى البيان في هذين الفصلين
خذ الى الخير بناصيته اي امرك قلبي الى عمل الخيرات
وروحي الى القيام بوظائف الطاعات كالذي
يجذب بشعر مقدم رأسه الى عمل فالكلام استعارة
يا من اظهر الجميل وستر القبيح روي في تاويله عن
الصادق عليه السلام انه قال ما من مؤمن الا وله
سبعة في العرش فاذا اشتغل بالركوع والسجود ونحوهما
فعل مثل ما له مثل فعله تعبدا ذلك تراه الملائكة فيصلون
ويستغفرون له واذا اشتغل العبد بمعصية الله
تعالى على شماله ستر الملك تطلع الملائكة عليها فهذا
تاويل من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يواخذ
بالجريرة قد مر تفسير الجريرة في اخر تعقيب الصبح
والمراد يا من لم يعجل عقوبة المعصية في الدنيا اجلا
وكرما لعل العاصي يتوب منها فيسلم من عقابها

والصفح التجاوز عن الذنب والنجوى الكلام الخفي و
نفسر بها اي تربي عني منه وتزيله ولا تشوه خلقي
بالنار بالنون المعجمة والواو المشددة اي لا تقبح خلقي
بها يا جامع كل نزعة الى كل غاية وما بعده
اعني يا باري المنفوس اي خالقها ومعيدها
كالنشيد له يا بطاش يا البطش لشديد البطش
على هذا المعنى وه والبطش على المعنى ويمكن حمل
البطاش على هذا المعنى وه والبطش على المعنى
الاول وخيرتك من خلقك قدم تفسيره في
اخر تعقيب الصبح ورب السبع المثاني هو سورة الفاتحة
ولتسميتها بذلك وجوه ذكرناها في تفسير الموسوم
بالعروة الوثقى فيها انتهى في كل صلوة مفروضة
واما صلوة الجنازة فهي صلوة مجازية عندنا اذ
لا صلوة الا بطهور ولا صلوة الا بفاتحة الكتاب

وبها

وبها اشتمال كل من اياتها السبع على الثناء على
الله سبحانه وبها الفاتحة وقد نحى نزولها قوم بمكة حين
فرضت الصلوة الصلوة واخرى بالمدينة حين حولت
القبلة ولا يرد ان تسميتها بالسبع المثاني كان بمكة
قبل تثنية نزولها بالمدينة فان قوله سبحانه ولقد
آتيناك سبعا من المثاني من سورة الحجر وهي مكية
لجواز ان يكون جل شانه سماها بذلك من قبل
لعلمه بان ستثنى نزولها فيما بعد البديع البديع
المبدئ المبدع الموجد لما سوا من كتم العدم
والبديع اي المبدع الخالق الخلاق لا على مثال سابق
كما يقال لمن صنع امرا لم تسبق الى مثله انه ابتدعه
وقد تقدم في تعقيب الصبح عجزت الاعادي عن
بديع السموات والارض وذكرنا هناك ان بعضهم
توقف في مجيء فعيل بمعنى مفعل ويجعل ذلك العبارة

من قبيل الوصف بحال المتعلق ولا يخفى ان عدم انصرافه
نعيل هنا يقتضي حمله على معنى مفعل فينبغي عدم التوقف
بعد ورود ذلك في الادعية المأثورة والاسماء
التوقيفية التعيين واذ ذهب مغاضبا المراد والله
اعلم انه ذهب مغاضبا لقومه لانه دعاهم
الى الايمان فلم يؤمنوا فظن ان لن نقدر عليه الظن هنا
بمعنى العلم ولن نقدر عليه اى لن نضيق عليه رزقه
والقدر الضيق وقد ذكرنا في وجه تسمية ليلة القدر
ان الملائكة ينزلون من السماء الى الارض في تلك
الليلة فيضيق الارض بهم ومنه قوله تعالى واما اذا ما
ابتليه ربه فقدر عليه رزقه اى ضيق والمراد والله
اعلم ان يونس على نبينا عليه السلام علم انا لا نضيق عليه
رزقه اذا خرج عن وطنه وقومه والبائس الشديد
الحاجة وكذا المسكين فصل قد مر ان النهار

ومنقسم

ومنقسم الى اثني عشر ساعة كل واحدة منها
منسوبة الى واحد من الائمة الاثني عشر ولكل منها
دعاء يختص بها وقد ذكرنا ادعية الساعات الاربع
المنسوبة الى الائمة الاربعة عليهم السلام ونقول هنا
واما الساعة الخامسة فهي من زوال الشمس الى
مضي مقدار اربع ركعات وهي للباقر عليه السلام
وهذا دعاؤها والاحسن ان تدعوا به بعد الركعة
الرابعة من نوافل الزوال اللهم انت الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم هو الاول والاخر والباطن
والظاهر وهو بكل شيء عليم فالق الاصباح
وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك
تقدير العزيز العليم يا غالبا غير مغلوب ويا

ناهذا لا يخيب يا قريب يا مجيب ذلكم الله ربي
لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه أنيب أنت لكل
الهمك تذكرة الطالبين وأخضع بين يديك خضوع
الراغبين وأسألك سؤال الفقير المسكين وأدعوك
وأسألك تضرعا وخفية أنك لا تحب المعتدين
وأدعوك خوفا وطمعا إن رحمتك قريب من
المحسنين وأتوسل إليك بحبيبك وصفوتك من
العالمين الذي جاء بالصدق وصدق المرسلين
محمد عبدك ورسولك النذير المبين وبوليك
وعبدك علي ابن أبي طالب أمير المؤمنين و
بالأئمة محمد بن علي باقر علوم الأولين والآخرين
والعالم بتأويل الكتاب المبين وأسألك بمكانهم
عندك وأقدمهم أمامي وبين يدي حوائجي أن
تؤتيني كل ما أوليتني من نعمك وتجعل لي

فرجا

فرجا ومخرجا من كل كرب ونجح ونزه قضى
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب و
تيسر لي من نضال ما تخافني به عن كل مطلب
وأقذف في قلبي رجاك وانقطع رجائي مني
سواك حتى لا أرجو إلا إياك إنك تجيب الداعي
إذا دعاك ويعفو المكروب إذا ناداك وأنت
أرحم الراحمين وأما الساعة السادسة فهي تقضي
مقدار أربع ركعات من الزوال إلى صلوة الظهر
وهي للصادق عليه السلام وهذا دعاؤها وحسن
أن تدعو به بعد السادسة من أفلة الزوال
اللهم أنت أنزلت الغيث من رحمتك وعلى الغيث
بمشيتك ودررت الأمور بحكمتك وذللت الصعاب
بعزتك وأعجزت العقول عن علم كيفيتك وحجبت
الأبصار عن إدراك صفتك والأوهام عن حقيقة

معرفتك واصفرت الأنامل إلى الأقرباء بتحلك
يا من يرحم العبرة ويقيل العثرة لك العزة و
القدرة لا يعزب عنك شيء في الأرض ولا في السماء
يتقال ذرة أتوسل إليك بالنبي الأمي محمد رسولك
العربي المكي المدني الهاشمي الذي أحرز بثنائه
من الطامات إلى النور وبأمير المؤمنين علي بن
أبي طالب عليه السلام الذي شرحت بولايته
الصدور وبالإمام جعفر بن محمد الصادق في
الأخبار المؤمن على مكنون الأسرار صلى الله
عليه وعلى أهل بيته بالعشي والإبكار اللهم
إني أسألك بهم وأستشفع بهم إليك وأقدمهم
أمامي وبين يدي حوائجي فأعطني
الفرج الهنيء والمخرج الوحي والصنع القريب
الأمان من الفزع في اليوم العصيب وأن تغفر لي

موبقات

موبقات الذنوب وتستر على فاضحات العيوب
فأنت الرب وأنا المربوب وأنا الطالب وأنت
المطلوب وأنت الذي يذكرك تطمئن القلوب
وأنت الذي تفرج بالحق وأنت علام الغيوب
يا أرحم الأكرمين يا خير الناصرين ويا خير
الفاصلين ويا أحكم الحاكمين ويا أرحم الراحمين

صلوة ٣

وأما الصلاة السابعة فمن الظهر إلى المغرب مقدار أربع
ركعات قبل العصر وهي للكاظم عليه السلام
وهذا دعاؤها اللهم أنت المرجو إذا اشتد الأمور
أنت المدعو إذا استمر الضر ومجيب المضطر
والمبتهل من طامات البر والبحر ومن له الخلق و
الأمر والعالم بوساوس الصدور والمطلع على
خفيات السرائر غاية كل مخوف ومنتهى كل
شكوى يا من له الحمد في الآخرة والأولى يا من

خلق الأرض والسموات العلى الرحمن على العرش
استوى له ما في السموات وما في الأرض وما بينهما
وما تحت الثرى وإن تجهر بالقول فإنه يعلم
السر وأخفى الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى
أسألك بمحمد خاتم النبيين خير بريتك ومن خلقت
وألفت ومن على أداء رسالتك وبأمير المؤمنين علي
ابن أبي طالب عليه السلام الذي جعلته ولايته
مفروضة مع ولايتك ومحبته مقرونة برضاك
ومحبتك وبالإمام الكاظم موسى بن جعفر عليهما
السلام الذي سألك أن تفرغه لعبادتك وتخليه
لطاعتك فأجبت دعوته أن تصلي على محمد
وآل محمد صلوة تقضي بها علينا واجب حقوقهم وتعفو
بها في أداء فروضهم وأتوسل إليك بهم وأستشفع
بمنزلتهم وقدمتهم أمامي وبين يدي حوائجي أن

تجزي

تجزي على جميل عوائدك وتحفني جزيل فوائدك
وتأخذ بسمعي وبصري وسري وناصيتي وقلبي
ورويتي وكبتي إلى ما تحبه وترضاه علي هواك ولقربتي
من أسباب رضاك وتوجب لي نوافل فضلك
وتسديم إلى مناهج طولك يا أرحم الراحمين
ويح قال الأصمعي أي شاق عود القبح عن طلعة
الليل قدر في تعجب القبح وحامل الليل سكنا
بفتح أوله وثانيه أي موجبا للسكون والراحة من
التعب والشمس والقمر حسبانا أي يجب بقدرتها
لا دمنة والدمنة أبيت بالنون ثم الياء المثناة التحتانية
أي ارجع بالتوبة وأقذف في قلبي رجاك أقذف
بالقاف والذال المعجمة من القذف وهو الرمي يا من
يرحم العبر بفتح العين المهملة وإسكان الباء الموحدة
الدمعة أو بزة البكاء في الصدر لا يعرب بالعين

المهملة والزاى على وزن يقعد اى لا يغضب واعطنى
الفرح الحقنى اى الذى ليس فيه تعب والمروح الوحى
الحاء المهملة وتشديد الياء اى السريع والضنح القريب
بالضاد المهملة المضمومة والنون الاحسان والبوء
العصيب بالعين والضاد المهملتين والباء الثناة التحتانية
والباء الموحدة اى الشديد العصب وهو يبتدأ الذى
بالباء الموحدة والقاف اى مبتدأ انها من اضافة
الصفة الى الموصوف ان تجزينى على جميل عوائدك
بالجيم والزاى المهملة اى تجعلنى جازيا على ما عودتنى
عليه من احسانك وتمنحنى اى تعطينى من المنحة
وهى العطية وتوجل لى نوافل فضلك بجيم فنون فلام وهى
العطية ومنايح طولك بمنايح بالنون والياء الثناة
التحتانية جمع منحة والطول بفتح الطاء يراد به الاحسان

فصل واما الساعة الثامنة فمن مضى اربع ركعات

قبل العصر

قبل العصر الى صلوة العصر وهى المرضا عليه السلام
يقول فيها اللهم انت الكاشف للملمات والعالم
للمهمات والمفرج للكربات والسامع للدعوات
والمجرج من الظلمات والمجيب للدعوات الراجح
للعبرات جبار الارض والسموات يا ولى يا مولى
يا على يا اعلى يا كريم يا اكرم يا من له الاسم
الاعظم يا من علم الانسان ما لم يعلم فاطر
السموات والارض وهو لا يطعم اسئلك
بمحمد المصطفى من الخلق المبعوث بالحق وبامير
المؤمنين الذى اوليته فاتبعته شاكرا وابتليته
فوجدته صابرا وبالامام الرضا على بن موسى
الذى اوفى بعهدك ووفق بوعدك واعرض عن
الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب عن زينتها وقد
رغبت فيه ان تصلى على محمد وآل محمد فقد اوصلت

بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
ان تهديني الى سبل مرضاتك وتيسر لي اسباب
طاعتك وتوفقني لاتباعها وزلفة من والاك وولايا
واذا رأيت الخطوة من معاداتك تغشى
على ادائه فروضك واستعمال سننك وتوفقني
على الحجة المؤدية الى العتق من عذابك و
الفوز برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
من صلوة العصر الى ان تمضي ساعتان وهي الجواد
عليه السلام وهذا دعاؤها اللهم يا صاحب الاوان وخالق
الليل والنهار تعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار
اذا شئت ثم اذا طرح عليك واذا اغلقت الابواب
فرأيت فضلك واذا ضاقت الحاجات فرجع
الى سعة طولك واذا انقطع الامل من الخلق الا

مثل اصفرار الشمس للهادي عليه السلام دعاء آخر

اللهم انت الولي الحميد الغفور الودود المبدئ
المعيد ذو العرش المجيد الفعال
لما يريد يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا من
هو على كل شيء شهيد يا من لا يحفظه عفران
الذنوب ولا يكبر عليه الصفح عن العيوب اسألك
بجلالك وجهك الذي ملأ اركان عرشك
وبقدرتك التي قدرت بها على خلقك وبرحمتك
التي وسعت كل شيء وبقوتك التي وضعت لها
كل قوي وبعزتك التي ذل لها كل عزيز و
بمشيتك التي ضعضعت لها كل كبير وبسؤالك
الذي رحمت به العباد وهديت به الى سبيل
الرشاد وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب اول من
امن برسولك وصدق الذي ولي بما عاهد عليه

وتصدق

وتصدق بالامام الخير علي بن محمد عليه السلام الذي
كفيت حيلة الاعداء وانهم عجب الاية
اذ توسلوا به في الدعاء ان تصلي على محمد وآل محمد
فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين
يدي حوائجي وان تجعلني من كفايتك في حرز
حريز ومن كلائتك تحت عز عزيز وتوزعني
شكر الآئك ومننك وتوفقني للاعتراف بآلائك
وتفعل يا ارحم الراحمين ويسمى الكاشف للبليات
بضم الميم الاولى وتشديد الثانية وكسر اللام بينهما
الشدائد والمصائب الواحم المعبرات بفتحتين جمع عبرة
بالسكون وقد مر تفسيرها عفريت عباد الارض و
السموات الجبار هنا بمعنى القهار المتسلط ولا يوصف
بذلك غيره تعالى الاعلى سبيل الذم يطعم ولا يطعم اي
يرزق ولا يرزق الذي اوليته اي انعمت عليه

السبل بضمتين جمع سبيل وهو الطريق الابتغاء الزلفة
اى لطلب القرب وادراك الحظوة بالجاه المهملة
الساكن الفسحة والفلاة البهمة اى بلوغ المرام وتوفيقه على
للحجة اى تجعلنى واقفا عليها وهى جادة الطريق وما
تغيض الارحام اى ما تنقص مدة حملها من غامض
الماء اذا نقص عن الشيء الاواب هو بالتشديد بمعنى
كثير الرجوع ووصفه صلى الله عليه وآله بذلك
اما لانه كثير الرجوع الى التسبيح والتقديس اوالى الوقت
الذى لا يسعه معه ملك مقرب ولا نبى مرسل الكوم
النصاب بالنون والصاد المهملة بمعنى الاصل الذى
سئل موفقته لرد الجواب فيه اشارة الى ما نقله
الخاصة والعامة من ان المامون ركب يوما للصيد
ثم بعض ازقة بغداد على جماعة من الاطفال فخافوا
وهربوا وتفرقوا وبقى منهم واحد فى مكانه فقدم

اليه

اليه المامون وقال له كيف لم تهرب كما هرب اصحابك
فقال لان الطريق ليس ضيقا فيسع بدهلزه ولا الى عندك
ذنب فاخافك لاحمله فلما سمع شيئا هرب فاعجب
كلامه المامون فلما خرج الى خارج بغداد ارسل
صقرة فارتفع فى الهواء ولم يسقط على الارض حتى
رجع وفى منقاره سمكة صغيرة فتعجب المامون من
ذلك فلما رجع تفرق الاطفال وهرب الا ذلك الطفل
فانه بقى فى مكانه كما فى المرة الاولى فقدم اليه المامون
وهو ضاحك كفه على السمكة وقال له قل اى شيء فى يدى
فقال عليه السلام ان الغيم حين يأخذ من ماء البحر
يأخذ معه سمكا صغارا وتسقط منه فتصطادها صقور
الملوك فيمتحنون بها سلالة النبوة فاندهش لذلك
المامون وقال له من انت فقال انا محمد بن على الرضا
وكان ذلك بعد واقعة الرضا عليه السلام وكان

عمره عليه السلام في ذلك الوقت احد عشر سنة وقيل
عشرة فزوجه المأمون عن رضاه وقبل راسه وتذلله
ثم زوجه ابنته وامتحن فعضدته بالتوفيق والصون
عضدته بالعين الحافظة والقلب الحجة الى تمامه وفي
هذه الفقرة اشارة الى ما اشتهر من ان المأمون
لما اراد ان يزوجه ابنته ام الفضل قال له على رؤس
انه صغير السن لم يتعمق في العلم فاتركه ليكتسب ما
يحتاج اليه من العلم ثم افعل ما بدا لك فقال له ان
ان علم هو الآله لدني لا اكتسبه فان اردتم ان تعلموا
صدق مقالتي فاسألوه عما شئتم ثم عقد المأمون مجلسا
عظيما لاجتماع العقد وحضر العلماء واكابر بني
العباس كلا في مرتبته وجلس الجواد عليه السلام
وجلس ع في صدر المجلس هو بين يديه ثم قال سلوه ما شئتم
فتقدم يحيى ابن اكثم القاضي وقال له ما يقول ابن

رسول الله

رسول الله في محرم فتل صيدا فقد عليه السلام فداه
في حل او حرم محلا او محرما عالما او جاهلا عمدا
او خطأ حرا او عبدا صبيا او معيدا ارأيت ان رميه
برمية من الطيور او من غيرها من صغار الصيد او
من كباره فتصير بحيى بن اكثم وتحير ولم يدر ما
يقول فقال عليه السلام بين لي الجواب في جميع
هذه الشقوق فقال المأمون الامر علمتم صدق
مقالتي ثم قام وخطب ثم قال الحمد لله الذي قد رزقت
ابنتي ام الفضل محمد ابن علي بن موسى بن جعفر بن محمد
بن علي بن الحسين بن علي ابن ابي طالب فوالله لو
تليت هذه الاسماء الشريفة على صخرة لتفلقت لا
تفلقت هذا ولا يخفى عليك انه يجوز ان يجيء كل
من هاتين الفقرتين على احد هاتين الروايتين لا
تكبر الباء الموحدة الضمومة اي لا يصعب الذكر به

حيلة الاعداء فيه اشارة الى ما روى اصحاب السير
من الخاصة والعامة من ان المتوكل لما بعض البحرة
ان يعمل ما يوجب جعل الهادي عليه السلام فلما كان
الساحر فعل ذلك اشار عليه السلام الى صورة اسد
منقوشة على بعض وسائد المتوكل وامرها فوثبت
الساحر فصارت باذن الله اسدا واغرست الساحر
ثم عادت الى ما كانت وارتهم عجيب الآية اذا توسلوا
به في الدعاء المراد بالآية المعجزة وقد ذكر بعض مشايخنا
ان في هذه الفقرة اشارة الى ما روى من ان المتوكل اراد
الانتقام من شانه عليه السلام فركب الى مكان عينه
وامر جميع الامراء والاشراف من بني هاشم وغيرهم
ان يمشوا اقدامه وعن جانبيه ولا يركب احد
منهم قطعا وكان قصده بذلك احتقار شانه عليه
السلام وانما امر الجميع بمشي لئلا يظن ان مقصوده انما

هو

هو الامام عليه السلام وكان يوما شديد الحر
وكان عليه السلام يتوكأ على عبده على
هذا تارة وعلى ذلك اخرى لما اصابه من التعب
والعرق فرأى بعض اصحاب الخليفة على تلك الحال
فقال ان هذا الحال ليس مختصا بك والخليفة
لم يقصدك بذلك دون غيرك فقال له الامام عليه
السلام والله ما اتاقه صلح باعز مني عند الله تعالى
تمتعوا في داركم ثلثة ايام ذلك وعد غير مكذوب
فلم يمض الا ثلثة ايام حتى قتل الخليفة في الليل
الرابعة وتشيع ذلك الرجل انتهى كلامه وانت
خبير بما تضمنه تلك الفقرة من توسل الاعداء به
عليه السلام في الدعاء والا تناسبه هذه القصة والذي
يناسب ذلك ان تكون فواتح سوره في الدعاء البعض
الامور كما تقدم وله المطلب مثلا موقع ما دعا به في

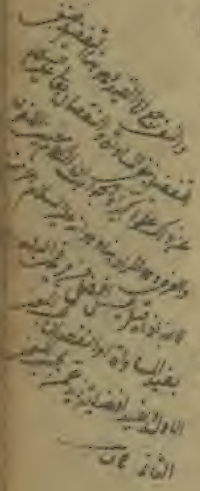

كما جرى للرضا عليه السلام مع المأمون على ما ذكره
رئيس المحدثين في عيون الاخبار والله اعلم بحقائق
الامور من كلاءتك اى من حفظك وحمايتك
واما الساعة الحادية عشر فمن قبل اصفرار الشمس الى
اصفرارها وهي للعسكري عليه السلام وهذا دعاؤها
اللهم انك منزل القرآن وخالق الانس والجان
وجاعل الشمس والقمر حسبانا المبتدئ بالطول و
الامتنان والمبتدئ بالفضل والاحسان وضامن
الرزق لجميع الحيوان لك المحامد والممادح
ومنك العوائد والمنائح واليك يصعد الكلم
الطيب والعمل الصالح وانت العالم بما تخفي الصدور
والجوانح اسئلك بمحمد صلى الله عليه وآله ورسولك
الى الكافة وأمينك المبعوث بالرحمة والرأفة
وبأمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام الفرض

طاعته

طاعته على القرب والبعد المؤيد بنصرك في كل
موقف منهوض وبالامام الحسن بن علي الذي
طرح الشباع مخلصته من مرابضها والتحمن بالذوائب
العقاب وذللت له مراكبها ان تصلي على محمد و
آل محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي
وبين يدي حوائجي وان ترحمني بالتوفيق لاتباع
مفاعيلك ما ابقيتني وتعينني على التمسك بطاعتك
ما احييتني وان تختم لي بالخيرات اذا توفيتني
وتفضل علي بالمبادرة اذا حاسبتني وتهب لي
العفو اذا كاشفتني ولا تكلني الى نفسي فاضل
ولا تحوجني الى غيرك فاذل ولا تعجلني ما لا طاقة
لي به فاضعف ولا تبتليني بما لا صبر لي عليه فاجزع
واجرني على جميع ما ابتليتني به عند حلوله ولا تواخذني
بسوء عملي ولا تسلط علي من لا يرحمني برحمتك يا ارحم

يا من توحد بعزه فرد صمدانيته يا من تعزز بقدرته
يا من سلك أهل طاعته مسالك إحسانه يا من أعان أهل محبته
جنبه والطف بهم يا سائلا نجيا وقريبا مجيبا
للتائبين أعدائك وأعداءه بهم ولايتك بقية الأئمة الصالحين محمد بن الحسن وأتضرع
الراجحين وأما الساعة الثانية عشر فرس اصفر النمس
الى عزوبها للحليف المحجة عليه السلام وهذا دعاء
اللهم يا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضوع
وزارق العباد والمطيع الذي ليس له سيد دونه
ولي ولا شفيع أسئلك باسمائك التي اذا سميت على
طوارق العسر عادت يسرا واذا وضعت على الجبال
كانت هباء منثورا واذا رفعت الى السماء فتحت
لها المغاليق واذا هبطت الى ظلمات الأرض انشرت
لها الضوائق واذا دعيت به الموتى انشرت من
القبور واذا نوديت بها المعدومات خرجت الى
الوجود واذا ذكرت على القلوب وجلت خشوعا
واذا قرعت الأسماع فاصت العيون دموعا أسئلك
بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات المبعوث بمحكم
الآيات وبأمير المؤمنين علي ابن أبي طالب الذي

اخترته

اخترته لمواساتك ووصيته واصطفيته لصفاتك
ومضاهرته وبصاحب الزمان المهدي المجمع على
طاعته الآراء المتفرقة والمؤتلف أهواء المختلفة
وتخلص به حقوقك الى أهلك وتقيم به سنتك
أعدائك وتملأ به الأرض عدلا وإحسانا وتوسع
على العباد بظهوره فضلا ومنا وتعيد
الحق الى مكانه عزيزا حميدا ومرجع الدين
على يديه غضا جديدا أن تصلي على محمد وآل محمد
فقد امتلأت بهم إليك وقد منهم أمامي
بين يدي حوائجي فأن تؤزعني شكر نعمتك
في التوفيق لعزيمته والهداية الى طاعته وتزيدني
قوة في التمسك بعصمته والاقتداء بسنته والكون
في زمرته إنك سميع الدعاء برحمتك يا أرحم الراحمين
جاعل الشمس والقمر حسبانا اي مقدرين

الذي

به بين الآ

منهما فى البروج والمنازل بحساب سعين لايجاز
انه لك المحامد والممادح اى كلها راجعة
اليك فانت المحمود والممدوح فى الحقيقة لانك
واهب كل قدرة واختيار لكل محمود وممدوح
ومنك العوائد بالعين المهملة جمع عائدة وهى
التعطف والاحسان والعوائد المنافع تقدم
تفسيرها فى اخر دعاء الساعة السابعة اليك
يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح قد تقدم
الصعود اليه جل شانه بالقبول والاية هكذا اليه
يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه وضمير رفعه
اما ان يعود الى العمل الصالح اى يتقبله كما هو المراد
فى هذا الدعاء واما الى الكلم الطيب اى العمل الصالح
يرفع الكلم الطيب وقيل هو من باب القلب اى الكلم
الطيب يرفع العمل الصالح والمراد من الكلم الطيب

ان يعود ٢

كلمة الشهادتين بما تخفى الصدور والجوانح بالجيم
والنون ما الى الصدر من الاضلاع الذى طرح
للتباع فخلصته من مرابضها بالبناء للمجهول والمراد
بالمرابض البياض المروحة والعضاد المحجة مواضع استقرار
الساع وقد ذكر اصحاب السير من الخاصة والعامة
ان مكان الخليفة فى سماء ابركة عظيمة مملوة
بالساع الضوارى تسمى بركة الساع وكان يلقى
من اراد قتله اليها فتفترسه فى اول واحد فامر اتباعه
بالقاء الحسن العسكرى عليه السلام فيها ليلا فلما
اصبح اوجدوه عليه السلام قائما يصلى سالما
من الساع وهى خاضعة حوله متواضعة لديه و
امتحن بالذوائب الشعاب امتحن بالبناء للمجهول وفى
هذه الفقرة اشارة الى ما شاع وذاع من انه كان
للخليفة بغل اسمه شموس لا يقدر احد على الجامه

لم على اسراجه ولا على ركوبه فجاء العسكري عليه
السلام يوما الى دويته الخليفة فقال له التمس منك
يا ابا محمد الحجام هذا البغل واسراجه فقام عليه
السلام ووضع يده على فخذ البغل فقصب عرقه و
صار في غاية النشاط فاسرجه عليه السلام والجمه
ثم ركبه واركضه في الدار فتعجب الخليفة مما راى
ووهبه للامام عليه السلام وتفضل عليه بالمياسرة
اذ الحاسبة تقضل فعل مضارع محذوف التاء
الاولى والمياسرة بالياء المثناة التحتانية فالسين
المهملة مفاعلة من اليسر والمراد المسامحة في الحساب
ولا تحملني ما لا طاقة لي به اي من عقوبات النار
التي هي فوق طاقة البشر وان اريد طلب عدم
التكليف بما لا يطاق فالمراد به ما فيه مشقة
وصعوبة زائدة او هو من تعميم البسيط الكلام مع

المحبوب

المحبوب ولا يصح كون مضروبه رافعا كما في قوله تعا
ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا والمهاد الموضع
المهاد بكسر الميم الفراش ويراد به الارض المبسوط
بحكم الايات قد يراد بالمحكم ما ليس فيه اجمال ويقابله
المتشابه غضا جديدا بالغين المعجمة والضاد المعجمة
المشددة اي طريا وجديدا كالتفسير الباب الجامع
فيما يعلم بين غروب الشمس الى وقت النوم اول وقت
المغرب على المشهور وذهاب الحمرة المشرقية وبعيد
وقت فضيلتها الى غيبوبة الشفق ووقت اجزائها الى ان
يبقى لانتصاف الليل قدر اداء الجامع العشاء فاذا تحقق
دخول الوقت تقول عشر مرات ما رواه زيد الحدين
في الفقيه بسند صحيح عن الصادق عليه السلام من
دعا لنوح على نبينا عليه السلام وما رواه فقه الرضا
في الكافي بسند صحيح ايضا عن الباقر عليه السلام

وقد مر ذكرها في الادعية عند طلوع الفجر تضع يدك
على راسك ثم تمرها على وجهك وتقبض على لحيتك
وتقول احطت على نفسي واهلي ومالي وولدي من
غايب وشاهد بالله الذي لا اله الا هو عالم
الغيب والشهادة الرحمن الرحيم الحي القيوم لا تاخذه
سنة ولا نوم الى قوله وهو العلي العظيم ولك الاقتصار
على احد هذه الادعية الثلثة وسيما ان خفت
ضيق الوقت ثم ينبغي المبادرة الى صلوة المغرب فان
المستفاد من الروايات المعتبرة عن اصحاب العصمة
سلام الله عليهم ان وقتها مضيق والروايات في ذلك
متظافرة كما رواه ثقة الاسلام في الكافي بسند صحيح
عن الصادق عليه السلام انه قال ان جبرئيل عليه السلام اتى
النبي صلى الله عليه وآله لكل صلوة بوقتين غير صلوة
المغرب في المجلس الثاني والستين من الامالي عن ابي اسامة

فان وقتها واحد ووقتها وجوبها وكما رواه [illegible]

قال

قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من اخر المغرب
حتى تشتبك النجوم فانا منه بريء وكما رواه شيخ الطائفة
في التهذيب بسند صحيح عن ذريح قال قلت لابي عبد الله
عليه السلام ان اناسا من اصحاب ابي الخطاب يمسون
بالمغرب حتى تشتبك النجوم فقال ابرا الى الله ممن فعل
ذلك متعمدا وكما رواه في التهذيب ايضا بسند صحيح
عنه عليه السلام انه قال ان جبرئيل عليه السلام
امر رسول الله صلى الله عليه وآله بالصلوات كلها
فجعل لكل صلوة وقتين الا المغرب فانه جعل لها
وقتا واحدا وقد ورد ايضا في الروايات المعتبرة
خروج وقتها بذهاب الشفق وعلى ذلك جماعة من
علمائنا وجعلوا ما بين الغروب وذهاب الشفق
وقتا للمختار وما بعدها وقتا للمضطر والاظهر ما
ذهب اليه المتاخرون من ان المضيق انما هو وقت

فضيلتها للاوقات اداؤها فيها فتجوز صلوة القضاء على
السلام عن اخرها الى اشتباك النجوم على من اعتقد
وجوب تاخيرها الى ذلك الوقت وينبغي عدم الاخلال
بالاذان والاقامة عندها فقد قال جماعة من علمائنا
كالسيد المرتضى رضي الله عنه وابن ابي عقيل وابن الجنيد
بوجوبهما فيها بل قال بعضهم ببطلانها بتعمد تركهما واذا
لذت فافصل بينه وبين الاقامة بسكتة او جلسة فقد
روى عن الصادق عليه السلام انه قال من جلس فيما بين
اذان المغرب والاقامة كان كالمتشحط بدمه في
سبيل الله وما قالا بين اذان المغرب واقامته اللهم
اني اسئلك باقبال ليلك وادبار نهارك وحضور صلواتك
واصوات دعواتك وتسبيح ملائكتك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تتوب علي انك انت التواب الرحيم
واما الفصل بينهما بالخطوة فمذكور في كتب الفروع وقال

شيخنا

شيخنا الشهيد في الذكرى انه لم يجد به حديثا و
تقول بعد الاقامة ما مر ثم افتتح الصلوة مراعيا للاذان
السالفة وتختار من السور في الركعة الاولى
سورة النصر والكافرون او ما شابههما في النصر كما رواه
شيخ الطائفة في التهذيب وفي الثانية التوحيد و
تعقب بعد الفراغ بالتكبيرات الثالث وتسبيح الزهراء
عليها السلام ثم تقول ثلث مرات ما رواه رئيس المحدثين
والفقيه عن الصادق عليه السلام الحمد لله الذي
يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره ثم تقوم الى
النافلة وان اجبت التطويل في التعقيب فالافضل
ان ترتاح بما زاد على ذلك بعدها ان اتسع الوقت
لذلك وقد روى ورد عن اصحاب العصمة سلام
الله عليهم الحث على نافلة المغرب فقد روى عن
الصادق عليه السلام انه قال الحرث بن المغيرة لا تدع

اربع ركعات بعد المغرب في سفر ولا حضر وان طالت
الخيل ويكره الكلام بينهما وبين المغرب وفي رواية
الحفاف عن الصادق عليه السلام انه قال لا بأس على
ذلك وروى ابن المحدثين في الفقيه عن الصادق
عليه السلام انه قال من صلى المغرب ثم عقب ولم يتكلم
حتى يصلي ركعتين كتبتا له في عليين فان صلى اربعا
له حجة مبرورة ولم يتذكر كراهة الكلام فيما بين الاربع
ويدل على كراهته رواية ابي الفوارس قال نهاني ابو عبد
عبد الله عليه السلام عن ان اتكلم بين الاربع التي
بعد المغرب وقد استدل العلامة في المنتهى بهذه الرواية
على كراهة الكلام بين المغرب وبينهما ووافقه شيخنا
في الذكرى على هذا الاستدلال وهو كما ترى واوقات
هذه الاربع الفراغ من الفرض واخره على المشهور
ذهاب الشفق ولا يزاحم بها العشاء سواء تلبس بها او لا

وربما

وربما قيل بامتداد وقتها الى ان ينبغي بعد المغرب
وقبل الانصاف مقدارا دائها وقد مال اليه شيخنا
في الذكرى لكن كلام العلامة طاب ثراه في المنتهى
يدل على اتفاق علمائنا على ان اخر وقتها غيبوبة
الشفق فلا عبرة بما ذكر عن الشهرة واذا فات وقتها فينبغي
قضاؤها لما مر في الرواية عن الصادق عليه السلام
قال رسول الله صلى الله عليه وآله ان الله يباهي
بالعبد يقضي صلوة الليل بالنهار ويقول يا ملائكتي
انظروا الى عبدي يقضي ما لم افترض عليه اشهدكم
اني قد غفرت له وقد روي فيهم عليهم السلام في تفسير
قوله تعالى والذين هم على صلوتهم دائمون اي يذكرون
على صلوة الليل ان فاتتهم بالليل قضوها بالنهار وان
فاتتهم بالنهار قضوها بالليل وينبغي عند الشروع فيها
ان يفتح الركعة الاولى بالتكبيرات السبع مع اعتبار الثلثة

وتقرأ فيهما بعد الحمد التوحيد ثلثا وفي الثانية القدر
وان شئت قرأت في الاولى بالجحد وفي الثانية التوحيد
وان اقتصرت على الحمد اجزأك كما في سائر الروايات
وينبغي الجهر بالقراءة فيهما وفي جميع النوافل الليلية وتقول
بعد فراغك من الاوليين اللهم انك ترى ولا ترى
وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى وان
لك الممات والمحيا وان لك الاخرة والاولى اللهم انا
نعوذ بك ان تبدل وجهي وتغيري وتأتي ما عنه تنهى الجنة
برحمتك ونستجيرك من النار بعفوك ونسألك
من الخير العين بعزتك وان تجعل اوسع رزقك علي
كبر سني واحسن عملي عند اقتراب اجلي واطل في
طاعتك وما يقربني منك ويحظى ويزلف لديك
عمري واحسن في جميع احوالي واموري معونتي ولا
تكلني الى احد من خلقك وتطول على بقضاء جميع

اللهم اني اسئلك
ان تصلي على محمد وآل
محمد واسئلك

صلك

حوائجي

حوائجي للدنيا والاخرة وبذا ابو الدنا وولدي
وجميع اخواني المؤمنين والمؤمنات اني جميع ما
سألتك لنفسي برحمتك يا ارحم الراحمين تمت و
بعد فراغك مما يفعل في الركعتين الاوليين من نافلة
المغرب شرع في الركعتين الاخيرتين وتقرأ في اولاهما
بعد الحمد واية سورة الحديد بسم الله الرحمن الرحيم
سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
له ملك السموات والارض يحيي ويميت وهو
على كل شيء قدير هو الاول والاخر والظاهر
والباطن وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق
السموات والارض في ستة ايام ثم استوى
على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج
منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها و
هو معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير

له ملك السموات والأرض وإلى الله ترجع الأمور
يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل
وهو عليم بذات الصدور وقرأ في الثانية
الحشر لو أنزلنا هذا القرآن على جبل
لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب و
الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي
لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات
والأرض وهو العزيز الحكيم وقنوت في السجدة
الأخيرة من هاتين الركعتين سبع مرات اللهم

اني

اني أسئلك بوجهك الكريم واسمك العظيم وملكك
القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ذنبي العظيم انه لا يغفر العظيم إلا العظيم واذا
فرغت من الركعات الاربع فلا مانع من اكمال
التعقيب بعض ما مر في تعقيب الصبح مما يدعى به في الصباح
والمساء كما نبهنا عليه هناك ثم ان امكن وقتك نادبه
عقيب نافلة المغرب هذا الدعاء بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد النبي المنذر السراج المنير العلم
الظاهر خاتم أنبيائك وسيد أصفيائك وخاتم
أحلائك ذي المقام المحمود والمنهل المشهود والحوض
المورود اللهم صل على محمد كما بلغ رسالاتك وجاهد
في سبيلك ونصح لأمتك حتى أتاه اليقين وصلى
آله الطاهرين الأخيار الأبرار الذين
انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم من خلقك وأنبتهم

على وحيك وجعلتهم خزان علمك وتراجمت
وحيك واعلام نورك وحفظة سرك وأذهبت
عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم افعل بنا مثل ذلك
واخصنا في ذكرهم وبحقهم لديهم ولا تفرق
بيننا وبينهم واجعلنا بهم عندك وجيها في الدنيا
والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم
يحزنون الحمد لله الذي اذهب الليل برحمته خلقا جديدا وجعله لباسا
وسكنا وجعل الليل والنهار آيتين لنعلم بهما
عدد السنين والحساب الحمد لله الذي على اقبال
الليل وادبار النهار اللهم صل على محمد وآله
واصلح لي ديني الذي هو عصمة امري واجرني في
اليقظة من كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء
والكفني

وأكفني امر دنياي واجرني بما كفيت به
اولياءك وخيرتك من عبادك الصالحين
واصرف عني شرها ووقني لما يرضيك
عني يا كريم آمين والملك لله الواحد
القهار وما في الليل والنهار اللهم اني وهذا
الليل والنهار خلقان من خلقك فاعصمني فيهما
بطوتك ولا تورطني فيهما بحوبة مني على معاصيك ولا
ركوبا لمحارمك واجعل حرسك عليهما مقبولا يسعني
مشكورا وسهل لي ما اخاف عسره واقض لي
فيه بالحسنى وامنعني بذكرك ولا تفتني عنه بنسيانك
ولا تشغلني بفرك ولا تحل بيني وبين حوائج ان تسهل
ولا تلجئني الى تعسف عبد ولا الى احد
من خلقك يا كريم اللهم صل على محمد وآل محمد
وافتح قلبي لذكرك حتى انجي وحيك واتبع امرك

واجب قضائك اللهم صل على محمد وآله ولا
تصرف عني وجهك ولا تمنعني فضلك ولا
تحرمني عفوك واجعلني أوالي أوليائك
أعادي أعدائك وارزقني الرهبة منك و
الرغبة إليك والتسليم لأمرك والتصديق
بكتابك واتباع سنة نبيك صلى الله عليه و
آله اللهم إني أعوذ بك من نفس لا تشبع وبطن
لا يشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة
لا ترفع وعمل لا ينفع ودعاء لا يسمع وأعوذ بك
من سوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة الأعداء
وجهد البلاء وغلبة العدو وأعوذ بك من الفقر
والكفر والعيلة وضيق الصدر وسوء الأمر
من بلاء ليس لي به صبر ومن الداء العضال وغلبة
الرجال وخيبة المنقلب وسوء المنظر في النفس

والولد

والاهل

والمال والولد وعندنا
معانيه الملك الموت واعوذ بالله من ان
سوء وجار سوء وقرين سوء وساعة سوء و
من شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل
من السماء وما يعرج فيها ومن شر طوارق الليل
والنهار الا طارقا يطرق بخير ومن شر كل
دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم فان يتولوا فقل حسبي الله وهو السميع العليم الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك
ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اني اسئلك بحق محمد
وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي
والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة
في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني

والوقار

بعد

استلقى

الشكر وتقول فيها وبعدها ما مر وافعل ما يجزي ان
تقول في كل منهما شكرا شكرا وقد روي فعلها
بعد نافلة المغرب وفي بعض الروايات فعلها قبلها وبعد
فراغك من ذلك وتقوم الى ركعتي ساعة الغفلة تقرء
في الاولى بعد الحمد وذا النون اذ ذهب مغاضبا
تظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
وفي الثانية وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو و
يعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا
يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا
يابس الا في كتاب مبين ثم تقنت وتقول اللهم اني
اسئلك بمفاتح الغيب التي لا يعلمها الا انت ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا

ثم تقول

يعلمها

ثم تقول اللهم انت ثقتي ورجائي فاكفني ما اهمني
حاجتي فاسئلك بحق محمد وآله عليه وعليهم السلام
لما قضيتها لي وتسئل حاجتك وقد روى هشام
بن سالم عن ابي عبد الله عليه السلام ان من صلى هاتين
الركعتين بين العشاءين ودعا بهذا الدعاء سئل الله
حاجته اعطاه الله ما سئل واعلم انه قد اشتهر
تسمية هاتين الركعتين بركعتي الغفيلة وبركعتي
ركعتي ساعة الغفلة ووجه ذلك ان الساعة
التي تصلى هاتان الركعتان فيها وهي ما بين
المغرب والعشاء تسمى ساعة الغفلة روى ابن
الحسن بن في الفقيه عن الباقر عليه السلام انه قال
ان ابليس اما بث جنوده حين يغرب الشمس الى مغيب الشفق وذكر ان النبي صلى الله عليه وآله
كان يقول اكثر واذكروا الله عز وجل في هذا الوقت

وتعوذوا بالله عز وجل من شر ابليس وجنوده وعوذوا
صغاركم في هاتين الساعتين فانهما ساعتا غفلة و
روى شيخ الطائفة في تهذيب عن الصادق عليه السلام
انه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله تحفظوا من ساعة
الغفلة ولو بركعتين خفيفتين فانهما يورثان دار
الكرامة قيل يا رسول الله وما ساعة الغفلة قال ما
بين المغرب والعشاء ما بين وقت المغرب ووقت
العشاء اعني ما بين غروب الشمس وغيبوبة الشفق
كما يرشد اليه الحديث الثاني لما بين الصلاتين
وقد روى في الاحاديث الصحيحة ان اول وقت
العشاء غيبوبة الشفق كما ينبغي ومن هذا يسقط
ان وقت اداء ركعتي الغفلة ما بين الغروب وذهاب
الشفق واذا خرج ذلك صار وقت قضاء ومما يستحب
فعله ركعتان تقرأ في الاولى بعد الحمد الزلزال

في ساعة الغفلة

عشر

عشر مرات وفي الثانية بعد الحمد التوحيد خمس
عشرة فقد روى شيخ الطائفة عن الصادق وعليه
السلام ان النبي صلى الله عليه وآله قال من فعل
ذلك في ليلة زاحمني في الجنة ولم يخص ثوابه الا
الله تعالى ثم ليحول صوات دعائك بالتاء الفوقانية
جمع دواء يحفظ عندك بالحاء المهملة والظاء المعجمة على
وزن يعلى اي يوجب الحفظ يزلف على وزن يكرم اي يقرب
والمهمل المشهود المهمل موضع النهمل بفتحتين وهو اول
الشرب والمراد بالمهمل هنا حوض الكوثر ثم عطفه عليه
تفسيري حتى اتاه اليقين والمراد باليقين الموت وبه
فسر في قوله تعالى واعبد ربك حتى يأتيك اليقين وقوله
وحيك بالتاء المثناة الفوقانية ثم الراء المهملة ثم
الالف ثم الجيم مكسورة ثم ميم ثم هاء سجع ترجمان وهو
المترجم اي المفسر للسان بلسان اخر وجعله لسانا

نسخة جيدة صحيحة عليها خطوط جماعة من العلماء وقد قرئت على المؤلف

وسكنا المراد باللباس الغطاء لانه يغطي ويستر بظلمته
وبه فسر قوله تعالى وجعلنا الليل لباسا وقد تقدم تفسير
السكن في دعاء الساعة الخامسة وجعل الليل والنهار
آيتين اي علامتين دالتين على كمال القدرة وعصفا
بكسر العين واسكان الصاد المهملتين اي وقايتها
اي وقايتي وحافظي من الشقاء المخلد واجعل الخيرة
زيادة لي من كل خير اي اجعلها موجبة لازديادي
من كل نوع من انواع الخيرات اللهم اني وهذا
الليل والنهار خلقان اي مخلوقان ولما كان الليل
والنهار عبارة عن مقدار دورة الشمس صحت تثنيته
خبرا ان ويمكن ان يجعل الخبر عن اسمهما محذوفا فيكون
من عطف الجملة والتقدير اني خلقت وهذا الليل والنهار
خلقان ولا تزهما جزاة مني اي لا تجعلهما بحيث
يردان مني جزاة على الذنوب والغرض التوفيق لترك

الذنوب

الذنوب حتى اعمى ويحيك اعمى بالعين المهملة اي
حتى ابهمه ودرك الشقاء تفسيره في تعقيب الصبح
وجهد البلاء الجهد بفتح اوله وقد يضم المشقة ويجهد
البلاء هي الحالة التي يتمنى الانسان معها الموت وقيل
كثرة العيال مع الفقر ومن الداء العضال الباء بالعين
المهملة
المضمومة والضاد المعجمة المرض الصعب الذي يعجز
عنه الطبيب وخبة المنقلب المخبة بالخاء المعجمة
والباء الموحدة من خاب
يخيب اذا صار محروما خاسرا او المنقلب بفتح اللام
مصدر بمعنى الانقلاب اي الرجوع والمراد الرجوع
الى الله سبحانه يوم القيمة من انسان سوء وجار سوء
السوء بالفتح مصدر ساءه اي فعل به ما يكرهه والضم
اسم للمعنى الحاصل بالمصدر ويقال انسان سوء بالاضافة
وفتح السين وكذلك جار سوء وقرين سوء وامنا من

كانت على المؤمنين كتابا موقوتا الكتاب مصدر
كالقتال والمراد منه المكتوب اى المفروض والموقوت
المحدود باوقات معينة ودالوت اوصاحب
الحوت وهو يونس على نبينا عليه السلام وكذلك ننجى
المؤمنين ننجى بنونين مضارع انجينا فالنون الثانية
ساكنة وقرأ ابن عامر وابو بكر ننجى بتشديد ونون واحدة
على وزن الماضى المبنى للمفعول لكنه مضارع اصله
ننجى بنونين فحذفت الثانية كما سقطت التاء الثانية
فى قوله تعالى تظاهرون وقد تقدم تفسيره بقية
الآية الكريمة فى ادعية نافلة العصر وعنده مفاتح
الغيب اى خزائنه ومفاتيحه الا فى كتاب مبين
اى فى اللوح المحفوظ وقيل فى علم الله سبحانه وتعالى
على طلبتى بفتح الطاء وكسر اللام وفتح الباء اى مطلبكم
من فى تغيب الصبح لما قضيتها على بالتشديد بمعنى الايقاع

المسئلة

اسئلك لما فعلت كذا اى سالتك الا فعلت كذا وقد
تقرأ بالتخفيف ايضا الى تاويل الفعل المثبت بالنفى
ويكون لفظها قرأنة وقد قرأ بالوجهين قوله تعالى
يبين لكم ان تضلوا فصل واول وقت
العشاء الفراغ عن المغرب على المشهور ويمتد وقت
فضيلتها الى ثلث الليل ووقت اجزائها الى اربع ركعات
قبل انتصافه وينبغى بعد فراغه من ركعتى النافلة
ان تفقد الشفق فان كان باقيا فلا ينبغى الشروع
فى العشاء حتى يذهب وقد ذهب الشيخان الى انه
لا يدخل وقتها الا بغيبوبة الشفق وروى عن الصادق
عليه السلام اول وقت العشاء الآخرة ذهاب الحمرة
رواه ربيع الحدنين فى الفقيه بسند صحيح وهو محمول
على الاستحباب تاخيرها الى ذهاب الشفق فاذا تحققت
ذهابه فينبغى ان يبادر الى الاذان والاقامة اتيا

فلا حاجة ٢

بالادعية قبل الاقامة وبعدها ثم شرع في العشاء
فيتحاذا عيا كما مر وتقرأ في الركعة الاولى سورة
الاعلى والشمس وما شابههما في الطول كما رواه شيخ
الطائفة في التهذيب بسند صحيح وفي الثانية سورة
التوحيد كما في الصلوة وتكبر وتقنت بما مر في الباب
الاول وبما يأتي في الباب السادس من قطيل القنوت
التعقيب فانك في سعة من الوقت لما تأتي بالتعقيبات
المشتركة بين الخمس المشتركة بين الصباح والمساء بما
يخص بالعشاء فتقول اللهم صل على محمد وآل محمد صل
على محمد وآل محمد ولا تؤمنا مكرك ولا تنسنا ذكرك
ولا تكشف عنا سترك ولا تحرمنا فضلك ولا تجعلنا
غرضا لغضبك ولا تباعدنا من جوارك ولا تمنعنا
من رحمتك ولا تنزع عنا برك وكرامتك ولا تمنعنا
عافيتك واصل لنا ما اعطيتنا وزدنا من تفضلك

المبارك الطيب الحسن الجميل ولا تغيرنا بنا من
نعمتك ولا تؤيسنا من روحك ولا تهلكنا بعذابك
ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب ثم تقرأ كلا من
الفاتحة والتوحيد والمعوذتين عشر مرات ثم تقول
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
عشر مرات ثم تقول اللهم صل على محمد وآل محمد عشر
مرات ثم تقول اللهم افتح لي ابواب رحمتك و
اسبغ علي من خزائن رزقك وسخني بالعافية
فيما اقسمته في سمعي وبصري وجوارحي اللهم ما
بنا من نعمة فمنك لا اله الا انت استغفرك و
اتوب اليك بارحم الراحمين ثم تقول وهو من
ادعية طلب الرزق اللهم انه ليس لي علم بموضع
رزقي وانما اطلبه بخطرات تخطر على قلبي فاجول

في طلبه البلدان وأنا فيما اطلب كالحيران لا أدري
أفي سهل هو أم في أرض حزن أم في سماء أم في ثرى أم
في بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت
أن علمه عندك وأسبابه بيديك وأنت الذي تقسمه
بلطفك وتيسره برحمتك اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه سهلا
ومأخذه قريبا ولا تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا
فإنك غني عن عذابي وأنا فقير إلى رحمتك بك
على محمد وآله محمد وجد علي عبدك بفضلك إنك
ذو فضل عظيم بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
صل على محمد وآل محمد صلاة تبلغنا بها رضوانك و
الجنة وتنجينا بها من سخطك والنار اللهم صل
على محمد وآل محمد وارزقني الحق حقا حتى اتبعه وأرني
الباطل باطلا حتى اجتنبه ولا تجعله علي متشابها

فاتبع هواي بغير هدى منك واجعل هواي تبعا
لرضاك رضا عنك وخذ لنفسك رضاها من نفسي
واهدني لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك
تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم اللهم صل على
محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني فيمن
عافيت وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما أعطيت
وقني شر ما قضيت إنك تقضي ولا يقضى عليك و
تحكم ولا يحكم عليك ثم تولك اللهم فهديت
فإنك تهدي وتعلم حلمك فعفوت فلك الحمد و
بسطت يدك فأعطيت فلك الحمد نطاع ربنا فنشكره
ونعصى ربنا فنغفر ونكفر أنت كما أثنيت على
نفسك بالكرم والجود لبيك وسعديك تباركت
وتعاليت لا ملجأ ولا منجا منك إلا إليك لا إله
إلا أنت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا

وظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وأنت أرحم
الراحمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك اللهم عملت
سوءا وظلمت نفسي فاعف عني يا خير العافين
لا إله إلا أنت سبحانك اللهم وبحمدك عملت
سوءا وظلمت نفسي فتب علي إنك أنت التواب
الرحيم لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من
الظالمين سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم
صل على محمد وآل محمد وبشرني من عافيتك
واشرني في شكرك في عافية وارزقني مسك تمام
العافية ودوام العافية واشكر على العافية
اللهم إني أستودعك نفسي وديني وأهلي ومالي و
ولدي وأهل خاصتي وكل ما أنعمت بها

على

على وتنعم فصل على محمد وآل محمد واجعلني في
كنفك وأمانك وكلاءتك وحفظك و
حياطتك وكفايتك وسترك ودثارك وحولك
ورواجعك يا من لا يضيع ودائعه ولا يخيب سائليه
ولا ينقد ما عنده إني أدرأ بك في نحور الأعداء
فكد من كادني وبغى علي اللهم من أرادني
فأرده ومن كادني فكده ومن نصب لي غائلة
فخذه يا رب أخذ عزيز مقتدر اللهم صل
على محمد وآل محمد واصرف عني البليات
وادفع عني النوائب والآفات والعاهات والسقم
ولزوم السقم وعوارض التلف وما أطغى به الماء
لغضبك وما عاثت به الريح عن أمرك وما
أعلم وما لا أعلم وما أخاف وما لا أخاف ربما
أحذر وما لا أحذر وما أنت أعلم به اللهم

صل على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس غمي و
اكفني ما أهمني مما أخاف يا صدري وعيل
به صبري وقلت فيه حيلتي ووضعت عنه قوتي
وعرفت عنه طاقتي وردتني فيه الضرورة عند
انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين إليك
فصل على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافيا من
كل شيء ولا يكفي منه شيء اكفني كل شيء
حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم صل على محمد
آل محمد وارزقني حج بيتك الحرام وزيارة نبيك صلى الله
عليه وآله مع التوبة والندم سألوك اللهم
أسئلك عن نفسي وأهلي وولدي وإخواني و
أسئلكهما ما أهمني وما لم يهمني وأسألك خيرا
من خلقك الذي لا يمن به سواك يا كريم يا محمد
لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا

موقوتا

موقوتا لم تجد سعدك ان تشكر فتقول في الاولى
اللهم منك لا احد اذ انت اقطع الرجاء الا منك
يا احد اذ انت له يا احد من لا احد له يا احد
يا من لا احد له غيرك يا من لا غير له كنز العطاء
الاكرم وجودا يا من لا يزيده كنز العطاء الا
كرما وجودا يا من لا يزيده كنز العطاء الاكرم
وجودا صل على محمد واهل بيته صل على محمد
واهل بيته صل على محمد واهل بيته وافعل
كذا وكذا ثم تضع خدك الايسر على الارض
وتقول مثل ذلك ثم تضع خدك الايسر فتقول مثل
ذلك ثم تعود وتضع جبهتك على الارض وتقول مثل
ذلك ثم تقول وهو من الادعية التي تدعو بها
الشديد يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ
النسم اللهم يا مجلي الهم يا منفس الغم يا كاشف الضر

والالهياذ بالجود والكرم يا اصل كل صنوف الخير
وكل فوز يا منحي العظائم وبحور مواهبه ومنشأها
بعد الموت صل على محمد وآل محمد واجعل الى من
امري فرجا ومخرجا يا ذا الجلال والاكرام مرتجى
وكفى الرجوع حالا وبحوز فعلما قالوا والمشهور
بينهما الجلوس وذكر بعض علمائنا انه فيهما الجلوس
افضل من القيام وروى شيخ الطائفة في التهذيب
باسناده صحيح عن الصادق عليه السلام انه قال ركعتان بعد
العشاء كان ابي يصليهما وهو قاعد وانا اصليهما
انا قائم فعلمنا على المشهور يمتد وقتهما بامتداد وقت
العشاء فهما بعد الانصاف قضاء وتفتتحهما بالتكبيرات
السبع والادعية الثلثة وتقرأ في الاولى سورة الملك
والواقعة وفي الثانية التوحيد وتدعو بعد الفراغ
بما شئت ونرجح ولا تؤمنا مكرا لكا الاستدراج وعوه

ولا

ولا تؤيسنا من روحات نفحة الواي من روحك بالفتح
في الاصل بمعنى الواسعة واسبغ علي من حلال رزقك
اي اجعل رزقك الحلال سابغا اي واسعا بعد به
الاسباغ بمعنى التضمن معنى الافاضة ولا تعنني بالعين
المهملة والنون والياء المشددة اي لا تتعبني بطلب غيرك
المقدر لي والمراد النهي الاولوي عن طلب ما
رضي بقسمي اي اجعل نفسي راضية بكل ما يرد عليها
منك واهل خزائني بالحاء المهملة المضمومة والزاي المعجمة
لانك تخزن الاجلهم وجعلوني فيخزنك بفتح النون
اي في خزائنك وحيا طتك بالحاء المهملة المكسورة
اي تعهدك ورعايتك ودمتك اي عهدك ولك الله
واد ربك في نحو اعدائي بالمهملتين كادفع هم
ورنا ومعنى ونحورهم بضم النون جمع نحر وهو موضع
القلادة وقد ضمن ادر معنى اضرب او اطعن فقال

في بحور اعدائي اخذ عزيز المراد بالعزيز هنا الغالب
والنقم ولزوم السقم الاولى قراءة السقم هنا بفتحتين اسما
النقم وان جاء بضم اوله واسكان ثانيه ايضا وما طغى
به الماء اضطبت طغى بالطاء المهملة والغين المعجمة
اى جاوز الحد والمراد ما يوجب الهلاك بالماء يسيب
عضبه سيل شأنه وما عتت به الريح عن امر ربها عتت
بالعين المهملة والتاء بين الفوقانيتين من العتو وهي
مجاوزة الحد اى ما عتت به الريح عتوا صادرا
عن امر ربها بذلك وعيرا بصبري بالعين المهملة
وبعدها ياء مثناة تحتانية على صيغة المجهول من
عاله اذا غلب الذى لا يمن به سواك اى استدلالا
الذى لا يقدر على اعطائه لى والمن به على الا انت
كغفران الذنوب والخلود فى الجنة يا سابغ النعم
من قبيل الوصف بحال المتعلق وقد عرضت معنى البيوع

يا بارئ

يا بارئ النسم البارئ الخالق والنسم بالنون والسين
المفتوحتين جمع نسمة بفتحتين وهي الانسان و
يطلق على المملوك ذكرا كان او انثى ويمكن ان يراد به
هنا جميع الحيوانات من الناس وغيرهم باب الحائض
فيما يحل بها بين وقت النوم الى انتصاف الليل او ما تعلم
عند ارادة النوم الطهارة روى ابن ادريس الحديثين في الفقيه
عن الصادق عليه السلام انه قال من تطهر ثم اوى الى
فراشه بات وفراشه كمسجده وذكر علما انا قد سئلنا
او راجحهم ان القادر على الماء يجوز له التيمم للنوم كما يتيمم
لصلوة الجنازة ومن الاعمال المستحبة عند النوم قراءة
سورة التوحيد والجحد رواه ابن ادريس الحديثين ايضا
في الفقيه بسند صحيح وروى ايضا عن اصحاب العصمة
سلام الله عليهم قراءة سورة التوحيد مائة مرة
كما رواه ثقة الاسلام في الكافي بطريق صحيح عن ابي

اسامة قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول
من قرأ قل هو الله احد مائة مرة حين يأخذ مضجعه
غفر له ما قبل ذلك خمسين عاما وروى بنيه ايضا عنه
عليه السلام انه قال قال رسول الله صلى الله عليه
وآله من قرأ الهيكم التكاثر عند النوم وقي فتنة
القبر وينبغي ان تدعو اذا اضطجعت بما رواه رئيس
المحدثين في الفقيه بطريق صحيح عن محمد بن مسلم قال قال
ابو جعفر عليه السلام اذا اوى الرجل بيته فليقل
بسم الله اللهم اني اسلمت نفسي اليك ووجهت
وجهي اليك وفوضت امري اليك والجأت ظهري اليك
رهبة منك ورغبة اليك
لا ملجأ ولا منجا منك الا اليك امنت بكتابك
الذي انزلت وبرسولك الذي ارسلت ثم تسبح فاطمة
الزهراء عليها السلام هذا آخر الحديث واعلم ان

المشهور

المشهور واستحباب تسبيح الزهراء عليها السلام في
وقتين احدهما بعد الصلوة والآخر عند النوم
وظاهر الرواية الواردة به عند النوم يقتضي تقديم
التسبيح على التحميد وظاهر الرواية الصحيحة الواردة
في التسبيح الزهراء عليها السلام على الاطلاق يقتضي تأخيره
عنه ولا بأس بسوق الكلام في هذا المقام وان كان
خارجا عن موضوع الكتاب فنقول قد اختلف
علماؤنا قدس الله ارواحهم في ذلك مع اتفاقهم
على الاجتزاء به والمشهور والمذكور بالتكبير الصراحة
صحيحة بن سنان عن الصادق عليه السلام في الابتداء
به والمشهور الذي عليه العمل في التعقيبات تقديم
التحميد على التسبيح وقال رئيس المحدثين وابوه وابن
الجنيد بتأخيره عنه والروايات عن ائمة الهدى صلوات
الله عليهم لا تخلو عن اختلاف والروايات الكثيرة

الثانية ظاهرها تقديم التحميد شاملة باطلاقها لما يفعل
بعد الصلوة وما يفعل عند النوم وهي ما رواه
شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن محمد بن علان
قال دخلت مع ابي على ابي عبد الله عليه السلام
فساله ابي عن تسبيح الزهراء عليها السلام فقال الله
اكبر حتى اختمها اربعا وثلثين مرة ثم قال الحمد لله
حتى بلغ سبعا وستين مرة قال سبحان الله حتى بلغ
مائة مرة بعضها بيده جملة واحدة والرواية التي
ظاهرها تقديم التسبيح على التحميد مختصة بما يفعل
عند النوم وهي ما رواه رئيس المحدثين في الفقيه عن
امير المؤمنين عليه السلام انه قال لرجل من بني سعد
الا احدثكم عني وعن فاطمة اها كانت عندي
فاستقت بالقربة حتى اثر في صدرها وطحنت بالرحى
حتى مجلت يداها وكنست البيت حتى اغبرت ثيابها

والي قوله

واو قدت تحت القدر حتى دكنت ثيابها فاصابها
من ذلك ضرر شديد فقلت لها لو اتيت ابالك فسالته
خادما يكفيك حر ما انت فيه من العمل فاتت النبي
صلى الله عليه واله فوجدت احداثا فاستحيت
وانصرفت فعلم عليه السلام انها جاءت لحاجة
فغدا علينا ونحن في لحافنا فقال السلام عليكم
فسكتنا واستحيينا لمكاننا ثم قال عليه السلام عليكم
فسكتنا واستحيينا لمكاننا ثم قال السلام عليكم فقلنا
ان لم يزد عليه ان ينصرف وقد كان يفعل ذلك
يسلم ثلثا فان اذن له والا انصرف فقلت وعليك
السلام يا رسول الله ادخل فدخل وجلس عند رجلي
وقال يا فاطمة ما كانت حاجتك امس عند محمد فخشيت
ان لم يجبه ان يقوم فاخرجت راسي فقلت والله
انا اخبرك يا رسول الله لقد استقت بالقربة حتى

اثر في صدورها وجرت بالرحا حتى مجلت يداها
وكسحت البيت حتى اغبرت ثيابها واوقدت تحت
القدر حتى دكنت ثيابها فقلت لها لو اتيت اباك
فسالته خادما يكفيك حرما انت فيه من هذا العمل
فقال صلى الله عليه وآله افلا اعلمكما ما هو خير
لكما من الخادم اذا اخذتما مضاجعكما فكبرا اربعا
وثلثين تكبيرة وسبحا ثلثا وثلثين واحمدا ثلثا وثلثين
فاسرعت فاطمة عليها السلام راسها وقالت رضيت عن الله
ورسوله رضيت عن الله ورسوله صلى الله عليه وآله
ولا بأس بايضاح بعض ما تضمنه هذا الحديث حتى
مجلت يداها يقال مجلت يده بفتح الجيم وكسرها اذا
حصل فيها من شدة العمل نفاطة وهي التي يقال لها
بالفارسية آبله وكسحت البيت بالمهملتين اي كنسته
ودكنت ثيابها بالدال المهملة والكاف المكسورة و

النبي

عليها السلام

النون اي اسودت لو اتيت اباك جواب لو محذوف
ان لالة المقام عليه فسالته خادم الخادم يطلق
على الخادم والخادمة ليستوي فيه المذكر والمؤنث
يكفيك حرثا انت فيه الحرثا المهملتين بمعنى التعب
والشدة وجدت عنه احدا ثابقال رجل حدث
بفتح الدال اي شاب واحداث جمعه هذا لا
يخفى ان هذه الرواية غير صريحة في تقديم التسبيح
على التحميد وان الواو لا يفيد الترتيب وانما في الكل
الجميع على الاصح كما بين في الاصول نعم ظاهر تقديم
اللفظ يقتضي ذلك وكذا الرواية السابقة
غير صريحة في تقديم التحميد على التسبيح فان لفظة
ثم فيها من كلام الراوي فلم يبق الا ظاهر التقديم
اللفظي ايضا فالتنافي بين الروايتين انما هو بحسب الظاهر
فينبغي حمل الثانية على الاولى لصحة سندها و

واعتضادها ببعض الروايات الضعيفة كما رواه
ابو بصير عن الصادق عليه السلام انه قال في تسبيح
الزهراء عليها السلام يبدأ بالتكبير اربعا وثلثين ثم
للتحميد ثلثا وثلثين ثم التسبيح ثلثا وثلثين وهذه الرواية
الصحيحة فتحمل الرواية الاخرى على خلاف ظاهر
لفظها ليرتفع التنافي بينهما كما قلنا فان قلت كيف
العمل بظاهر الروايتين معا يجعل الاولى على الذي
يفعل بعد الصلوة والثانية على الذي يفعل عند
النوم وح لا يحتاج الى صرف الثانية عن ظاهرها
عدلت عنه وكيف لم يقل به قلت لانى لم اجد
مما دلا بالفرق بين تسبيح الزهراء عليها السلام في الحالين
بل الذي يظهر بعد التتبع ان كلا من الفريقين الفائلين
بتقديم التحميد وتاخيره قائل به مطلقا سواء
وقع بعد الصلوة او قبل النوم فالقول بالتفصيل احدث

قوله

الضرب في الغرض
التحميد فهي مؤيدة
لظاهر الروايتين

قوله الثالث في مقابل الاجماع المركب واما ما يقال من
ان الجد اثنا القول الثالث انما يمتنع اذا لزم منه رفع
ما اجمعت عليه الامة كما يقال في رد المسكر الملوطة
بعيب مجانا لاتفاق الكل على عدمه بخلاف العيوب الخمسة
كذلك كالقول بفسخ النكاح ببعض العيوب الخمسة
دون بعض لموافقة كل من الشطرين في شطر وكما
نحن فيه اذ لا مانع منه مثل القول بوجوب جميع الخاتم
وعدم قتل المسلم بالذمي بعد قول احد الشطرين بالثاني
وقبض الاول والثاني بعكسه فجوابه ان هذا
التفصيل انما يستقيم على مذهب العامة كما ذكرته
في رد الاصول استنادا على ما قرره الخاصة من ان
حجية الاجماع مسببة عن كشفه عن دخول المعصوم
فلا اذا مخالفته محال وان وافق القائل كلا من
الشطرين في شطر وقس على مسائل البيع والفسل فصل

وينبغي ان يكون اضطجاعك على يمينك الايمن
فانه نوم المؤمنين كما رواه ثقة الاسلام في الكافي
بسند صحيح عن احمد بن اسحق قال قلت لابي محمد يعني
الحسن العسكري عليه السلام جعلت فداك اني ربما
نسيت بعض ورقي وقد اردت ان اسئل ابا ك عليه
السلام عنه فلم يقض لي ذلك فقال وما هو يا احمد
فقلت روي لنا عن آبائك عليهم السلام ان نوم
الانبياء على اقفيتهم ونوم المؤمنين على ايمانهم ونوم
المنافقين على شمائلهم ونوم الشياطين على وجوههم
فقال عليه السلام كذلك هو فقلت يا سيدي
فاني اجد ان انام على يميني مما يمكنني ولا يأخذني
النوم عليها فسكت ساعة ثم قال يا احمد ادن مني
فدنوت فقال ادخل يدك تحت ثيابك فادخلتها
فاخرج يده من تحت ثيابه ومسح بيده اليمنى على جانبي

الاير

الايسر وبيده اليسرى على جانبي الايمن ثلاث مرات
قال احمد فما اقدر ان انام على يساري منذ فعل
ذلك بي عليه السلام ولا يأخذني عليها نوم اصلا
وما يدعى به عند الاضطجاع ما رواه ثقة الاسلام
في الكافي بطريق صحيح عن الصادق عليه السلام انه
قال من قال حين يأخذ مضجعه ثلث مرات الحمد
لله الذي علا فقهر والحمد لله الذي بطن فخبر
والحمد لله الذي ملك فقدر والحمد لله الذي
يحيي الموتى ويميت الاحياء وهو على كل شيء
قدير خرج من الذنوب كيوم ولدته امه و
روى في الكتاب المذكور عن النبي صلى الله عليه
واله انه قال من قرأ هذه الآية عند منامه قل
انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد
فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا

مخبر اول

ولا يترك بعبادة ربه احدا سطع له نور
الى المسجد الحرام حتى ذلك النور ملائكة يستغفرون
له وروى في الكتاب المذكور ايضا عن الصادق
عليه السلام انه قال ما من عبد يقرا الخر الكهف حين
ينام الا استيقظ في الساعة التي يريد تلك هذا
من الاسرار العجيبة المجربة التي لا يشك فيها والمراد
باخر الكهف الاية الاخيرة منها اعني الاية المتقدمة
اذا خفت من عقرب ونحوها فقل ما رواه في الكتاب
المذكور عن الباقر عليه السلام انه قال من قراء
هذه الكلمات فانا ضامن ان لا يصيبه عقرب ولا
هامة حتى يصبح اعوذ بكلمات التامات التي
لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرا وبرا ومن
شر ما ينزل من السماء ومن شر كل دابة هو اخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم وروى في الكتاب المذكور

بند صحيح لدفع الاحتلام عن الصادق عليه السلام
انه قال اذا خفت الجنابة فقل في فراشك اللهم
اني اعوذ بك من كبر الاحتلام ومن شر الاحلام
ومن ان يتلعب بي الشيطان في اليقظة والمنام
وروى فيه ايضا للامن من ان يسقط عليه البيت
عن الرضا عليه السلام انه قال لم يقل احد اذا
اراد ان ينام ان الله يمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من
بعده انه كان حليما غفورا لم يسقط عليه البيت
وروى فيه ايضا ان النبي صلى الله عليه وآله كان
اذا اوى الى فراشه قال باسمك اللهم احيا و
باسمك اموت واذا استيقظ قال الحمد لله الذي
احيانا بعد ما اماتنا واليه النشور وروى
فيه ايضا عن الصادق عليه السلام انه قال اذا سمعت

صوت الديك فقل سبوح قدوس ربنا الملائكة
والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا
انت سبحانك وبحمدك عملت سوء وظلمت
نفسي فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت
ومما ينبغي فعله عند النوم الاكتحال فقد روي ان
النبي صلى الله عليه وآله كان يكتحل بالاثمد اذا
اراد ان يأوي الى فراشه وقد روي عن الرضا
عليه السلام انه قال من اصابه ضعف في بصره
فليكتحل بسبع مرار وعند منامه من الاثمد اربعة
في العين وثلثة في اليسرى وعنه عليه السلام انه قال
الكحل عند النوم امان من الماء الذي ينزل في العين
وروي انه يدعى بهذا الدعاء عند الاكتحال اللهم
اني اسألك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تجعل النور في بصري والبصيرة في

والبقين

عليه السلام قال شرف المؤمن قيامه بالليل وعزه
استغناؤه عن الناس وروى فيه بسند حسن عن
عبد الله بن سنان قال سمعت ابا عبد الله عليه
السلام يقول ثلث فخر فخر المؤمن وزينته في الدنيا
والآخرة الصلوة في آخر الليل ويأسه مما في ايدي
الناس وولايته الامام من آل محمد صلى الله عليه
وآله وروى فيه بسند حسن ايضا عنه عليه السلام
في قوله تعالى كانوا قليلا من الليل ما يهجعون تال
كانوا اقل الليالي تفوتهم لا يقومون فيها وروى
فيه ايضا انه جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام
فقال اني قد حرمت صلوة الليل فقال امير المؤمنين عليه
السلام انت رجل قيدتك ذنوبك وروى نحو
الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن الصادق عليه
السلام في قوله تعالى ان ناشئة الليل هي اشد وطئا

والقوم

واقوم قيلا قال قيامه عن فراشه الا بربي الا الله
وروى طاب ثراه فيه بسند صحيح ايضا عنه عليه
السلام انه قال ليس من عبد الا يوقظ في كل ليلة مرة
او مرتين فان قام كان ذلك والا فج الشيطان في
اذنه فلا يرى احدكم انه اذا قام ولم يكن ذاك منه
قام وهو متخوف ثقيل كسلان وروى فيه بسند
صحيح ايضا عن عمر بن يزيد انه سمع ابا عبد الله
عليه السلام يقول ان في الليل لساعة لا يوافقها
عبد مسلم يصلي ويدعو الله فيها الا استجاب
له في كل ليلة قلت اصلحك الله واي ساعة
من الليل قال اذا مضى نصف الليل الى الثلث الباقي
وروى نحو الحديثين في الفقيه بسند صحيح عن
عبد الله بن سنان انه سال الصادق عليه السلام
عن قول الله عز وجل سيماهم في وجوههم من اثر السجود

وقال هو السهر في الصلوة والروايات عن اصحاب
العصمة سلام الله عليهم في قيام الليل كثيرة
ولتبيين ما يحتاج الى البيان في هذه المقدمة ان
ناشئة الليل قد فسر الناشئة بالنفس التي تنشأ
من مضجعها للعبادة وهو قريب مما ذكرناه لا عليه
السلام واشد وطأ اي كلفة او تباب قدم وقراءة
بعض السبعة وطأ بالمد اي مواطاة القلب اللسان لما
فيها من الاخلاص لقوم قيلا اي اسد قولا لحضور
القلب في ذلك الوقت لانخ الشيطان بالخاء المعجمة
والجيم نوع من المشي رديء وهو ان يتقارب خطاه
القدمين ويتباعد العقبان وهو كناية عن سوء
الجبلة وردائها كما ان البول في الادن كناية عن
تلاعب الشيطان به متخز بالتاء الفوقانية والخاء
المعجمة والتاء المثلثة وقوله عليه السلام فقيل كسلان

متخز

كالمفر

كالمفر له فصل اذا انتبهت من نومك فاول ما
ينبغي لك فعله ان تسجد لله تعالى فقد روي ان النبي
صلى الله عليه وآله كان اذا انتبه من نومه سجد انه
ثم قال في سجوده او بعد رفع راسه منه الحمد لله
الذي احياني بعد ما اماتني واليه النشور الحمد لله
الذي رد علي روحي لاحمده واعبده وروى بقية
الاسلام في الكافي بسند حسن عن الصادق عليه السلام انه فرج
اذا قمت بالليل فانظر في افاق السماء وقل اللهم
انه لابوارك غشاك ليل ساج ولا سماء ذات
ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها
فوق بعض ولا بحر لجي مبثوث بين يدي الريح
من خلقك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور
غارت النجوم ونامت العيون وانت الحي القيوم
لا تاخذك سنة ولا نوم سبحان الله رب العالمين

وآله وسلم والحمد لله رب العالمين ثم اقرأ الآيات
الخمس من آخر آل عمران إن في خلق السموات و
الأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي
الألباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى
جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والأرض
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب
النار ربنا إنك من تدخل النار فقد أخزيته
وما للظالمين من أنصار ربنا إننا سمعنا مناديا
ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا
وتوفنا مع الأبرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف
الميعاد الحديث توضيح لا يواري عنك ليل ساج
أي لا يستر عنك من المواراة وفي النسخ ساج بين

المهلة

المهلة وأخوه جيم اسم فاعل من سجى بمعنى ركد في
استقر والمراد ليل راكد ظلامه مستقر قد بلغ غاية الإ
رض ذات بهاد بكسر الهاء جمع مهد أي ذات أمكنة
مستوية ممهدة ولا عج لجي بضم اللام وقد تكسر
تشديد الجيم المكسورة الشدة أي عظيم تدلج بين يدي
الدلج الإدلاج السير بالليل وربما يختص بالسير في
أوله وربما يطلق الإدلاج على العبادة في الليل
مجازا لأن العبادة سير إلى الله تعالى وقد فسر بذلك
قول النبي صلى الله عليه وآله من خاف أدلج ومن
أدلج بلغ المنزل ومعنى تدلج بين يدي المدلج
أن رحمتك وتوفيقك واعانتك لمن توجه إليك
وعبدك وصادرة عنك قبل توجهه وعبادته لك
إذ لولا رحمتك وتوفيقك وإيقاعك ذلك في قلبه
لم يخطر ذلك بباله فكأنك سريت إليه قبل أن

يُرى هو اليك تعلم حاشية الاعين قد تقدم تفسيره في
الباب الثاني وغارت النجوم اي تسفلت واخذت في
الصعود الهبوط والانخفاض بعد ما كانت اخذة في الصعود و
الارتفاع واللام للعهد ويجوز ان يكون بمعنى غاب و
السنة بالكسر بادى النوم وقد تقدم في الباب الاول
وجه تقديمها على النوم مع ان القياس في الترقي
من الاعلى الى الادنى لايات اي علامات عظيمة
او كثيرة دالة على كمال القدرة لاولى الالباب
اي لذوي العقول الكاملة ومحل العقل لبّ لانه
انفس ما في الانسان مما عداه كانه قشر ويتفكرون
في خلق السموات والارض قال المفسرون في هذا
دلالة على شرف علم الهيئة ربّنا ما خلقت هذا
باطلا اي قائلين حال تفكرهم في تلك المخلوقات
باطلا اي عبثا العجيبة الشان ربّنا ما خلقت هذا عبثا سبحانك

اي تنزهك

اي تنزهك عن فعل العبث تنزيها فقنا عذاب النار
ولما كان خلق هذا الامر العظيم ومضامنه مما لا يكون
سببا لمعاش الانسان ودليلا يدله على معرفة الصانع
ويحثه على طاعته والقيام بوظائف عباداته
لينال الفوز الابدي والانسان مخلوق لاجل
ذلك حسن التفريع على الكلام السابق من تدخل
النار فقد اخزيته قال بعض المفسرين فيه اشعار
بان العذاب الروحاني اشد من عذاب الجسماني اذ
الخزي فضيحة وحقارة نفسانية ربّنا انّنا سمعنا
منادِيًا ينادي للايمان المراد به الرسول صلى الله
عليه وآله وقيل القرآن وربّنا فاغفر لنا ذنوبنا
المراد بها الكبائر وكفّر عنّا سيّئاتنا المراد بها الصغائر
اي اجعلها مكفرة عنا بتوفيقك لاجتناب الكبائر فيقتضا
وتوفنا مع الابرار اي في زمرتهم ربّنا وآتنا ما

ما وعد تنال على ما نالت اى على تصديقهم او على الهتهم
فصل اذا انتصف الليل فقد دخل وقت صلوة الليل
وقد يعبر عن انتصاف الليل بالزوال ايضا روى
المحدثين في الفقيه ان عمر بن حنظلة سال الصادق
عليه السلام فقال زوال النهار نعرفه بالنهار فكيف
لنا بالليل فقال عليه السلام الليل زوال لكن زوال
الشمس قال فباى شئ نعرفه قال بالنجوم اذا انحدرت
والظاهر انه عليه السلام اراد بالنجوم اى الثريا
طلعت عند غروب الشمس كما قال شيخنا الشهيد
رحمه الله المراد بانحدارها شروعها في الانخفاض
وصلوة الليل تطلق في الاحاديث تارة على الثمان
واخرى على الاحدى عشر باضافة الشفع والوتر
الوتر واخرى على الثلث عشرة باضافة ركعتي الفجر
وهي من النوافل المؤكدة روى شيخ الطائفة في

التهذيب

التهذيب باسناده صحيح عن الصادق عليه السلام انه
قال كان في وصية رسول الله صلى الله عليه وآله
لعلي عليه السلام يا علي اوصيك في نفسك بخصال
فاحفظها ثم قال اللهم اعنه وذكر جملة من الخصال
الى ان قال وعليك بصلوة الليل وعليك بصلوة
الليل وعليك بصلوة الليل وعليك بصلوة الزوال
وعليك بصلوة الزوال وعليك بصلوة الزوال والظاهر
انه صلى الله عليه وآله اراد بصلوة الليل الثلث
عشر ركعة وبصلوة الزوال الركعات الثمان
التي هي نافلة الزوال كما قاله بعض علمائنا فاذا اردت
التوجه الى العبادة وكنت محتاجا الى
التخلي فابدا به اولا فاذا اردت الدخول الى الخلاء
فان كان في نقش خاتمك او معك اسم محترم
فلا تدخله معك وكذا الدراهم البيض الغير

المصرورة ثم قدم رجلك اليسرى عند اول دخولك
ان كان بيتا وان تخليت فى فضاء كالصحراء ونحوها
فقد مهما فى موضع جلوسك وقل بسم الله وقل
بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبيث
المخبث الشيطان الرجيم واحترز ان تخليت فى فضاء
موضع لا يرى فيه شخصك وليكن اعتمادك فى حال
التخلى على رجلك اليسرى وينبغى تفريج اليمنى ولا تطل
الجلوس لا تتكلم الا لحاجة تخاف فوتها او قراءة
اية الكرسى او الحمد لله رب العالمين او حكاية
الاذان او ذكر الله سبحانه وامسح بطنك بعد
الفراغ ببدنك اليمنى قائما قائلا الحمد لله الذى
اماط عنى الاذى وهنأنى طعامى وسرابى وعافانى من
البلوى واسترحت بان تضع انو مسطى عند المقعدة
وتمسح بها الى اصل القضيب ثم تضع السبابة تحته

والا

والابهام فوقه وتنثر ثلثا وتعصر الحشفة ثلثا
تتخير فى حال الاستبراء واذا اردت الاستنجاء بالماء
فقل الحمد لله الذى جعل الماء طهورا ولم يجعله
عذابا واستنج بيسارك فى الماء وغيره فان كان
فيها خاتم فضة من حج الى مزم فانزعه وليكن غسل
المقعدة ببصرها ولا تمس ذكرك بيمينك وامرر فى
غير المعتدى من الغائط الماء على الاستبراء والجمع
بينهما مع المعتدى وغيره اولى واغسل مخرج
الغائط الى ان تحس بالطهر وفى حال الاستنجاء
اللهم حصن فرجى واعفه واستر عورتى وحرمنى
على النار وقدم غسل الدبر على القبل
واوتر عدد الاحجار ان لم ينق بالثلث واستوعب المحل
بكل حجر على سبيل الادارة عليه فاذا خرجت من
الخلاء فقدم رجلك اليمنى وقل غفرانك الحمد

لله الذى عرّفنى لذّته والقى فى قلبى محبّته
واخرج عنى اذاه يا لها نعمة يا لها نعمة
لا يقدر القادرون عدّها فصل فاذا خرجت
من الخلاء فابدا بالسواك ثم توضّا الوضوء الكامل
كما مرّ فى الباب الاول ثم تطيّب فقد روى عن الصادق
عليه السلام انه قال كانت للنبى صلى الله عليه
واله مجمرة اذا هو توضّا اخذها بيده وهى
رطبة ايضا عنه عليه السلام انه قال ركعتان يصلّيهما
متعطّرا افضل من سبعين ركعة يصلّيها غير متعطّر
واعلم ان التعطّر مستحبّ لكلّ صلوة وكلّ دعاء
وليس مختصّا بصلوة الليل وادعيته فاذا توضّاءت
وتعطّرت فاجلس مستقبل القبلة ثم ادع بدعاء
زين العابدين عليه السلام الذى كان يدعو
به فى جوف الليل الّلهمّ غارت نجوم سمائك وهدأت

عيون انامك وهدأت اصوات عبادك وتغلّقت
ابواب المدن عليها وابوابها وطاف عليها
حرّاسها واحتجبوا عمّن يسألهم حاجة او
يلتمع منهم فائدة وانت الحىّ حتّى قيّوم لا
تأخذك سنة ولا نوم لا انشغالك شئ عن
شئ ولا يسمع سمعك لمن دعاك مغلّقات ابواب سمائك
غير مغلّقات وابواب رحمتك غير محجوبات
وفوائدك لمن سألك غير محظورات بل كلّ
سؤلات الهوانت الكريم الذى لا تردّ سائل
ولا تخيّب آملين سألك ولا تحجب عن احد منهم
ارادك ولا تؤيس راجيك وجلالك ولا تعنّر بحوائجهم
دونك ولا تقنّطهم احمد عبدك اليهم وقد
تراءى وروقى وذلّ مقامى بين يديك تعلم
سريرتى وتطّلع على ما فى قلبى وما يصلح بهء امر

اجرني ودنياي اللهم إن ذكر الموت واهوال
المطلع والوقوف بين يديك تعضني مطعم
مشربي واعضني بريقي واقلقني عن وسادي
دفادي كيف بنام من يخاف بيات ملك
الموت في طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف
ينام العاقل وملك الموت لا ينام بالليل
ولا بالنهار ويطلب نفس روحه بالبيات وفي
اناء الساعات وكان عليه السلام يسجد بعد
هذا الدعاء ويلصق خده بالتراب ويقول اسئلك
الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين
القاك وكان عليه السلام يصلي قبل صلوة الليل ركعتين
يقرأ في الاولى بقل هو الله احد وفي الثانية بقل
يا ايها الكافرون ثم يرفع يديه بالتكبير ويدعو
وانت اذا صليت هاتين الركعتين فحسن ان

تدعو

تدعو بعد الدعاء الذي رواه رئيس المحدثين في كتاب
الامالي عن ابي الدرداء انه سمع امير المؤمنين عليه
السلام يدعو به في جوف الليلة الهي كم من
موبقة حلمت عن معاقبتها بستوك وكم من
جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك الهي ان طال
في عصيانك عمري وعظم في التخوف ذنبي فانا
مؤمل عفوك عفرانك ولا انا براج غير رضوانك
الهي افكر في عفوك فتهون علي خطيئتي ثم
اذكر العظيم من اخذك فتعظم علي بليتي اه
ان انا قرأت في الصحف سيئة انا ناسيها وانت
محصيها فتقول خذوه فيا له من مأخوذ لا
تنجيه عشيرته ولا تنفعه قبيلته اه من نار
تنضج الاكباد والكلى اه من نار نزاعة
للشوى اتمن نار من لهباتها لظى ثم ابك بعد

هذا الدعاء وادع بما شئت ثم قم الى صلوة الليل
وقد اجمع علماؤنا على ان اول وقتها انتصاف الليل
وانها كلما قربت من الفجر الثاني كانت افضل
فان طلع وقد تلبس باربع انتم مخففة بالحمد
اداء والمشهور جواز تقديمها على انتصاف الليل
العذر وقضاؤها افضل من تقديمها فاذا اردت
الشروع في صلوة الليل فينبغي ان تقول اللهم اني
اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة وآله واولادهم
بين يدي حوائجي فاجعلني بهم وجيها في
الدنيا والاخرة ومن المقربين اللهم ارحمني
بهم ولا تعذبني بهم ولا تفقرني بهم وارزقني
بهم ولا تخزني بهم واقض لي حوائج الدنيا و
الاخرة انك على كل شئ قدير وبكل شئ عليم
ثم تفتح الركعة الاولى بالتكبيرات التسع مع ادائها

التلاوة

الثلثة والافضل ان تقرأ فيها بعد الحمد سورة
التوحيد ثلثين مرة وفي الثانية سورة الجحد في
الركعات الست الباقية السور الطوال مثل سورة
الانعام والكهف والانبياء ويس والحواميم وعد
اسبعها في الطول ويجوز ذلك في النوافل واقراة
السورة من المصحف وان كنت تحفظ غيرها الا في
الفرايض فلا الا مع عدم الحفظ وقيل بل
الجواز فيها مطلقا وهو ضعيف والرواية وتلك عن
السور الطوال كذلك الحمد والتوحيد في كل ركعة والباقي
الاقتصار على الحمد وحدها اكثر النوافل واعلم
انه قد اتفق علماؤنا على ان القنوت كالسجدة في
الفرايض يستحب في كل ثانية من النوافل ايضا
ايضا روى ذلك ثقة الاسلام في الكافي باسناده عن
الصادق عليه السلام ويجزيك منه ان تقول

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا
في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير كما رواه
في الكافي ايضا عنه عليه السلام بعد حمد ورد
الاحجار اسئلك تسبحات وتسبح الجهرية ولو في نوافل
النهار وينبغي تطويله سيما في صلوة الليل فان وقتها
فيها واسع وقد روى ورئيس المحدثين في الفقيه عن
النبي صلى الله عليه وآله انه قال اطولكم قنوتا في
دار الدنيا اطولكم راحة يوم القيمة وقد ذكر السيد
الجليل رضي الدين علي بن طاوس قدس الله روحه
في كتاب مهج الدعوات بعد ذكر القنوتات المروية
كان يقنت بها ائمتنا سلام الله عليهم ويدعون
فيها على اعداء الدين ولا باس بان يقنت في النوافل
بما تقرء في كتاب ونحوه وانما يمنع من ذلك في
الفرايض ومن الادعية المختصرة التي يليق ان يقنت
بها

بها في النوافل والفرايض ما روى عن الصادق عليه
السلام الهي كيف ادعوك وقد عصيتك وكيف
لا ادعوك وقد عرفت حقك في قلبي وان كنت
عاصيا مددت اليك يدا بالذنوب مملوة و
عينا بالرجاء ممدودة مولاي انت عظيم العظماء
وانا اسير الاسراء انا الاسير بذنبي المرتهن
بجرمي الهي لئن طالما بسطت بالمسئلة يدي
ولئن طالما اتبعت بجريرتي لاهاتي بعفوك ولئن
اسرعت بي الى النار لاخبرن اهلها انك كنت
اقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم
ان الطاعة تسرك والمعصية لا تضرك فهب لي
ما يسرك واغفر لي ما لا يضرك يا ارحم الراحمين
ومن الادعية المتوسطة التي يليق ان يدعى
بها في القنوت ايضا وهو من ادعية الوتر

الى السايل المروية عن الجواد عليه السلام

اللهم ان الرجاء لسعة من رحمتك انطقني بما
والامل لا نائك ورفقك شجعني على طلب
امانك وعفوك وربي يا رب ذنوب وقد احبسها
اوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها اعين
الاضطلام واستوجبت بها على اعدالك اليم
العذاب واستحققت باجرامها مبير العقاب
وخفت نعوتها لاجابتي ودعتها اياي عن
قضاء حاجتي بانطالها لطلبتي وقطعها الا
رغبتي من اجل ما انقض ظهري من ثقلها و
يطفئ من الاستقلال بحملها ثم ترجعت بي
الى حرمك عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين
ورحمتك للعاصين شاكيا فاقبلت شفيعي
عليك لها ركانفي بين يديك شاكيا بي

اليك

اليك سايلة ما لا استوجبه من تفريج الهم لا
استحقه من تغيير النعم مستقيلة اياك واثقا
مولاي بك اللهم فامنن علي بالفرج وتطول
على بسهولة المخرج واقني للتي برافتك على
سنن المنهج وازلقني بقدرتك عن الطريق
الاعوج وخلصني من سجن الكرب باقالتك
واطلق اسري برحمتك وطل على برضوانك
وجد علي باحسانك وعطفك عزتي وفرج
كربتي وارحم عبرتي ولا تخيب دعوتي وارشد
بالاقالة اذ رجي عفوها ظهري واصلحها امري
واطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت
نشري انك جواد كريم وروف رحيم وتدعوا
بعد كل ركعتين من الركعات الثمان

اللهم اني اسئلك ولم يسئلك انت موضع

مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك
ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب اليك
الى مثلك انت مجيب دعوة المضطرين وراحم
العبرات اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها
يا الله يا رحمن يا رحيم وبأسمائك الحسنى وامثالها
العليا وبعزائمك التي لا تخفى وباكرم اسمائك
عليك واحبها اليك وانوهها منك وسيلة
واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا
واسرعها في الامور اجابة وباسمك المكنون
الاكبر الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي
خبأته ونقواه وترضى به عمن دعاك واستجبت
له دعاءه وحق عليك ان لا ترد سائلك وبكل
اسم هو في التورية والانجيل والزبور و
الفرقان العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك
وملائكتك

وملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
من خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
فرج وليك وابن وليك وتجعل خزي اعدائه
وان تفعل بي كذا وكذا ثم تسمي حاجتك
عليها السلام وتدعو بعده بما شئت ثم تسجد
سجدة تقول فيها وينبغي ان تدعو في احداها
بهذا الدعاء المنسوب الى السيد زين العابدين
عليه السلام الهي وعزتك وجلالك وعظمتك
لو اني منذ بدئت فطرتي اوله الدهر عبدتك
دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة في
طرفة عين سرمد الابد بعدد الخلائق و
شكرهم اجمعين لكنت مقصرا في بلوغ ادنى
شكر اخفى نعمة من نعمك علي ولو اني كررت
مجاهدة حدود الدنيا بانيابي ورثت اليسير

بانتقاد عبني وبكيت من خشيتك مثل بحور السماء
والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا
مع كثير ما يجب من حقك علي ولو انك الهي
عذبتني بعد ذلك بعذاب الخلايق اجمعين
وعظمت النار خلقي وجسمي وملأت طبقات
جهنم مني حتى لا يكون في النار معذب غيري
ولا يكون لجهنم حطب سواي لكان ذلك
بعدلك علي قليلا بكثير ما استوجبه من
عفوك فاذا انزعت من الركعة الثانية فقل
بعد الدعاء يا الله عشرا صل على محمد وآله
محمد واغفر لي وارحمني وثبتني على دينك ولا
تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك
رحمة انك انت الوهاب وقل ايضا اللهم
انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق البارئ

المحي

المحي المميت المبدئ المعيد يا ذا الجلال والاكرام وذا الجود
والمن وذا الامر والحمد لا اله الا انت
يا خالقا يا محيي يا مميت يا مبدئ يا رفيع اسألك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترحم ذلي
بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي من
الناس وانسي بك وقل ما كان امير المؤمنين
عليه السلام يدعو به بعد الثامنة اللهم
اني اسألك واقسم عليك بحرمة من عبادك و
لجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم بحبلك
ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك
راغبا وراهبا وخوفا وطمعا والحاحا والحاحا
وتضرعا وعملا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا
وذاكرا وماشيا وذاهبا وجائيا وبكل

حاجتك اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تفعل بي كذا وكذا وتذكر حاجتك ثم تسجد
سجدة الشكر وتدعو فيها وبعدها بما بدا لك وصح
نجوم ٢ غارت شمالك مر بمعنى غور النجوم في الدعا عند
الانتباه قيل هما وهدات بالدال المهملة قبل
الهمزة اي سكنا وينتجع منهم فائدة الانتجاع بالنون
والتاء المثناة الفوقانية ثم الجيم والعين
مهملة طلب الاحسان ولعل ههنا بمعنى مطلق الطلب
ولا يشغلك يشغل على وزن يعلم وفوائد المسئلة
سئلك غير محظورات بالحاء المهملة والظاء المعجمة
اي غير ممنوعات ولا تحترز احوابجم من ذلك تختزل
بالبناء للمجهول والاختزال بالخاء المعجمة والتاء المثناة
الفوقانية والزاي يراد به التعويق واهوا للطلع
بتشديد الطاء المهملة والبناء للمفعول امر الاخرة

الذي

الذي يحصل الاطلاع عليه بعد الموت واغتنى
بريق بالغين المعجمة والصاد المهملة الشدة من
الغصة بالضم وهي الشجى في الحلق والريق ماء
الفم واغتنى بريق كناية عن كمال الخوف و
الاضطراب اي صيرني بحيث لا اقدر على ان
ابلع بريقي وقد وقف في حلقي ويطلب روحه
بالبيات وفي اناء الساعات البيات بالباء الموحدة
والياء المثناة التحتانية اي وقت البيتوتة كم من
مؤبقة بالباء الموحدة المكسورة والقاف اي
خطيئة مهلكة للدين هادمة وله عظم في الصحف
بضمتين اي صحائف الاعمال تفضح الاكابر و
الكل تفضح على وزن تكرم بالضاد المعجمة والحاء
الكل بالضم جمع كلية او كلوة من نار ونزاعة
الشوى والنزع القلع والشوى بالضم والقل الاطراف

لوجع شواة بالضم وهي جلدة الرأس او من عزة
من لهبات لظى العزة بالغين المعجمة والزاء ما يغر
الشيء اي يشتمل او لظى اسم من اسماء النار نعوذ
بالله منها قد وجهتها اوجه الانتقام الكلام استعارة
او صارت موجبة لسرعة الانتقام وحقيقة منه
قد لاحظتها اعني الاصطلام هذا ايضا استعارة
والمعنى كالاول مع زيادة والاصطلام بالضاد والطاء
المهملتين الاستيصال واستحققت بالحبر السهام
العقاب الاحتراق بالجيم والثاء المثناة الفوقانية او
لزوما مهملة الاكتئاب والمير بالباء الموحدة
والياء المثناة التحتانية والراء المهملة المهلك من
اجل ما انقض ظهري من ثقلها انقض النون والقاف
والضاد المعجمة اي حمل ظهري على النقض وهو صوت
عظامه عند حمل ثقيل ويبطئني من الاستقلال بحملها

يبطئ

وخصل عليه وبيته
ولهبات جمع لهبة بالسكون
وانفع الاشتغال ع

يبطئ بالباء الموحدة والطاء المعجمة اي اثقلني شاكيا
بجي الباء البث بالباء الموحدة والثاء المثلثة الهم
الذي لا يصبر عليه فتنبه اي تظهره من تنفيس
الغم اي ازالته واد للتي وافقك على سمت النهج
ادللتي على وزن اشكرني والسمت الجهة والنهج
الطريق وان لقني بقدرتك على الطريق الاعوج
ان لقني بالزاء والقاف اي ايعدني وطل على بوزن ابيض
الفاء اي تفضل علي به واسند بالاقالة ازدي الانتج
الهمزة واسكان الزاء القوة كريت معادن حديد
الدنيا كريت بالراء المهملة والياء الموحدة المخرزت
مخي ووزنا باشفار صيغ اشفار جمع شفر بضم الشين
المعجمة واسكان الفاء وهو الجفن الذي ينبت عليه
الشعر واستظل بفيئك اي التجأ اليك وهو كناية
مشهورة والحاحا بالحائين المهملتين المبالغة في

الطلب والحاحا بالحاء المهملة والفاء بمعنى الالحاح
وتضرعا وتملقا التضرع التذلل والتملق يطلق تارة
على التودد والتلطف والخضوع التي يطابق فيها
اللسان الجنان وهذا هو المراد هنا واخرى على
اظهار هذه الامور باللسان مع مخالفة الجنان
كما تفعله اكثر ابناء الزمان نعوذ بالله منه فصل
وبعد فراغك من الركعات الثمان تقوم الى ركعتي
الشفع ومفردة الوتر وافضل اوقاتها ما بين الفجرين
كما مر ذكره في الباب الاول عند ذكر الفجر الصادق
والكاذب من ورود الرواية بذلك عن امير المؤمنين
عليه السلام واعلم ان الشايع على السنة المتاخرين
الطلاق الوتر على الركعة الثالثة وحدها الاعلى
مجموع الثلاث والشايع في الاحاديث الواردة عن
اصحاب العصمة سلام الله عليهم عكس ذلك كما رواه

شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن الصادق عليه
السلام ان اباه الباقر عليه السلام كان يقرأ في الوتر
بقل هو الله احد في الثلثين وكما رواه فيه بسند
موثق عنه عليه السلام انه قال كان رسول الله
صلى الله عليه وآله يصلي ثمان ركعات الزوال و
اربعا الاولى وثمان بعدها واربعا العصر وثلثا
المغرب واربعا بعد المغرب والعشاء الاخرة اربعا
وثمانيا صلوة الليل وثلثا الوتر وركعتي الفجر وهو صلوة
الغداة ركعتين الحديث كما رواه رئيس المحدثين بسنده
صحيح عن حفص بن سالم الحناط قال سمعت ابا عبد الله
عليه السلام يقول لا باس ان يصلي الرجل ركعتين من
الوتر ثم ينصرف فيقضي حاجته ثم يرجع فيصلي
ركعتين الى غير ذلك من الاحاديث الكثيرة وانما الطلاق
الوتر على الثالثة وحدها فمن في الاحاديث قليل

جدًا لكنه كثير في عباراتٍ ما جرى عليها ناذر
الله أو واجهم وأما القدماء فأكثر ما يعبرون
عنها بمفردة الوتر كما عبر عنها شيخ الطائفة في المصباح
وغيره ومن هذا يظهر أن من نذر صلوة الوتر لم يخرج عن العهدة بفعل الإحدى عشر بالتسليم وإن ما
ذكره الشيخ الجليل أبو علي الطبرسي عطر الله مرقده في كتاب
مجمع البيان من تقليل تسمية الفاتحة بالسبع المثاني
بها ثنتي قراءتها في صلوة وزمن وفصل كلام مستفيم
عن القصور وإن ما أورد عليه من انتقاض هذه
الكلية بصلوة الوتر غير وارد والله أعلم وتقرأ في
كل من ركعتي الشفع بعد الحمد التوحيد وإن شئت
فاقرأ في الأولى المعوذتين وفي إحداهما والأخرى في الأخرى
فإذا سلمت فادع بهذا الدعاء بعد الدعاء الذي تعرض
فيه ٢ فيه في هذا الليل المعروض ومقصدك الفاضل

واعلم

وأملأ فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا
الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب يمن بها
على من شاء من عبادك ويمنعها من لم تسبق له
العناية منك وها أنا ذا عبدك الفقير إليك
المؤمل فضلك ومعروفك فإن كنت يا مولاي
تفضلت في هذه الليلة على أحد من خلقك و
عدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وسيدة
على سيطول لك ومعروفك يا رب العالمين وصلى
الله على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا
إن الله حميد مجيد اللهم إني أدعوك كما أمرت
فاستجب لي كما وعدت إنك لا تخلف الميعاد
ثم قم إلى مفردة الوتر وتوجه بالتكبيرات التسع

والادعية المثلثة وقرأ فيها بعد التوحيد ثلثا والمعوذتين ثم ترفع يديك وتقنت وانت تبكي او تتباكى بما رواه ربيل الحديثين في الفقيه بسند صحيح عن معوية بن عمار عن احدهما عليهما السلام قال قنوت الوتر لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله رب السموات والارض وانت الله جبار السموات والارض وانت الله عماد السموات والارض لا اله انت الله قوام السموات والارض وانت الله مروح المستريحين وانت الله غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله

المروج

المروج عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك انزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عقابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها تحيي جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتغنيني بالاستجابة في دعائي وان رضاك العافية الى منتهى اجلي ورزقي عن اذى ولا شمت بي عدوي ولا بغيرك من خلقك يا رب اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني

من ذا الذي يحول بينك وبين أن تتعرض لك
في شيء من أمري وقد علمت أن ليس في حكمك
ظلم ولا في نقمتك عجلة وإنما يعجل من يخاف
الفوت وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا إلهي فلا تجعل السلامة
غرضا ولا لنعمتك نصبا ومهما ألمني في نفسي واقلبني
عثرتي ولا تتعجني ببلاء على إثر بلاء فقد ترى
ضعفي وقلة حيلتي فتجد لي أهل الرحمة فأعدني
واستنجبك من النار فأجرني وأسألك الجنة
فلا محرومي ثم ادع الله بما أحببت واستغفر الله
سبعين مرة هذا آخر الحديث ويستحب أن يدع
الأربعين من إخوانك فصاعدا تقول اللهم
اغفر لفلان وفلان إلى آخرهم ثم تقول استغفر
الله ربي وأتوب إليه سبعين مرة وينبغي أن تعد

الاستغفار

لتتمتك د

الاستغفار بيدك اليمنى وتضرب بيدك اليسرى
رواه ونبس الحديثين في الفقيه بسند صحيح ولو
بلغت بالاستغفار المائة كان أفضل ثم تقول
سبع مرات أستغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي
القيوم جميع ظلمي وجرمي وإسرافي على نفسي
وأتوب إليه ثم تقول رب إساءت وظلمت
نفسي وبئس ما صنعت وهذه يداي يا رب جزاء
بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما أتيت ويحا
أنا دابر يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا
حتى ترضى لك العتبى لا أعود ثم تقول العفو
العفو للمائة مرة ثم تقول رب اغفر لي وتب علي
وتب علي إنك أنت التواب الرحيم ويستحب لك
التطويل في قنوتك فتضيف إليه ما تقدم ذكره
في الركعات الثمان وأن تدع الوصل وقت بانفراد

ذلك ما كان يدعو به سيد العابدين عليه
السلام في قنوته كما رواه رئيس المحدثين في كتاب
الامالي سيدي سيدي طرد يداي وقد مددتهما
اليك بالذنوب مملوءة وعيناي بالرجاء ممدودة
وحق لمن دعاك بالكرم تذللا ان تجيبه بالكرم
تفضلا سيدي أمن أهل الشقاء خلقتني فاطول
بكائي ام من أهل السعادة خلقتني فابشر رجائي
سيدي ام لضرب الاليم خلقت اعضائي ام
لنزع الجحيم خلقت امعائي سيدي لو ان عبدا
استطاع الهرب من مولاه لكنت اولى الناس
بذلك لكني اعلم اني لا افوتك سيدي لو ان
عذابي مما يزيد في ملكك لسألتك الصبر عليه
غير اني اعلم انه لا يزيد في ملكك طاعة
المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين

سيدي

سيدي ما انا وما خطري هب لي بفضلك رحمتك
يسرك واعف عن توبيخي بكرمك وجهلك الهي
وسيدي ارحمني مفروشا على الفراش تقلبني ايدي
احبتي وارحمني مطروحا على المغتسل يصب الماء
جيراني وارحمني محمولا قد سارع الاقربا
امر ان جنازتي وارحم في ذلك البيت الظلم
وحشتي وغربتي ووحدتي وارض الوقت عن
تطويل القنوت فلات الانتصار على ما شئت مما
يسعه الوقت ومن الادعية المختصرة التي يحسن
القنوت بها في السعة والضيق في الوتر وغيره
اللهم ان كثرت الذنوب تكفانا ربنا عن
انبائها اليك بالتسويد والمداومة على المحاصي
تمنعنا من التضرع والابتهال والرجاء يحثنا على
سؤالك يا ذا الجلال فان لم يعطف السيد على عبيده

فمن
ومن ينبغي النوال له سؤل كفاه المفترعة اليك
الا بلوغ الامال وصلى الله على اشرف الانبياء
والمرسلين محمد واله الطاهرين فاذا فرغت من
القنوت فاركع وقل بعد رفع راسك من الركوع
هذا مقام من حسناته نعمة منك وبيناته
بعلمه وذنبه عظيم وشكره قليل الهي طمع الاداني
قد خاب الا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت
الا عليك ومذاهب العقول قد سفت الا اليك
فاليك الرجاء واليك المليجي يا اكرم مقصود
ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجاء
الهاربين يا ثقال الذنوب احملها على ظهري وما
احد لي اليك شافعا سوى معرفتي بانك اقرب
اليم من رجاه الطالبون والجاء المضطرون و
اسئلك بالذلة التي عنوت يا من فتق العقول بمعرفته

والطف

والطف الالسن بحمده وجعل ما امتزج به على عباده
كفاء لتاديه حقه صل على محمد واله ولا تجعل
للهموم على عقلي سبيلا ولا للهواطل على عملي
دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين ثم تسجد
السجدتين وتشهد فاذا سلمت فسبح تسبيح الزهراء
عليها السلام ثم تدعو بالدعاء المعروف بدعاء
الحزين انا جيناك يا موجود في كل مكان لعلك
تسمع نداي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي
يا مولاي اي الاهوال اذكر وايها انسى ولو
لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهى سؤلاي يا مولاي حتى متى والى
متى اقول لك الصبيرة بعد اخرى ثم لا اجد
عندك صدقا ولا وفاء فيا عوداه ثم واغوثاه
بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو

قد استكلب علي ومن دوني فما قدرت لي ومن نفس
أمارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي
ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت
مثلي فاقبلني يا قابل التوبة اقبلني يا من لم ارزل
اتعرف منه الحسنى يا من يا معذبني بالنعم
صباحا ومساء ارحمني يوم اتيك وزادي خصما
اليك بصري مقبلك على قد بتر اجميع الخلق مني
نعم ابي وامي ومن كان له كدي وسعيي
فان لم ترحمني فمن يرحم في القبر وحشتي ومن
ينطق لساني اذا خلوت بعملي ومسالتي عما انت
اعلم به مني قلت نعم فاين المهرب من عدلك
وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك مخزونا
عفوك يا مولاي قبل ان تلبس الايدان سرابيل
القطران عفوك عفوك يا مولاي قبل ان تغل
الايدي

ثم تسجد وقل اللهم صل على محمد وآله وارحم
ذلي بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي من الناس
وانسي بك يا كريم يا كائنا قبل كل شيء يا
مكون كل شيء يا كائنا بعد كل شيء لا
تفجعني وانت بي عالم ولا تعذبني وانت علي قادر
اللهم اني اعوذ بك من كرب الموت ومن
سوء المرجع في القبور ومن الندامة يوم القيمة
اسالك عيشة هنية وميتة سوية ومنقلبا
كريما غير مخز ولا فاضح اللهم ان مغفرتك ارجى
من عملي ورحمتك ارجى عندي من
عملي فصل على محمد وآله محمد واغفر لي يا حيا لا
يموت توضيح تعرض لك اي تصدى لطلب عفوك
واحسانك فالفقرة الثانية والثالثة كالفقرة

للفقرة الاولى وعدت عليه بعائدة من عطفك
عُدت بضم العين المهملة وبعد ها دال مهملة
ويقال عاد عليه بعائدة اى تكرم عليه بعاودة
وجد على بطول الطول بفتح الطاء الفضل والغنى
والقدرة وانت الله عماد السموات والارض عماد
الشئ بالكسر ما يقوم وينبت به الشئ والاعماد لغة
وقال وانت الله قوام السموات والارض قوام
الشئ بالكسر عماده فهذه الفقرة كالمفسرة لما قبلها
وهو من قبيل قوله تعالى ان الله يمسك السموات و
الارض ان تزولا وهو ليل سمى على احياجا لبا و
البقاء الى علة مبقية وانت الله المروح بالراء و
الحاء المهملتين اسم فاعل قريب من معنى المفرج بالجيم
فلا تجعل البلاء غرضا الغرض بالغين المعجمة والراء
المفتوحتين قريب من معنى الغرض ولا تتبعنى بلاء

الجاء والنون وتشديد
النصب النون والهاء
المهملة المفتوحتين

على

على اثر بلاء تتبع على وزن تكرم واثر بكسر الهمزة
وتحها واسكان الثاء المثلثة يقال خرجت على اثره
اى بعده بقليل الك العتبى بضم العين المهملة واسكان
التاء المثناة الفوقانية بمعنى المواخذة والمعنى انت
حقيق بان تواخذنى بسوء اعمالى امر من اهل السعادة
خلقتنى فاشرح جانى ابشر بالباء الموحدة وتشديد
الشين المعجمة من البشارة والكلام استعارة وربما اقرأ
بالنون الساكنة والشين المعجمة المضمومة الى انبسط
رجائى واكثره لضرب المقامع خلقت اعضاء القامع
جمع مقمعه بكسر الميم واسكان القاف شئ كالعمود
يضرب به قال الله سبحانه وتعالى فى صفة عذاب
اهل النار ولهم مقامع من حديد ام لضرب
الحميم خلقت امعائى الحميم الماء الشديد الحرارة و
الامعاء جمع معا بالكسر والقصر وهى ما يتقل اليه

الطعام بعد المعدة والظاهر ان المراد بالامعا
هنا ما يشمل المعدة وسائر الاحشاء ايضا ما انا
وما خطرى الخطر بالخاء المعجمة والطاء المهملة والقصور
القدر والمنزلة والاستفهام للتحقير ارحض مصدر عا
بالمهملات اى ملقى على الارض طموح الامال قد
خابت الاماني طموح بالطاء المهملة المضمومة
واخره حاء مهملة جمع طامح كقعود جمع قاعد من
طمح يطمح ارتفع والمراد ان الامال الطامحة اى المرتفعة
العظيمة قد خابت الا امالنا العظيمة عندك كما لا يخفى
من ذنوبنا التي استوجبنا بها اليم العقاب وادخلنا
الجنة تفضلا من غير استيجاب ومعاكف الحمام قد
تقطعت الاعلى المعاكف جمع معكف وهو
مصدر بمعنى العكوف اى الاقامة والمراد ان عكوف
الحمام وقاما تها على باب كل احد في طلب الاحسان

منه

منه قد تقطعت وخابت الاعكوفا تها على باب
جودك واحسانك ومذاهب العقول قد ضلت
الا اليك المذاهب الطرق وتطلق على الاراء ايضا
مذا رفعت وسمى الشئ اذا رفع اليه والمراد ان
طرق العقول والاراء اذا رفعت الى اشياء اما اليك
فقد قصرت على الارتقاء وضلت في بيداء العظمة
والكبرياء وجعلنا امتر به على عباده كفاة
لتاديبه حقه اى جعل تكليفنا بعبادته مكافيا
لاداء حق نعمائه مع ان في تكليفنا بعبادته وتمرينا
بخدمته وجعلنا اهلا للقيام لها لطفا جزيلا
بنا ومنة عظيمة علينا الا ترى ان الملك العظيم
اذا شرف شخصا بخدمته وجعله اهلا لمخاطبته
فان ذلك الشخص يعد ذلك من عظيم الطاف ذلك
الملك به وجزيل منه عليه وهو سبحانه بهو

ج

كرمه جعل بعض محافظه الاخرى التي من بها علينا
ووفقنا لها شكرا ومكافاتنا لبعض نوافله
الاخرى ومع ذلك وقد وعدنا عليها ثوابا
جزيلا في الاخرة فسبحانه سبحانه ما اعلى شانه في
اعظم امتنانه ومن عدق فداستكباك على الحق وتب
على وفيه تنبيه له بالكلب وربما يقال ان فيه ايضا
اشارة الى ان عداوته على الامور الدنيوية فان
الدنيا جيفة وطالبوها كلاب قبل سرابيل القطران
او تلميح الى قوله تعالى وترى المجرمين يومئذ مقرنين
في الاصفاد سرابيلهم من قطران السرابيل جمع سربال
وهو القميص والقطران عصارة شديدة النتن والحدة
يطلى بها الجمل الاجرب فيحرق جربه بعد تهافت شأنها
ان تشتعل النار فيما يطلى بها بسرعة وروي انه يطلى
بها جلود اهل النار الى ان تصير لهم بمنزلة القمصان

فيجمع

فيجمع عليهم لدغها وحدها مع احراق النار نعوذ
بالله من ذلك وميته سوية ميتة بكسر الميم والمراد
بالميتة السوية الموت بعد حصول الاستعداد له
والتمكن لحلوله من تقديم التوبة وقضاء الفوايت
والخروج من حقوق الناس المالية والعرضية وغيرها

فصل وبعد فراغك من معوذتيه الوتر وما يتعلق
بها تقوم الى ركعتي الفجر وتسميان المناسبتين لهما
في صلوة الليل كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب
بسنده صحيح عن الرضا عليه السلام انه قال اجعل بهما صلوة
الليل والظاهر امتداد وقتها الى طلوع الحمرة كما
تضمنه بعض الروايات وكما قال به جماعة من
علمائنا قدس الله ارواحهم وان كان افضل
اوقاتها ما بين الفجرين وتقرا في الاولى بعد الحمد الجحد
وفي الثانية التوحيد فاذا سلمت فاضطجع على يمينك

تستقبل القبلة كما لحد ووضع خدك الايمن على يدك
اليمنى وقل اسئلك بمعرفة الله الوثيق التي لا تنفصم
لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله من
شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن و
الانس يحق الله وحق الله وحق امنت بالله وتوكلت
على الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم
من اصبح له حاجة الى مخلوق فان حاجتي وفقري
اليك وحمدك لا شريك لك لك الحمد الحمد
لله رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله
فاسع المعاش الحمد لله جاعل الليل لباسا والنوم
والقر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعل في قلبي نورا وفي

بصري نورا وعلى لساني نورا وسمعي نورا وعن يميني نورا
وعن شمالي نورا ومن خلفي نورا ومن امامي نورا
ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا واعظم لي نورا واجعل لي نورا
اقرأ آية الكرسي والمعوذتين والخمس من اخر آل
عمران ان في خلق السموات والارض الى قوله تعالى
انك لا تخلف الميعاد ثم تجلس وتسبح تسبيح الزهراء
عليها السلام ثم تقول ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي العظيم
وبحمده استغفر الله ربي واتوب اليه ثم تقول سبع
مرات بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم ثم تسجد سجدة الشكر
وتقول فيها ما يسنح لك مما قدمنا وادع فيها
لاخوانك المؤمنين وتقول اللهم رب الفجر والليالي
العشر والشفع والوتر وما الليل اذا يسر ورب كل

شئ وآله كل شئ وخالق كل شئ ومليك كل
شئ صل على محمد وآله وأصحابه وبلغهم من وفاء
ما أنت أهله ولا تفعل بنا ما نحن أهله فإنك
أهل التقوى وأهل المغفرة تغسل وينبغي أن
تدعو بعد فراغك من صلوة الليل أعني الثلاث عشرة
ركعة بما كان يدعو به سيد العابدين عليه
السلام وهو من أدعية الصحيفة اللهم يا ذا
الملك المتأبد بالخلود والسلطان الممتنع بغير جنود
ولا أعوان والعز الباقي على مر الدهور وخوالي
الأعوام ومواضي الأزمان والأيام عز سلطانك
عز الأحد له بأوليته ولا منتهى له بآخريته واستعلى
ملكك علوا سقطت الأشياء دون بلوغ أمده ولا
يبلغ أقصى ما استأثرت به من ذلك أقطار
سلطانك الصفات ولتخمت دونك النعوت

وحارث كبير يا إلهي لطائف الأوهام كذلك
أنت الله الأول في أوليتك وعلى ذلك أنت دائم
لا تزول وأنا العبد الضعيف عمله الجسيم أمله
خرجت من يدي أسباب الوصلات إلا وصلة
رحمتك وانقطعت عني عصم الآمال إلا انامتي
بما من عفوك فما عندي مما أعتد به من طاعتك
وكثرة عوامل أوبه من معصيتك وإن يسيرا
عليك عفو عن عبدك وإن إساءته فاعف عني
اللهم وقد أشرف على حفايا الأعمال علمك
وانكشف كل مستور دون سجوف سترك
عندك دفائق الأمور ولا تعزب عنك غيبات
السرائر فعد بفضل استهتارك على عدوانك الذي استفزك
لغوايتي فانظر بنة واستعملك إلى يوم الدين لإضلالي
فأمهلته فأرقعني وقد هرب إليك من صغائر

ذنوبهم موبقة وكبائر اعمالهم مردية حتى اذا قارنت
معصيتك واستوجبت بسوء سعيي سخطك مثل
عني عذار عذره وتلقاني بكلية كفره وتولى البراءة
مني وادبر مولياً عتياً صحرني لغضبك فريداً
واخرجني الى فناء نقمتك طريداً لا شفيع يشفع
لي اليك ولا مخفر يؤمنني عليك ولا حصن
يحجبني عنك ولا ملاذ الجأ اليه منك فهذا
مقام العائذ بك ومحل المعترف لك فلا تصيفن
عني فضلك ولا يقصرن دوني عفوك ولا الين اخيب
عبادك التائبين ولا اقنط وفودك الآملين و
اغفر لي انك خير الغافرين اللهم انك امرتني
فتركت ونهيتني فركبت وسولت لي الخطاء خاطر
السوء فنفرطت ولا استشهد على ضمائر نهارا
ولا استجير بتمجدي ليلة ولا استنى عما حياها

انفسها فاقرضك ابغي من متعها هالك وارتهن
اتوسل اليك بمقترفاتي فلة مع كثيرها اغفلت
من ملتافت فرائضك وتعديت عن مقامات
حدودك الى محرمات انتهكتها وكبائر ذنوب
اجترحتها كانت كالسمات غائبات لمن يصادرها
سترا وهذا مقام من استحى لنفسه منك وبخط
عليها ورضي عنك فتملقك ببعض حاضعة
ورهبة خاضعة منك وانت اولى من رجاه
واحرى من خشيه وانقاه فاعطني يا رب ما
رجوت وامني ما حذرت وعلى عدو عائذة
رحمك انك اكرم المسئولين يا اللهم واذ زينت
بحلول وتحمدني بفضالك في دار القرار حجبت
الايدي فاجرني من فضيحات دار البوار عند
مواقف الاشهاد من الملائكة المقربين في

وظهر مسئل من ظلمها
وافضا بين الرجيلة
البكسوا الوجيبة ٢

الرسل الكرمين والشهداء والصالحين من بار
كنت اكاتمه سبابي وبين ذي رحم كنت
احتشم منه في سرائي فلم أتوهم ربت في
الستر علي ودنقت بك ربي في المغفرة لي و
انت اولى من وثق به واعطى من رغب اليه
وارأف من استرحم فارحمني اللهم وانت
خلقتني ماء مهينا من صلب منصاب العظام
حرج المسالك الى رحم ضيقة سترتها بالحجب
ثم مضى حالا عن حال حتى انتهيت بي الى تمام
الصورة وانبت في الجوارح كما نعت في كتابك
نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظاما ثم
كسوت العظام لحما ثم انشأتني خلقا اخر
كما شئت حتى اذا استحقت الى رزقك ولم
استغن عن غياث فضلك جعلت لي قوتا

من فضل

من فضل لك طعام وشراب اجريته لامتك التي
اسكنتني سوءتها واودعتني قرار رحمها واوكلتني
يا ربت في ذلك الحال الى حولي او تضطرني
الى قوتي بل كان الحول عني معين لكل كانت القوة
مني بعيدة فغذوتني بفضلك غذاء البر اللطيف
فعل ذلك بي تطولا علي الى غايتي هذه لا عدم
برك ولا ابطأ بي الى حسن صنيعك ولا تناكد
مع ذلك نفسي وانقرهم لما هو احظى لي عندك
قد ملك الشيطان عناني في سوء طاعة نفسي لا
الظن وضعف اليقين فانا اشكو سوء مجاورته
الى وطاعة نفسي له واستعصامك من ملكته والقدرة
عليها وان تسهل الي الرد في سبيل ذلك الحمد
على ابتدائك بالنعم الجسام والمهايات الشرع
الاحسان والانعام فصل على محمد واله وب

سهل على ربي وان نفعني بتقديرك لي وان
توضيني بحضيض ما قسمت لي وان تجعل ما بقي
من حبسي وعمري في سبيل طاعتك انك خير
القرارين اللهم اني اعوذ بك من نار تغلظت
بها على من عصاك وتوعدت بها من صدف
عن رضاك ومن نار تورثها ظلمة وهيبتها اليم
وبعيدها قريب ومن نار يأكل بعضها
بعضا ويصول بعضها على بعض ومن نار
تذر العظام رميما وتشوي اهلها حميما ومن
نار لا تبقي على من تضرع اليها ولا ترحم
من استعطفها ولا تقدر على التخفيف عن
خشع لها واستسلم اليها تلتهب سكانها بأحر
ما لديها من اليم النكال وشديد الوبال
اعوذ بك من عقاربها الفاغرة وافواعيها وحيلها

الصالقة

الصالقة بأنيابها وشرابها الذي يقطع امعاءه
وافئدة سكانها وينزع قلوبهم واستهديك
لما باعد منها واحرسنا اللهم صل على محمد
واله واجرني منها بفضل رحمتك واقلبني عن اتي
بحسن اقالتك ولا تخذلني يا خير المجيرين
انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة وتفعل ما
تريد وانت على كل شيء قدير اللهم صل على محمد
محمد وآل محمد ما اختلف الليل والنهار صلوة لا تكون
مدة لها ولا يحصى عددها صلوة تفضل الهواء
وعدله الارض من السماء صلى الله عليه حتى يرضى
وصلى الله عليه واله بعد الرضا صلوة لا
حد لها ولا استثناء يا ارحم الراحمين

السلطان كما مر في ذيل تعقيب الصبح مصدر كغفران
بمعنى التسلط وخوابي الاعوام بالخاء المعجمة والباء الموحدة

من اضافة الصفة الى الموصوف استعلى ملكك
او الاستفعال هنا بمعنى الفعل اى علا وتضخت ذلك
النعوت تفسخت بالفاء والسين المهملة والخاء المعجمة
اى تقطعت وبطلت فانك فوق نعتنا الناعتين رجت
من بدى اسباب الموصلات بالصاد المهملة جمع وصلة
بضم الواو وهى ما يتوصل به الى المطلوب والمراد
انك قد فاتحت الاسباب التى يتوصل بها الى التعاد
الاخروية الا السبب الذى هو رحمتك فانه لا
من ول يفوت من احد وتقطعت عنى عصم الامال
العصم بكسر العين المهملة جمع عصمة وقد تقدم
تفسيرها ما ابوء به من معصيتك ابوء بالباء الموحدة
والهمزة والواو اى ارجع وقيل عنى عدا عدة
والتاء م بالفاء المثناة اى صرف والمراد بالعذار بكسر العين
المهملة وبعدها ذال المعجمة ما يقع على خد الفرس

من اللجام

من اللجام والترسن الكلام استعارة والمراد
ان الشيطان بعد حصول مراده من الفتنة بالمعصية
بالمخيلة والعذر يصرف عنى عنان عذره
حيث حصل منه مراده وتلقاه بكلمة كفره اشارة
الى ما حكاه سبحانه عنه بقوله تعالى اذ قال للانسان
اكفر فلما كفر قال انى برئ منك فاصحر بى لغضبك
اصحر بى بالصاد والحاء المهملة اخرجنى الى الفضاء
والمراد هنا جعلنى بارزا فى بيداء الضلالة لتصدنى
لحلول غضبك على ولا تحفرنى بوصمى على بئر الخسران
بالخاء المعجمة والفاء بمعنى المانع والجبر الحفر بالمثناة
التحتانية والنون والتاء الفوقانية اى بالغت
فيها وكبابين ذنوبى احبرتها اى اكتبتها
وقد قدمنا فى الباب الاول ما يحمل عليه امثال هذا
الكلام اذا صدر عن المعصوم عليه السلام

عصرة الاكفاء اى بعضو الامثال والاشباه كذ
استحيى ل احتشم منه اى استحى منه حذرنى ما مهينا بفتح
الميم اى محقورا خرج المسالك بالحاء المهملة المفتوحة
واللام المكسورة واخر جيم صفة مشبهة من الوجر
بفتحتين وهو الضيق نطفة ثم علقة نصب النطفة
والمعطوفات عليها اما على احكاية ما وقع فى القرآن
المجيد او على اضمار عامل كخلقتنى ونحوه والنطفة
ما اخوذة من النطف وهو الصب والعلقة قطعة
جامدة من الدم وهى اول ما يستحيل اليه النطفة
ثم مضغة اى قطعة من اللحم وهى فى الاصل بقدر ما
يمضغ ثم عظاما بتصليب بعض اجزاء العلقة والاتيان
بصيغة الجمع لاختلاف العظام فى الحيوانات والصلة
ثم كسوت العظام لحما اى اتمامها بما بقى من المضغة او لحما
جديدا ثم انشانه خلقا آخر وهو صورة البدن و

نفخ

نفخ الروح فيه وهذا الكلام منه عليه السلام اشارة
الى ما تضمنه قوله تعالى ولقد خلقنا الانسان من
سلالة من طين ثم جعلناه نطفة فى قرار مكين ثم
خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة
فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما
ثم انشانا خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين
من فضل طعام وشراب اجريته لامتك الفضل بمعنى بعض ل
الفضلة والمراد به هنا دم الحيض فان بعضه يصير
غذاء للحمل ما دام فى الرحم وبعضه يصعد الى
الثديين ويحيل لبنا ليصير غذاء له اذا اخرج سوء
استعملك من ملكته بالضم ملكة بالفتح اى تملكه
اياى واستزامه لى من صدف عن كذا التصدف
بالصاد والدال المهملتين بمعنى خرج واعرض فغرفاه
بالفاء والغين المعجمة والراء اى فتحة الصائغ

باب الصلوة بالعباد المهملة واخره تاء كضربوزنا
ومعنى صلوة تحن الحواء بالنون المعجمة والحاء المهملة
بمعنى تلاء حتى يرضى بصيغة الغايب والضمير النبي صلى
الله عليه وآله وفيه اشارة الى ما وعده به سبحانه
بقوله جل شانه ولسوف يعطيك ربك فترضى
وفي بعض الاحاديث الواردة عن اصحاب العصمة سلام
الله عليهم انه صلى الله عليه لا يرضى وواحد من
امته لافي النار وان هذه الاية ابلغ في الرجاء من
اية لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب
جميعا انه هو الغفور الرحيم خاتمة ينبغي للمصلي
ملاحظة معاني اذكار الصلوة واداعيتها وتعقيباتها
وما يقرأ فيها وان لا يكون ذكره ودعاؤه وقراءته مجرد
تحريك اللسان من غير ملاحظة المعاني المقصودة
منها فيكون حاله كحال العربي اذا تلفظ بكلام فارسي

من غير

من غير شعور بمعاني ما يتلفظ به او كحال الناسي او
المصروع اذا تكلم بشيء من دون ان يخطر معناه
بباله وينبغي في تنبيه المصلي وحثه على ملاحظة
معاني ما يقوله في الصلوة قوله تعالى يا ايها الذين امنوا
لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون
روى ان ابن الحنفية عن العباد عليه السلام انه
قال من صلى ركعتين ولم يعلم ما يقول فيهما انصرف وليس
بينه وبين الله ذنب الا غفر له ونحن بتوفيق الله تعالى
قد بنينا في ابواب التالفة ما يحتاج الى البيان وشرحنا
ما يفتقر الى الشرح من اذكار الصلوة وبعض ما يقرأ
فيها ويتلى بعدها من التعقيبات وقد ختمنا كتابنا
هذا بتفسير الفاتحة رجاء لحسن الخاتمة وليكون
جميع ما يقال في الصلوة وقبلها وبعدها مما ذكرناه
في هذا الكتاب ميسرا مشروحا سهلا لتناوله على اخوان

الدين وخلاة ان اليقين وعلى الله التوكل وبه استعين

بسم الله الرحمن الرحيم الباء اما للاستعانة او للمصاحبة

وقد ترجح الاولى باشعارها بكون ذكر الاسم الكريم

عند ابتداء الفعل وسيلة الى وقوعه على الوجه الا

الاكمل الاتم حتى كانه لا يوجد بدون التبرك

بذكره وللمصاحبة عربية عن ذلك الاشعار واما

متعلق الباء فمقدر خاص او عام فعل او اسم مؤخر

او مقدم والاولى هذه الثمانية اولها اعني الخاص

الفعلي المؤخر اذ العام لمطلق الابتداء يوهم بظاهره

الاستعانة على ابتداء الفعل فيفوت تممولها بجملته

الخاص الاسمي كقراءتي مثله يوجب زيادة تقدير

باضمار خبره اذ تعلق الظرف به بمنع جعله خبرا او

المقدم كقراءتي باسم الله يفوت معه قصر الاستعانة

على اسمه جل وعلا والله علم شخصي للذات المقدسة

الجامعة لصفات الكمال لا اسم لمفهوم واجب الوجود

والا لم يكن كلمة لا اله الا الله مفيدة للتوحيد

لاحتمال تعدد افراد ذلك المفهوم في اعتقاد قائلها

والمعارضة بانه لو كان كذلك لم يكن قولهم الله

احد مفيدا للتوحيد لجواز كونه علما لاحد

افراد الواجب مع عدهم السورة من الدلائل السمعية

على التوحيد مدفوعة بان الواحدية تستفاد من

احديها واما صمديتها فمفيدة الاحدية اعني عدم

قبول القسمة باقسامها والرحمن الرحيم صفتان

مشبهتان من رحم بالكسر بعد نقله الى رحم بالضم

الرحمن ابلغ الدلالة زيادة المباني على زيادة المعاني

وهي هنا اما باعتبار الكمية وعليه حملوا ما ورد

في الدعاء يا رحمن الدنيا ورحيم الاخرة لتمول رحمة

الدنيا للمؤمن والكافر واختصاص رحمة الاخرة بالمؤمن

واما باعتبار الكيفية وعليه حملوا ما ورد في الدعاء
ايضا يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيم الدنيا لعمومه نعم
الآخرة باسرها بخلاف نعم الدنيا فمعنى الرحمن البالغ
في الرحمة غايتها ولهذا اختص به سبحانه ولم يطلق على
غيره لانه هو المتفضل حقيقة ولما من عادة العظماء
باحسانه اما ثنائه دنيويا او لقائها اخرويا او ازالة
وقع المحنة او اراحة خساسة البخل ثم هو كالوسطة
فان ذوات النعمة وسوقها الى المنعم عليه واقداره على
ايصالها كلها صادرة عنه جل شانه وعظم امتنانه و
تقديمه على الرحيم مع اقتضاء الترقي العكس لصريحة
بسبب الاختصاص به سبحانه كالواسطة بين العلم والوصف
فناسب توسطه بينهما وفي ذكر هذه الاسماء في البسملة
الوحي بفتح الكتاب الكريم تاسيس لبنى الجود والكرم
وتنبيه لمعالم العفو والرحمة وايماء الى مضمون سبقت

لحساب

رحمتي غضبي وتنبيه على ان الحقيق بان يتعاهد بذكره
في جامع الامور هو الجامع لصفات الكمال البالغ
في الرحمة غايتها المولى للنعم باسرها عاجلها وآجلها
جليلها وحقيرها الحمد لله رب العالمين الحمد هو
الثناء على مزية اختيارية واما حمده وسبحانه
على بعض صفاته فراجع الى الحمد على الآثار المرتبة
على نفس الذات المقدسة بناء على ما هو الحق من تجليتها لها
بذاتها لا باثار واختيارية ولامه امالجنسية او
استغراقية او عهدية اي حقيقة الحمد او جميع افراده
والفرد الاكمل اللائق به ثابت له جل وعلا ثبوتا
قصريا تفيده لام الاختصاص او بمعونة المقام
والرب اما مصدر بمعنى التربية وهي تبليغ الشيء كمالا
تدريجا او وصف به للمبالغة كالعدل واما صفة مشبهة
من ربه بربه بعد نقله الى اللازم كحاذر في الحزم وفطنة

كما

حقيقية لانتفاء عمل النصب فيه مثل كريم البلد فجاز
وصف المعرفة به مع ان المراد الاستمرار لا التجدد
العالم اسم لما يعلم به الشيء غلب في كل جنس مما يعلم
به الصانع كما قال عالم الافلاك وعالم العناصر وعالم
الحيوان وعالم النبات الرحمن الرحيم تكريرهما للاشعار
في مفتتح الكتاب المجيد بان اعتناءه جل شانه بالرحمة
اشكل واكثر من الاعتناء ببقية الصفات ولبيط بساط
الرجاء بانه تعالى يوم الجزاء رحمن رحيم فلا تيأسوا
ايها المذنبون من صفحه عن ذنوبكم في ذلك اليوم
الهائل مالك يوم الدين قراءة عاصم والكسائي
وقراءة الباقون ملك وقد تؤيد الاولى بموافقة قوله
تعالى يوم لا تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ
لله والثانية بوجوه خمسة انها ادخل في التعظيم
انها انسب بالاضافة الى يوم الدين كما يقال ملك العصر

انها اوفق بقوله تعالى لمن الملك اليوم لله الواحد
القهار انها اشبه بما في خاتمة الكتاب من وصفه
سبحانه بالملكة بعد الربوبية فيناسب الافتتاح
الاختتام انها غنية عن توجيه وصف المعرفة
باظاهرية التنكير واضافة اسم الفاعل الى الظرف
لاجرائه مجرى المفعول به تعالى والمراد ما لك الامور
كلها في ذلك اليوم وسبوغ وصف المعرفة لارادة
معنى المضي تنزيلا لمحقق الوقوع منزلة ما وقع او
الاستمرار التنويعي واما قراءة ملك فمبنية من التوجيه
الاخير من قبيل كريم البلد والدين الجزاء ومنه قولهم
كما تدين تدان وتخصيص يوم الدين بالاضافة مع
انه سبحانه مالك ومالك لكل الاشياء في كل الاوقات
لتعظيم ذلك اليوم ولان الملك والمالك لا يكادان
يعرضان لاحد في ذلك اليوم الا لله الواحد القهار

يبطلان في ذلك اليوم بطلانا بينا ويفرد جل شانه
بهما انفرادا ظاهرا كل احد وفي ذكر هذه الصفات
بعد اسم الذات دلالة على استجماع صفات الكمال اشارة
الى ان من يحمده الناس ويعظمونه انما يكون حمدهم
وتعظيمه لاحد امور اربعة اما لكونه كاملا في ذاته
وصفاته واما لكونه محسنا اليهم ومنعما عليهم وانما
لانهم يرجون الفوز في الاستقبال بجزيل احسانه
وجليل امتنانه واما لانهم يخافون من قهره وكمال
قدرته وسطوته فكانه جل وعلا يقول يا ايها
الناس ان كنتم تحمدون وتعظمون للكمال الذاتي
والصفاتي فانى انا الله وان كان للاحسان والنعمة
فانا رب العالمين وان كان للرجاء والطمع في المستقبل
فانا الرحمن الرحيم وان كان للخوف من كمال
القدرة والسطوة فانا مالك يوم الدين اياك نعبد

واياك

واياك نستعين العبادة لما مر بمعنى الخضوع والتذلل و
الذلك لا يليق بها الا من هو مولى الاعلى النعم واعظمها
من الوجود والحياة وتوابعها والاستعانة طلب المعونة
على الفعل والمراد هنا طلب المعونة في المهمات بأسرها
او في اداء العبادة والقيام بوظايفها من الاخلاص
التام وحضور القلب في الآية الكريمة امور خمسة
لابد من بيان النكتة في كل منها اولها تقديم العبادة
على الاستعانة وثانيها تقديم المعمول على العامل
وثالثها تكرير لفظة اياك ورابعها اياثار صيغة المتكلم
مع الغير على المتكلم وحده وخامسها الالتفات
من الغيبة الى الخطاب فنقول اما تقديم العبادة على
الاستعانة فلعل النكتة فيه امور سبعة او رعاية توافق
الفواصل كلها في حرف الاخير وبهذه النكتة انتا
يستقيم على ما هو الاصح من كون البسملة اية من

الفاتحة ـ ان العبادة مطلوبه سبحانه من العباد و
الاعانة مطلوبهم منه فناسب تقديم مطلوبه تعالى
مطلوبهم ـ ان العبادة اشد مناسبة لما ينبغي عن العبد
والاستعانة اقواى اتصالا بطلب الهداية فناسب ايلاء
كل ما يناسبه ـ ان المعونة التامة ثمرة العبادة كما
يفهم من الحديث القدسي ما تقرب الى عبدي بشيء
احب مما افترضت عليه فانه ليتقرب الي بالنوافل حتى
احبه فاذا احببته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره
الذي يبصر به ويده التي يبطش بها الحديث ـ ان
التخصيص بالعبادة اول ما يحصل به الاسلام واما
التخصيص بالاستعانة فانما يحصل بعد الرسوخ التام في
الدين فهو احق بالتاخير ـ ان العبادة وسيلة الى الاولى
الحاجة التي هي المعونة وتقديم الوسيلة على طلب
الحاجة ادعى الى الاجابة ـ ان المتكلم اذا نسب الى نفسه

العبادة كان في ذلك نوع تجرؤ واعتداد بما صدر عنه
فعقبه بقوله وايا ك نستعين ليعلم ان العبادة ايضا لا تتم
ولا تثبت الا بمعونته وتوفيقه واما تقديم المفعول
فللعناية والاختصاص وتقديم العبادة على الاستعانة عليهما فللعلم النكتة فيه امور ثلثة
ا فرهما عليه سبحانه قصرا حقيقيا او اضافيا
ا زادبا ـ تقديم ما هو مقدم في الوجود في الايماء
الى ان العابد والمستعين ينبغي ان يكون مطمح نظرهما
اولا وبالذات هو الحق سبحانه على وتيرة ما رايت
شيئا الا رايت الله قبله ثم منه الى انفسهم لا من حيث
ذواتها بل من حيث انها ملاحظة له عز وجل
ومنتسبة اليه ثم الى اعمالهم من العبادة وغيرها
لا من حيث صدورها منهم بل من حيث انها نسبة
شريفة ووصلة لطيفة بينهم وبينه جل شانه
واما تكرير الضمير فلعل النكتة فيه امور اربعة

التنصيص على التخصيص بالاستعانة والا لاحتمل
تقدير مفعولها موخرا فيفوت التنصيص ﴿ دفع ما
يتوهم من ان التخصيص انما هو لمجموع الامرين لا
بكل واحد منهما ﴿ الاستلذاذ بالخطاب ﴿ بسط الكلام
مع المحبوب كما في قول موسى على نبينا وعليه السلام
هي عصاي اتوكؤا عليها الاية والفرق بين الامرين
جريان الثاني في ضمير الغيبة دون الاول واما ايثار
صيغة المتكلم مع الغير على المتكلم وحده فلعل النكتة
فيه امور اربعة ﴿ الارشاد الى ملاحظة القارئ دخول
الحفظة او الحضار صلوة الجماعة او جمع حواسه و
قواه الظاهرة والباطنة او جميع ما حوته ذات الانسان
ثم ﴿ انهم بمنت الوجود كما قال سبحانه وان من شئ الا يسبح
بحمده ﴿ الايذان بحقارة نفسه عن عرض العبادة منفردا
وطلب الاعانة مستقلا من دون الانضمام والدخول

في جملة

في جملة جماعة يشاركون في عرض العبادة على باب
العظمة والكبرياء كما هو الدأب في عرض الهدايا على
الملوك ودفع الحوائج اليهم ﴿ ان في خطاب الله
عز وجل بان خضوعنا التام واستعانتنا في المهام
مخصران فيه سبحانه مع موضع خضوعنا الكامل
لاهل الدنيا من الملوك والوزراء من يحذو حذوهم
جراءة غليظة وجسارة ظاهرة تعدل في الفظاعة عن
الالحاد الى الجمع لانه يمكن ان يقصد به تغليب الاحياء
الخلص على غيرهم فيحترز بذلك عن الكذب الظاهر
والتهور الشنيع ﴿ ان هنا مسئلة فقهية هي ان من باع
اشياء مختلفة صفقة واحدة فكان بعضها معيبا
فان المشتري لا يجوز ان يقبل الصحيح ويرد المعيب
بل اما ان يقبل الجميع او يرد الجميع فكان العائد
الى ان يشاء القبول عباده ويتوصل الى اغراضه

حاجته فادرج عبادته الناقصة المعيبة في عبادات
غيره من الاولياء والمقربين وعرض الجميع صفقة
واحدة على الغني ذي الجود والافضال فمن عرف
شانه اجل من ان يرد المعيب بمثل الصحيح كيف و
قد نفى عبادة عن بعض الصفقة ولا يليق بكرمه رد
الجميع فلم يبق الا قبول الكل وفيه المطلوب واما الالتفات
من الغيبة الى الخطاب فقد ذكرت له في تفسير الموا
بالعروة الوثقى لربع عشرة نكتة واقتصر هنا على است
نكات التنبيه على ان القراءة ينبغي ان يكون من
قلب حاضر وتوجه كامل بحيث كلما اجرى القاري
اسما من تلك الاسماء العليا والنعوت العظمى على لسانه
ونفسه على صفحة جنانه حصل له المطلوب من زيادة الكشف
والجلاء واحرى هو بزيادة قرب واعتلاء وهكذا
شيئا فشيئا الى ان يترقى من مرتبة البرهان الى درجة

للحضور

حضرة ١٨١

الحضور والعيان فيستدرج المقام ح العدول الى
صيغة الخطاب والجري على هذا النمط المستطاب
ان من يريد هدية حقيرة معيبة لملك عظيم ان يرد
يهديها الى ملك عظيم ويجعلها وسيلة الى انجاح
حاجته فان عرضها بالمواجهة وطلب منه حاجته ح
بالمشافهة كان ذلك اقرب الى قبول الهدية ونجاح
الحاجة من العرض بدون المواجهة فان في رد الهدية
في وجه المهدي لها اكسارا عظيما لخاطره واشارة لها
في الغيبة فليس بهذه المثابة ح الاشارة الى ان حسن
الكلام ان يجري من اول الامر على طريق الخطاب لانه
سبحانه حاضر لا يغيب بل هو اقرب من حبل الوريد
ولكنه انما جرى على طريق الغيبة والبعد عن مقام
القرب والحضور رعاية لقانون الادب الذي هو دأب
السالكين وشعار العاشقين كما قيل طرق العشق كلها

اداب فلما حصل القيام لهذه الوظيفة مجرى الكلام
على ما كان حقه ان يجرى عليه فى ابتداء الذكر ففى
الحديث القدسى انا جليس من ذكرنى التنبيه على
علو رتبة القرآن المجيد وسيما اياته المتضمنة لذكر
الله عز شانه والاشارة ان العبد باجراء هذه القدر
منه على لسانه وقفه على صفحة جنانه يصير اهلا
لمجالس الخطاب اذ ابعاده للحضور والاقتراب فكيف
لو لازم وظائف الاذكار واضب على تلاوته وتدبر
معانيه بالليل والنهار فلا ريب فى ارتفاع الحجب بين
البين والوصول من الاثر الى العين وقد روى عن
الامام جعفر الصادق عليه السلام انه قال لقد تجرأ الله
العباد فى كلامه ولكن لا يبصرون وروى انه عليه
كان يصلى فى بعض الايام فخر مغشيا عليه فى اثناء الصلوة
فسئل بعدها عن سبب غشيته فقال ما زلت اردد هذه الآية

حتى

حتى سمعتها من فيها فقال بعض العارفين ان سبحان
جعفر العباد وعليه السلام كان فى ذلك الوقت فى شجرة
الطور عند قوله انى انا الله وما احسن قول الشيخ الشيرازى
بالفارسية بيت رواباش دانا الله اردر خنى اجرا
نبود روا زنيك بخنى ع ان العبادة لما كان فيها
كلفة ومشقة ومن دأب المحب ان يتحمل من المشاق
العظيمة فى حضور المحبوب ما لا يحمل عشر عشيره فى غيبته
بل لا يحصل له بسبب عن الحضور الا غاية الابتهاج و
نهاية السرور قرن سبحانه العبادة بما يغرى بحضوره
ونظره سبحانه الى العابد ليحصل بذلك تدارك ما فيها
من الكلفة ويجبر به ما يلزمها من المشقة اى تنبيها
العابد عارية عن الكلال خالية عن الفتور والملال
مفروغة بالها فيه تمام النشاط وغاية الانبساط ان
الحمد كما قاله المفسرون المحققون اظهار ما يالمحمود على

الغير فاد ام الاغيار وجودي نظر السالك فيه يظهر
كمالات المحبوب عليها ويذكر مزاياه لديهم وانا اذا ال
امر وتر في حاله بسبب ما يلزمه الاحكام وصار محفظة
الاثار الى ان تفانى الاستاذ واضحا اجميع الاغيار لم
يبق سوى المعبود الحق ذي الجمال المطلق وعرف حقيقة
قوله تعالى اينما تولوا فثم وجه الله فيا للضرورة لا
يصير توجيه الخطاب الا اليه ولا يمكن ذكر شيء الا له
فينصرف عنان لسانه مخبرا عن خطابه ويصير كلامه مخبرا
عن خطابه وفوق المقام مقام لا يبقى بتقرير الكلام ولا
يقدر على تحرير السنة الاقلام بل لا يزيده الكشف الا حيرة
وخفاء ولا يوفيه البيان الا غموضا واعتلاء ذات
قبض لخبط من نسج تسوة وعنز نحو فاعز معاليه
قاصرة اللهم اكشف عن بصايرنا الغواشي الجسمانية
وانزع عن ضمايرنا النواشي الهيولانية حتى لا نطمح الى

ماسوالك

الى سواك بنظر ولا نلتفت منه بعين ولا انزانك جواد
لوم ورؤف رحيم اهدنا الصراط المستقيم الهداية
مطلق الارشاد والدلالة بلطف سواء كان معها
وصول الى الغية ام لا سواء تعدت الى اثار المفعول
بين نفسها او بالجزء قبل ان تعدت به فكذلك
او بنفسها فوصلة وقيل بل هي الموصلة مطلقا ويعمها
قوله تعالى وهديناه النجدين اذ لا امتنان في الا-
الى الطريق الشر ويدفع الاول بقوله تعالى فاستحبوا العمى
على الهدى واما قوله تعالى انك لا تهدي من
احببت فاخص من مطلوبهم واعلم ان اصناف هذه الهداية
عز شانه وان كانت مما لا يحصى لعدم انحصار مطلقها الا
انها على اربعة اصناف اولها الهداية الى جلب المنافع
الضارية باضافة المشاعر الظاهرة والمدارك الباطنة
والقوة العاقلة واليه يشير قوله تعالى اعطى كل شيء

ولا يقدر ٢

خلقه ثم هدى فانيهما نصب الدلائل العقلية الفارقة
بين الحق والباطل والصلاح والفساد واليه يشير قوله
عز وعلا وهديناه النجدين وثانيهما الهداية بارسال
الرسل وانزال الكتب واليه يومي قوله تعالى واما ثمود فهديناهم
فاستحبوا العمى على الهدى ورابعها الهداية الى طرق
السير الى حظائر القدس والتنزل الى مقامات الانس
بانطماس آثار المخلوقات البدنية واندراس اكداد
الحجب الجسمية والاستغراق في ملاحظة انوار
الكمال ومطالعة انوار الجلال وهذا النوع من
الهداية يختص به الاولياء ومن نحا نحوهم
فاذا تلا هذه الآية الاصحاب المرتبة الثالثة اردوا
بالهداية المرتبة الرابعة واذا تلاها اصحاب المرتبة
الرابعة اردوا الثبات على ما هم عليه من الحد الذي جاء
عن امير المؤمنين علي عليه السلام من تفسير اهدنا بثبتنا

اوزيادة

اوزيادة والهداية على الاول مجاز وكذا على
الثاني ان اعتبر مفهوم الزيادة واجلى والمعنى المقول
منه والاحقيقة والصراط الجادة كانها تسط السالك
اوهم يسترطونها وقرا ابن كثير بالسين ومن حمزة بالصاد
وهو باشمامها صوت الزاي والمراد بالصراط المستقيم
اما مطلق الطريق الحق او دين الاسلام صراط الذين
انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين
وهذه باسرها آية واحدة عند من يعد البسملة آية
من الفاتحة وهم علماؤنا ومن وافقهم من بقية الفرق
واما من لا يعدها آية منها فيجعل صراط الذين انعمت
عليهم آية ثامنة وما بعدها آية سابعة وذلك
ان الامة متفقون على ان الفاتحة سبع آيات فمن
لم يقرأ آية من الفاتحة لا يبر عند قراءة صراط
الذين انعمت عليهم كما لا يبر عندهم بقراءة البسملة

وهذه الآية كالتفسير للصراط المستقيم وصراط
بدل كل منه والمراد بالذين انعمت عليهم هم
المذكورون في قوله تعالى اولئك مع الذين انعم
الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين
وقيل المراد بهم المسلمون فان نعمة الاسلام رأس جميع
النعم واعلم ان نعمة سبحانه وان جلت عن ان يحيط
بها نطاق الحصر كما قال جل شانه وان تعدوا نعمة الله
لا تحصوها لكنها ثمانية انواع لانها اما دينوية
او اخروية وكل منهما اما موهبي او كسبي وكل
منهما اما روحاني او جسماني وهذا تفصيلها دنيوي
موهبي اما روحاني كافاضة العقل والفهم او جسماني
كخلق الاعضاء دنيوي كسبي اما روحاني كتحلية النفس
بالاخلاق الزكية او جسماني كتزيين البدن بالهيات
المطبوعة اخروي موهبي اما روحاني كغفران ذنوبنا

من غير

من غير ستر توبة او جسماني كالانهار من اللبن
والعسل في الجنة اخروي كسبي اما روحاني كغفران
الذنوب بعد التوبة او جسماني كالمداومة على
الجسمانية المتجلية بفعل الطاعات والمراد هنا
الاربعة الاخيرة وما يكون وسيلة الى نيلها من
الاربعة الاولى والغضب ثوران النفس لارادة
الانتقام واذا اسند اليه سبحانه فهو باعتبار
غايته كالرحمة والضلال العدول عن الطريق
السوي ولو خطأ وقد اشتهر تفسير المغضوب عليهم با
اليهود والضالين بالنصارى وقد يفسر المغضوب
عليهم بالعصاة في الفروع والضالين بالمخالفين في
الاعتقاديات فان النعم عليه من وفق الجمع بين
العلم بالاحكام الاعتقادية والعمل بالشريعة
الطاهرة فالمقابل له من اخل احدى قوتيه اى العاقلة او العاملة

ولفظة غير اما بدل من الموصول او صفة له اما
مبينة او مفيدة وكيفما كانت منع عطفها على النكرة
مع تعرف الموصوف يحوج الى اخراج احدهما عن
صرافته اما بجعل لفظة غير بالاضافة الى الذي يضد
الواحد فرتبة من المعرفة او بجعل الموصول مقصودا
به جماعة لانا عيانهم فيجري مجرى المعرف باللام
الجنسية اذا اريد به فرد غير معين ولفظة لا يفيد
تاكيدا للنفي الواقع قبلها مع التصريح بشموله كلا
من المتعاطفين وسوغ مجيئها هنا تضمن غير المعاندة
والنفي معا ولذلك جاز انا زيدا غير ضارب في غاية
الجانب النفي فيصير الاضافة بمنزلة العدم ويجوز تقديم
معمول المضاف اليه على المضاف كما جاز انا زيدا مثل
الاضارب وان لم يجز في انا مثل ضاربي زيدا انا زيدا
مثل ضارب لامتناع وقوع المعمول حيث يمتنع وقوع

العامل

العامل هذا وفي عدوله سبحانه عن اسناد الغضب
الى نفسه جل شانه مع التصريح باسناد عديله اعني
النعمة اليه من سلطانه تنبيه لمعالم العفو وآثاره
وتاسيس لمباني الجود والكرم حتى كان الغضب عند
هو الانعام لا غير وان الغضب صادر عن غيره سبحانه ولا
فالمراد بقوله عز وعلا صراط الذين انعمت عليهم
يقول غير الذين غضبت عليهم وعلى هذا النمط من التعريض
في جانب الرحمة والتعريض في جانب العقاب جرى قوله
عز وجل لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان
عذابي لشديد حيث لم يقل لاعذبنكم مع انه هو
مقتضى المقابلة وكذلك اغلب الآيات التي فيها ذكر
العفو والانتقام فانك تجدها ظاهرة في ترجيح
جانب العفو كما قوله تعالى يغفر لمن يشاء ويعذب
من يشاء وكان الله غفورا رحيما فان ظاهر المقابلة

عن ٢

وكان الله غفورا اسعدنا بفضله سبحانه عن ذلك
الى تكرير الرحمة ترجيحا لجانبها وكما في قوله عز
سلطانه غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
ذي الطول حيث وجد صفة الانتقام وجعلها
محفوفة بنعوت العفو والاحسان معمورة في
صفات الرحمة والغفران سائلين منه جل شانه
ان يعمرنا برحمته وغفرانه ويعاملنا بعفوه وجوده
واحسانه وان يوفقنا وسايرا لاخوان المؤمنين
على العمل بما تضمنه هذا الكتاب وان يجعله من اجل
الذخائر ليوم الحساب ونتوسل اليه سبحانه بسيد
المرسلين واشرف الاولين والاخرين وعترته
الائمة الطاهرين صلوات الله عليه وعليهم
اجمعين ان لا يردنا عن بابه خائبين وان لا
يواخذنا بسوء اعمالنا يوم الدين انه ارحم الراحمين

واكم

ولينقط الكلام على
لفظي الرحمة والغفران

واكرم الاكرمين قد فرغت من
تسويد هذه النسخة الشريفة
المسمى بمفتاح الفلاح في تاريخ
يوم السبت الخامس شهر ذي
القعدة الحرام سنة
وستين والف من الهجرة
صلى الله عليه وآله
كتبه الفقير

بسم الله الرحمن الرحيم

الأفضل على النبي الأتقى العربي المكي
المدني الأبطحي القرشي الهاشمي السيد البهي
السراج المضيء صاحب الوقار والسكينة المدفون
بأرض المدينة العبد المؤيد والرسول المسدد
المصطفى الأمجد المحمود الأحمد حبيب إله العالمين
أبي القاسم محمد صلى

الأفضل على السيد المطهر
والإمام المظفر والشجاع الغضنفر قاسم طوبى رستة
الأنزع البطين الأشرف الكين الأشجع المتين العامري
المبين الناصر المعين ولي الدين العالي الوالي السيد
الرضي الإمام الوصي الحاكم بالنص الجلي المخلص الصفي
المدفون بالغري بيثرب بنجف غالب مظهر العجائب

ومظهر الغرائب ومعز الكتائب وطالب الثائر
والظفر بالثائر ومطلوب كل طالب حبه فرض على
العالمين وطاعته من طاعة رب العالمين الإمام ابن
محمد الله الغالب فلي ابن أبي طالب عليه السلام

الأفضل على السيد الكريم النبيل
ذات الأحزان الطريدة في البلاد القليلة المعصومة المظلومة
الكريمة بنت العليلة الدنوية بنت المعصومة جدها
سيد النساء الإنسية المعصومة البتول العذراء فاطمة
الزهراء عليها السلام

الأفضل على السيد المجتبى
والإمام المرتضى سبط المصطفى وابن المرتضى علم الهدى
العالم الربيع ذي الحسب المنيع الشفيع
بالمنة النفيع المدفون بأرض
الغري صاحب الجود والكرم
عن عدة مذاهبه لياذ
الأفضل على

زين المنابر والمساجد وحلي المالك الماجد مثبت الكافر
الجاحد صاحب المحنة والكرب والبلاء المدفون
بأرض كربلاء سبط رسول الثقلين ونور العينين
من لأنا وهو ابن الكرتين الإمام بالحق أبي عبد الله الحسين
على أبي الأئمة وسراج الأمة وكاشف الغمة
وشمس الشموس سيد الأهمة وبدر الرتبة وابن الكرتين
وصاحب السدتين المدفون بأرض الطفة المبرز من كل
شيئين الإمام بالحق أبي الحسن علي ابن الحسين عليهما السلام
على تبر الأقمار ونور الأنوار وسيد الأبرار
وقائد الأخيار الطهر الطاهر والنجم الزاهر والبلد
الفاخر الثبت الوجيه الإمام النبيه
المرتضى عند العدو والولي الإمام
علي الصادق
ساقي الشيعة من
شرف بحمد

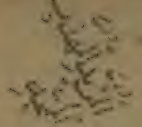

لطاهر الزكي البقيع الإمام الحق أبي عبد الله جعفر ابن محمد
على السيد الكريم الإمام الحليم الصابر الكظيم
سمي الكليم صاحب الحبس المدفون بمقابر قريش صاحب
الأنوار والبهاليل الأطهر الإمام بالحق أبي إبراهيم موسى ابن جعفر
على السيد المظلوم الإمام المعصوم والمغرب المحروم
الشهيد المسموم عالم الرؤوم الكظيم بدر النجوم شمس الشموس
أنيس النفوس المدفون بأرض طوس الرضي المرضى الإمام
المحتجب بالحجب أبي الحسن علي ابن موسى الرضا عليهم السلام
على السيد والعالم العامل الفاضل الكامل السابل
العادل الأجود الجواد العارف بأسرار المبدء والمعاد
لكل قوم هاد ماحي الحوبين يوم ينادي المنادي المدفون بأرض

واهل الحرمين الفقيه التقي عفيف الدين ابو زرعة بن ابي الرجا
لهو دي اليمني عالم الهدى المدفونين بيسر من راى
كاشف البلوى والمحن صاحب الجود وابن الائمة الميامين بالحق
ابي الحسن علي وابي محمد الحسن عليهما السلام
عادة الدعوة النبوية والفضيلة الحيدرية والعصمة
العلوية والصلابة الحسينية والشجاعة الحسينية والعبادة
السجادية والمآثر الباقرية والآثار الجعفرية والعلوم
الكاظمية والبهجة الرضوية والجود التقوية والورع النقوية
والهيبة العسكرية بالحق والداعي الى التوحيد المطلق
كلمة الله ولسان الله وحجة الله القائم بامر الله الحافظ

اللهم هؤلاء رسائلي اليك وملتمساتي ودعائي عليه
فصل عليهم صلوة تزيدهم وتزيد على رضاهم واقض
حوائجنا ويسر بهم امورنا واغن بهم عوائلنا وفرج بهم
همومنا واكشف بهم كروبنا واعقر بهم ذنوبنا واقض
بهم ديوننا وارحمنا بهم واحشرنا في زمرتهم برحمتك
يا ارحم الراحمين وصلى الله على نبينا محمد وآله اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسالك واتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة محمد
صلى الله عليه وآله وسلم يا ابا القاسم يا رسول
يا امام الرحمة يا شفيع الامة يا سيدنا ومولانا
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمنا

بين يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا فاطمة الزهراء يا بنت رسول الله يا شهيدة يا قرة

عين الرسول يا سيدتنا ومولاتنا انا توجهنا

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين

يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفعي لنا عند الله

يا ابا محمد يا حسن بن علي ايها المجتبى يا ابن رسول الله

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين

يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا عبد الله يا حسين بن علي ايها الشهيد المظلوم يا ابن

رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بين يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا الحسن يا علي بن الحسين ايها الساجد يا ابن

رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بين يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها الباقر يا ابن رسول الله

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بين يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا عبد الله يا جعفر بن محمد ايها الصادق يا ابن رسول

الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين

يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا ابراهيم يا موسى بن جعفر ايها الكاظم يا ابن

رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بين يدي حاجاتنا ياوجيها عند الله اشفع لنا عند الله

يا ابا الحسن يا علي ابن موسى ايها الرضا يا ابن رسول الله يا حجة

الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا

وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا

يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها التقي الجواد يا ابن رسول
الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا نتوجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين
يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا الحسن علي بن محمد ايها النقي الهادي يا ابن رسول
الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا نتوجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين
يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا محمد يا حسن بن علي ايها الزكي العسكري يا ابن رسول
الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا نتوجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين
يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا
عند الله يا وصي الحسن والخلف الصالح يا امام
زماننا ايها الخلف الطالح المهدي ايها القائم
بالحق المنتظر يا ابن رسول الله يا حجة الله على
خلقه

يا سيدنا ومولنا انا نتوجهنا واستشفعنا و
توسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا
عند الله اللهم ربنا نسئلك بحق مولانا الائمة
المعصومين الطاهرين اغفر لنا ولوا
لدينا ولاخواننا المومنين والمومنات
في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة
وقنا عذاب النار برحمتك يا ارحم الرا
حمين وصلى الله على سيدنا محمد واله
وسلم تسليما
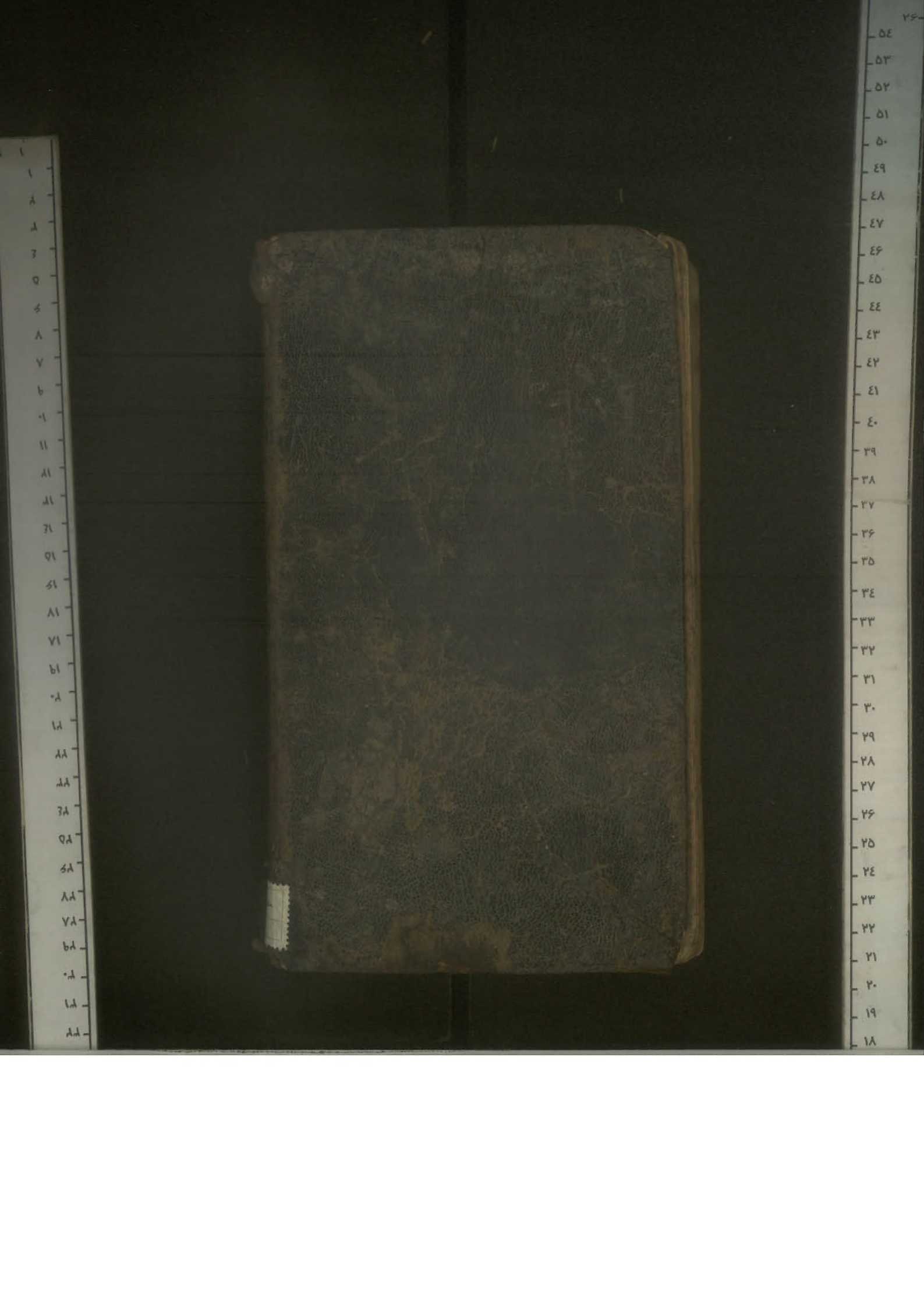
والحمد لله رب العالمين